



جمهوری اسلامی ایران
وزارت برنامه و بودجه

مهاجرتهای خارجی و علل و آثار آن در ایران

پدیدآورنده: محمود هدایت

دفتر جمعیت و نیروی انسانی

معاونت امور اقتصادی

هدایت، محمود

مهاجرتهای خارجی و علل و آثار آن در ایران - پدیدآورنده: محمود هدایت. -
تهران: وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات،
۱۳۶۵.

۱۲۳ ص. جدول (انتشارات وزارت برنامه و بودجه: ۶۵/۲)

تنهیه شده در: دفتر جمعیت و نیروی انسانی، معاونت امور اقتصادی
ویرایش مقدماتی این گزارش در سال ۱۳۶۲ توسط همین دفتر به صورت محدود
توزیع شده است.
کتابنامه: ص. ۱۲۳

۱. ایران - مهاجرت. ۲. ایران - جمعیت خارجی. ۳. خارجیان - ایران.
۴. مهاجرت - جنبه‌های اقتصادی. الف. ایران. وزارت برنامه و بودجه. دفتر
جمعیت و نیروی انسانی. ب. ایران. وزارت برنامه و بودجه. مرکز مدارک اقتصادی -
اجتماعی و انتشارات. ج. عنوان

۱۳۶۴/۵۴م۹ ۷۸۷۴۱/۵۷

مهاجرتهای خارجی و علل و آثار آن در ایران
پدیدآورنده: محمود هدایت (دفتر جمعیت و نیروی انسانی)
ناشر: وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات
ویرایش، حروفچینی، نسخه‌پردازی، امور گرافیک و تولید: مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات
(ثاقب‌فر، ماما قانی، عرب، اللهداد، گوهرزاد)
چاپ اول: ۳۵۰ نسخه، ۱۳۶۵
چاپ و صحافی: چاپخانه وزارت برنامه و بودجه

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۸	۱. طرح مسئله
۹	۲. جامعه، مورد مطالعه
۱۱	۳. متولدان خارج از کشور
۱۵	۴. بررسی مهاجران خارجی به ایران بر حسب نسبت جنسی و سنی
۱۹	۵. توزیع سنی
۲۲	۶. مقایسه، جمعیت مهاجر و جمعیت کل کشور در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵
۳۰	۷. توزیع مهاجران در مناطق شهری و روستایی
۳۵	۸. ۱-۷. مهاجران شهری در سال ۱۳۵۵
۳۲	۸-۷. مهاجران نقاط روستا نشین در سال ۱۳۵۵
۳۴	۹. توزیع سنی مهاجران خارجی به تفکیک مناطق شهری و روستایی
۴۰	۱۰. نسبت متولدان خارج از کشور به جمعیت کل کشور
۴۲	۱۱. ساختار جنسی جمعیت کشور
۴۶	۱۲. ساختار جنسی مهاجران
۴۸	۱۳. ۱۰. بررسی مهاجران خارجی بر حسب استانها
۶۶	۱۳. توزیع مهاجران در شهرهای بزرگ
۶۸	۱۴. بررسی نسبت جنسی در سطح کشور به تفکیک استانها
۷۵	۱۵. مشکلات ناشی از مهاجرت را چگونه می‌توان در ایران حل کرد
۷۸	۱۶. مقصد مهاجرت
۸۳	۱۷. علل مهاجرتهای داخلی و خارجی
۹۳	۱۸. ایرانیان مقیم خارج
۹۹	۱۹. بررسی کارکنان خارجی در ایران
۱۰۲	۱۹-۱۱. پیشنهاد تأسیس اداره مهاجرت
۱۰۵	۲۰. خارجیان در ایران
۱۰۷	۲۱. آثار مهاجرتهای خارجی در ایران
۱۱۲	۲۲. خلاصه گزارش

فهرست جدولها و نمودارها

عنوان	صفحته
نمودار ۱.	نسبت جمعیت شهری و روستایی در مقاطع سرشماریها و برآورد سال ۵۶
نمودار ۲.	نمودار متولدان خارج از کشور بر حسب جنس در مقاطع سرشماری
جدول ۱.	حجم کل مهاجران در سال بر حسب مبدأ و مقصد مهاجرت بین سالهای ۱۴ تا ۱۲۵۵
جدول ۲.	قدر مطلق جمعیت متولدان خارج از کشور در سرشماریهای عمومی بر حسب گروههای سنی
جدول ۳.	توزیع مهاجران در گروههای سنی در سالهای ۳۵، ۴۵، ۴۵، ۵۵
جدول ۴.	نسبت جمعیت مهاجر به جمعیت کل کشور در سال ۱۳۵۵
نمودار ۳.	نسبت مهاجران خارجی به جمعیت کل کشور در سال ۵۵
نمودار ۴.	نسبت مهاجران در گروههای مختلف سنی نسبت به جمعیت کل کشور طبق دو
نمودار ۵.	سرشماری ۴۵ و ۵۵
نمودار ۶.	نسبت متولدان خارج از کشور به جمعیت کل کشور، به تفکیک جنس در سال ۴۵، ۴۵ (مرد)
نمودار ۷.	نسبت متولدان خارج از کشور به جمعیت کل کشور، به تفکیک جنس در سال ۴۵
جدول ۵.	(زن) ۵۵
جدول ۶.	مهاجران شهری در سال ۵۵
جدول ۷.	مهاجران خارجی مقیم نقاط روستایی در سال ۵۵
جدول ۸.	توزیع مهاجران خارجی بر حسب شهر و روستا به تفکیک گروههای سنی سال ۵۵
جدول ۹.	توزیع مهاجران بر حسب شهر و روستا در گروههای سنی در مقایسه با جمعیت کل کشور (سال ۵۵)
جدول ۱۰.	توزیع سنی مهاجران بر حسب جنسیت و منطقه در سال ۵۵
نمودار ۷.	شاخص توزیع مهاجران در سطح شهر و روستا در سال ۵۵
جدول ۱۱.	نسبت متولدان خارج از کشور به جمعیت کشور در گروههای سنی، به تفکیک شهر و روستا
جدول ۱۲.	نسبت جنسی گروههای سنی به تفکیک شهر و روستا در سال ۵۵
جدول ۱۳.	نسبت جنسی در گروههای سنی ۱۵ تا ۴۶ ساله، چند شهر بزرگ (سال ۵۵)
	نسبت جنسی متولدان خارج از کشور (سال ۵۵)

صفحه

		عنوان
۵۱	جمعیت کشور و متولدان خارج از کشور بر حسب جنس و منطقه در سال ۵۵	جدول ۱۴.
۵۲	توزیع جمعیت کشور و متولدان خارج از کشور در استانهای ایران (سال ۵۵)	جدول ۱۵.
۵۵	درصد متولدان خارج از کشور بر حسب استان در سال ۵۵	جدول ۱۶.
	جمعیت شهری کشور و متولدان خارج از کشور شهرنشین بر حسب جنس به تفکیک منطقه در سال ۵۵	جدول ۱۷.
۵۶	توزیع جمعیت شهری کشور و توزیع متولدان خارج از کشور مقیم نقاط شهری بر حسب جنس و منطقه در سال ۵۵	جدول ۱۸.
۵۸	درصد متولدان خارج از کشور بر حسب استان در نقاط شهری سال ۵۵	جدول ۱۹.
۶۰	جمعیت روستایی و متولدان خارج از کشور روستانشین بر حسب جنس و منطقه سال ۵۵	جدول ۲۰.
۶۱	توزیع جمعیت روستایی کشور و متولدان خارج از کشور روستانشین بر حسب جنس و منطقه سال ۵۵	جدول ۲۱.
۶۳	نسبت متولدان خارج از کشور ساکن در نقاط روستایی بر حسب استان در سال ۵۵	جدول ۲۲.
۶۵	جمعیت چند شهر ایران و مهاجران آن شهرها در سال ۵۵	جدول ۲۳.
۶۷	نسبت جنسی جمعیت و مهاجران خارجی کشور بر حسب استانها در سال ۵۵	جدول ۲۴.
۷۰	شاخص توزیع جمعیت ایران و متولدان خارج از کشور در استانهای ایران سال ۵۵	نمودار ۸.
۷۲	درصد جمعیت کشور بر حسب جنس و منطقه سال ۵۵	جدول ۲۵.
۷۶	حجم مهاجران در سالهای سرشماری	جدول ۲۶.
۷۸	مقصد مهاجرت بر حسب منطقه در سالهای سرشماری	جدول ۲۷.
۸۰	مقصد مهاجرت یا توزیع مهاجران بر حسب استانها در سال ۳۵	جدول ۲۸.
	توزیع مهاجران داخلی بر حسب مقصد مهاجرت (استانی) به تفکیک نقساط شهری و روستایی در سال ۴۵	جدول ۲۹.
۸۱	توزیع مهاجران داخلی بر حسب مقصد مهاجرت (استانی) به تفکیک نقاط شهری و روستایی سال ۵۵	جدول ۳۰.
۸۲	تعداد دانشآموzan شهری و روستایی در سال ۶۱ - ۶۲	جدول ۳۱.
۸۷	آبادیهای دارای اتاء سیاست آموزشی، رفاهی و دینی بر حسب استانها در سال ۵۶ (% نسبت به آبادیهای استان)	جدول ۳۲.
۹۰		

صفحه	عنوان
۹۶	جداول ۳۳. تعداد خانوار و جمعیت مهاجران جنگ تحمیلی بر حسب استان مهرماه ۱۴
	جداول ۳۴. آمار تقریبی ایرانیان ساکن خارج از کشور به استناد اعلام نمایندگیهای جمهوری
۹۶	اسلامی ایران (۱۳۶۰)
۱۰۰	جداول ۳۵. تعداد و توزیع کارکنان خارجی دارای بروانه کار بر حسب منطقه؛ جغرافیایی
۱۰۱	جداول ۳۶. توزیع کارکنان خارجی دارای بروانه کار در مشاغل عمده
۱۲۰	جداول ۳۷. نتیجه استخراج برگهای سرشماری شهرستانهایی که در سال ۱۳۱۸-۱۳۱۹ سرشماری شده‌اند.
	جداول ۳۸. نسبت جمعیت مهاجر به جمعیت کل کشور بر حسب گروههای سنی و جنسی در
۱۲۱	سال ۱۳۴۵
۱۲۲	نمودار ۹. توزیع سنی مهاجران بر حسب جنس و منطقه جغرافیایی در سال ۱۳۵۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مقدمه

مهاجرتهای خارجی از دیر زمان به ایران انجام می گرفته است^۱. هر چند حجم این گونه مهاجرتهای زیاد نبوده و به طور کلی مهاجرت در ایران بیشتر جنبه حابه‌جایی‌های داخلی را داشته است، با این همه در این زمینه نیز مطالعات جامعی که بتواند کلیه مشخصات حرکتهای جمعیت را در دوره‌های طولانی ثبت و گزارش کند انجام نشده است و دستگاه موظفی نیز درکشور وجود نداشته است که این گونه اطلاعات در آن گردآوری شود. اطلاعات بایگانی کشورهای دیگر نیز نمی تواند در این مسئله کمک بزرگی باشد. البته در بعضی از کشورها اداره مهاجرت وجود دارد و اطلاعات مربوط به مهاجران به آن کشورهارا جمع آوری می کند، اما در بسیاری از کشورهایی که احتمالاً عده بیشتری از همینان می باشد آنجاها مهاجرت کرده اند، گردآوری و یزگیهای مهاجران، از جمله میزان مهاجرت نیروی کار، مقدور نیست. بنابراین ضرورت بررسی مسئله یعنی شناسایی مهاجران به داخل کشور و یا آن عده که جلای وطن می کنند، آشکار است و پیشنهاد می شود حداقل در یکی از وزارت‌خانه‌های جمله وزارت امور خارجه یا وزارت کشور "اداره مهاجرت" تشکیل شود و به طور فعال، جریانهای جمعیتی را زیر نظر رداشته باشد و سیاستگذاری مهاجرت را انجام دهد.

با وجود اطلاعات اندک در مورد گروه مهاجران، تحولات مهاجرت در سالهای پیش از ۱۳۵۵ و از این سال تا ۱۳۴۵ بررسی شده است و شیوه‌های خاص استفاده از اطلاعات سرشماری در این بررسیها به کار گرفته شده است. در این گزارش نیز براساس اطلاعات سرشماری ۱۳۵۵ و اطلاعات پس از این سال، مسئله مهاجرت تجزیه و تحلیل می شود. البته در این مختصراً ساخت اقتصادی و اجتماعی منطقه‌های جاذب و مهاجرپذیر و مقدورات آنها مفصلانه بررسی نمی شود و کوشش گزارش بیشتر در روشن کردن و یزگی مهاجران است. با این حال، در حد ممکن به علل مهاجرتهای اثراً اجتماعی و اقتصادی مهاجرت نیز اشاره می کند و آن گاه به طرح کلی بررسی مهاجرت و تاسیس اداره مهاجرت می پردازد. باشد که قادر یافتن اطلاعات جامعه‌ی این مسئله مهاجرت را به نحو مورثتری بررسی و تحقیق کردن تاکمکی به بهبود وضع مهاجرت و مهاجران بشود.

۱. نتایج سرشماری ۱۱ شهرستان ایران که در سال ۱۳۱۸-۱۳۱۹ انجام شده است، نشان می دهد که از ۱۷۲۴ هزار نفر از نفوس شهرستانهای کاشان، تهران، تبریز، مشهد، اردبیل، اصفهان، همدان، شیراز، کرمانشاه، کرمان و بیزد، تعداد ۸۰۰ هزار نفر یعنی مادل ۹٪ جمعیت آنها تبعیت خارجی داشته‌اند. (نگاه کنید به: جدول ۳۷)

هر ساله عدد ای در داخل کشور مکان سکونت خود را تغییر می دهند و محل زندگی خود را ترک می کنند و درجای جدیدی مستقر می شوند . به همین ترتیب طی سالیان گذشته ، گروهی از این کشور به کشورهای دیگر جلای وطن کرده اند و در سالهای اخیر نیز ، با وجود ضوابط منع کننده و مشکل برای ترک کشور ، باز هم عده ای از هموطنان کشور را به طور مجاز ، و در بیشتر موارد غیر مجاز ، ترک کرده اند . و در مقابل عده زیادی از هموطنان مقیم خارج بکشور بازگشته اند . هر چند این عده "الزاما" "جزء مهاجران به شمار نمی روند ، ولی موجبات مهاجرت را فراهم می آورند . افزون بر این ، خیل عظیمی از ساکنان کشورهای همسایه ، بویژه افغانستان و عراق (معاوдан عراقی) و پاکستان ، به این کشور کشانده شده اند که تعدادشان رقم بالایی را تشکیل می دهد . گرچه در جریان تحولات اجتماعی سال ۵۷ و سالهای پس از آن ، عده زیادی از مهاجران (و غالباً نیروی کار) ملیت‌های مختلف (بیش از صدمیت) از ایران رفته اند ، با این همه چه آنها بی که قبل "ایران را به عنوان کشور محل زندگی انتخاب کرده اند و چه آنان که در سالهای اخیر جذب این کشور شده اند ، به هر حال بخشی از جمعیت کشور هستند و بحاست که خصوصیات جمعیتی این گروه و نحوه فعالیت و نقش اقتصادی و اجتماعی آنان در کشور ، مورد مطالعه قرار گیرد و عمل جای به جای یهانیز روشن شود .

منشأ و شکل مهاجرت در ایران ، طی دهه های اخیر در حدی مطالعه نشده است که بتوان علل مهاجرت را تنها در جذب مهاجریه عنوان نیروی کار از روستا به شهریهای نیامد و یا معلول تصمیمهای سیاسی و خواستهای دولت قلمداد کنیم و یا ورود مهاجران خارجی به ایران از کشورهای دور و نزدیک را فقط به انگیزه اشتغال به کار بهتر و بردآمد تر نسبت دهیم . باید گفت که در مرور مهاجرت‌های ایران هر سه عامل موثر بوده اند و مورد دوم بیشتر شامل جایه جایی جمعیت در داخل کشور و بویژه مناطق روستایی و عشایری بوده است . در مورد اول ، احتیاج به **تأمین** معیشت و اشتیاق به **بیادگیری** تکنیک و ایفاده از نقش در توسعه اقتصادی باعث شده ای از روستا به شهر آیند و جذب قطبهای صنعتی و خدماتی شوندو یا عده ای از ایرانیان به خارج بروند و تعدادی نیز به ایران بیایند و بالاخره گروه دیگری که شرایط زندگی را در کشور دیگری سازگارتر با وضع خود و خانواده شان دانستند ، جلای وطن کردند . در بیشتر موارد ، کار و **تأمین** در آمد و نوحه تصرف مسکن ، از عوامل مهاجرت این گروه از افراد بوده است .

در این بررسی، به علت نارسایی اطلاعات نمی توان تعریف جامعه و مانع از مهاجرت را بگزید و تعریف " تغییر محل اقامت و شروع زندگی جدید در محل دیگر " و یا " تغییر محل اقامت از جامعه به جامعه دیگر " را هم ، به علت در دسترس نبودن ویژگی تغییرات ، ممکن است نتوان به درستی تجزیه و تحلیل کرد . بنابراین ، به علت نبود اطلاعات لازم فرض می کنیم که متولدان خارج از کشور جزو مهاجرانی باشند که مقیم ایران هستند و به بررسی ویژگی این جامعه می پردازیم ، هر چند که این فرض دشواریهایی را به همراه دارد . از جمله نوزادان عده‌ای از مادران باردار ایرانی که فرزندان خود را در خارج از ایران به دنیا آورده و به کشور بازگشته‌اند و یا ایرانیان مقیم خارج را که به ایران برگشته‌اند شامل نمی شود . با این حال ، به علت موجود بودن اطلاعاتی از این جامعه بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵، به مطالعه آن می پردازیم . به علاوه ، با استفاده از آمارهای وزارت امور خارجه و وزارت کشور سایر خارجیان مقیم ایران را بررسی می کنیم و افزون بر آن ، برای روشن شدن مطلب از مهاجرتهای داخلی نیز صحبت می کنیم .

براساس سرشماری عمومی آبان ماه ۱۳۵۵ ، در ایران ۲۸۶۱۱ عزیزه خانوار وجود داشته است که تعداد ۶۴۰۹۷ عزیزه خانوار از نوع معمولی^۱ و ۵۶۴۰۶ عزیزه خانوار گروهی^۲ بوده‌اند . کل جمعیت ۲۴۴۰۷ نفر بوده است که ۸۵۰۱۵ عزیزه نفر در نقاط شهری و ۴۶۴۰۵ عزیزه نفر در نقاط روستایی زندگی می کرده‌اند . بنابراین ، نسبت جمعیتهای شهری و روستایی به کل جمعیت ، به ترتیب ۴۷٪ و ۵۲٪ بوده است . یادآور می شود که در سرشماری سال ۱۳۴۵ ، تعداد کل خانوارها ۱۹۲۱۵ عزیزه بوده است که ۷۷ نفر ۵۶۵۱۵ عزیزه خانوار معمولی و ۱۵ عزیزه خانوار گروهی را در بر می گرفته است و رقم کل جمعیت ۲۲۲۰۸ نفر سرشماری شده است که ۶۴۰۷۹۴ نفر در نقاط شهری و ۴۷۶۰۴ نفر ۹۹۱۵ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند و نسبت شهرنشینی و روستانشینی در این سال ، به ترتیب ۳۶٪ و ۶۴٪ بوده است . در اولین سرشماری سال ۱۳۳۵ ، جمعیت ایران ۴۰۶۰۴ نفر ۹۵۴۱۸ نفر شمارش شده است که ۵۳۵۶۳ نفر آن ساکن شهرها و ۱۴۱۰۵ نفر آنان ساکن در روستا بوده اند و نسبت شهرنشینی و روستانشینی ۳۱٪ و ۶۹٪ بوده است .

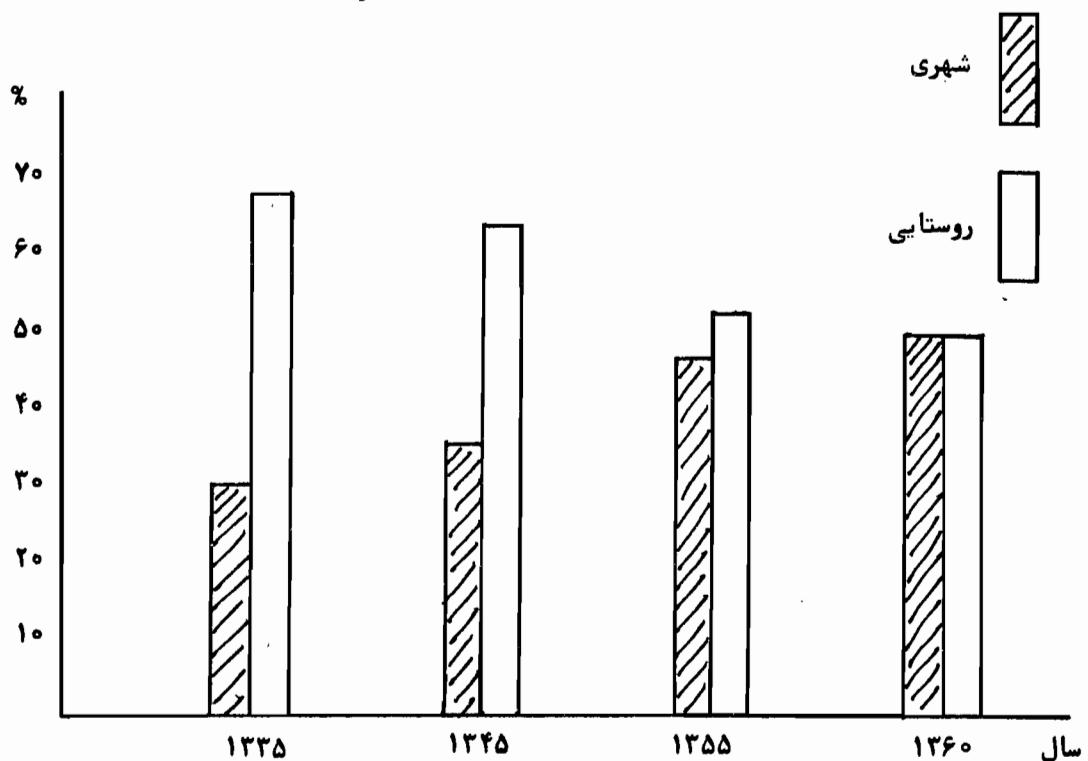
۱. منظور از خانوار معمولی ، خانواده‌ای است متشکل از چند نفر که در یک جا زندگی می کنند و هم خرج هستند .

۲. خانوار گروهی ، متشکل از مجموعه افرادی است که بنایه خصوصیات مشترک ، باهم در یک محل یا موسسه زندگی می کنند .

خواهیم دید که " مهاجران " اکثرآ در نقاط شهری متصرف بوده اند تا نقاط طرورستایی، وازاپن رو بیان جمعیت‌های شهری و روستایی را لازم دانستیم^۱. البته استقرار مهاجران در نقاط طرورستایی نواحی مرزی نیز امکان‌پذیر بوده است و پرسش " محل تولد " در سرشماری ۱۳۵۵، بر حسب شهر و ده صورت نگرفته است که بتوانیم به بحث کمی در مورد نواحی مرزی بپردازیم، ولی آثارهای گزارشی در مورد خارجیان مقیم ایران، مطلب فوق را تایید می‌کند.

نمودار ۱ . نسبت جمعیت شهری و روستایی در مقاطع

سرشماری‌ها برآورد سال ۱۳۶۰



۱. برآورده است که نسبت جمعیت شهری و روستایی در سال ۱۳۶۰ با یکدیگر برابر شده و در سال ۱۳۶۱ جمعیت شهری بر روستایی پیشی گرفته است، به طوری که در سال ۱۳۶۵ این نسبتها بالاتر بـ ۴۶% و ۵۴% می‌شود.

۳. متولدان خارج از کشور

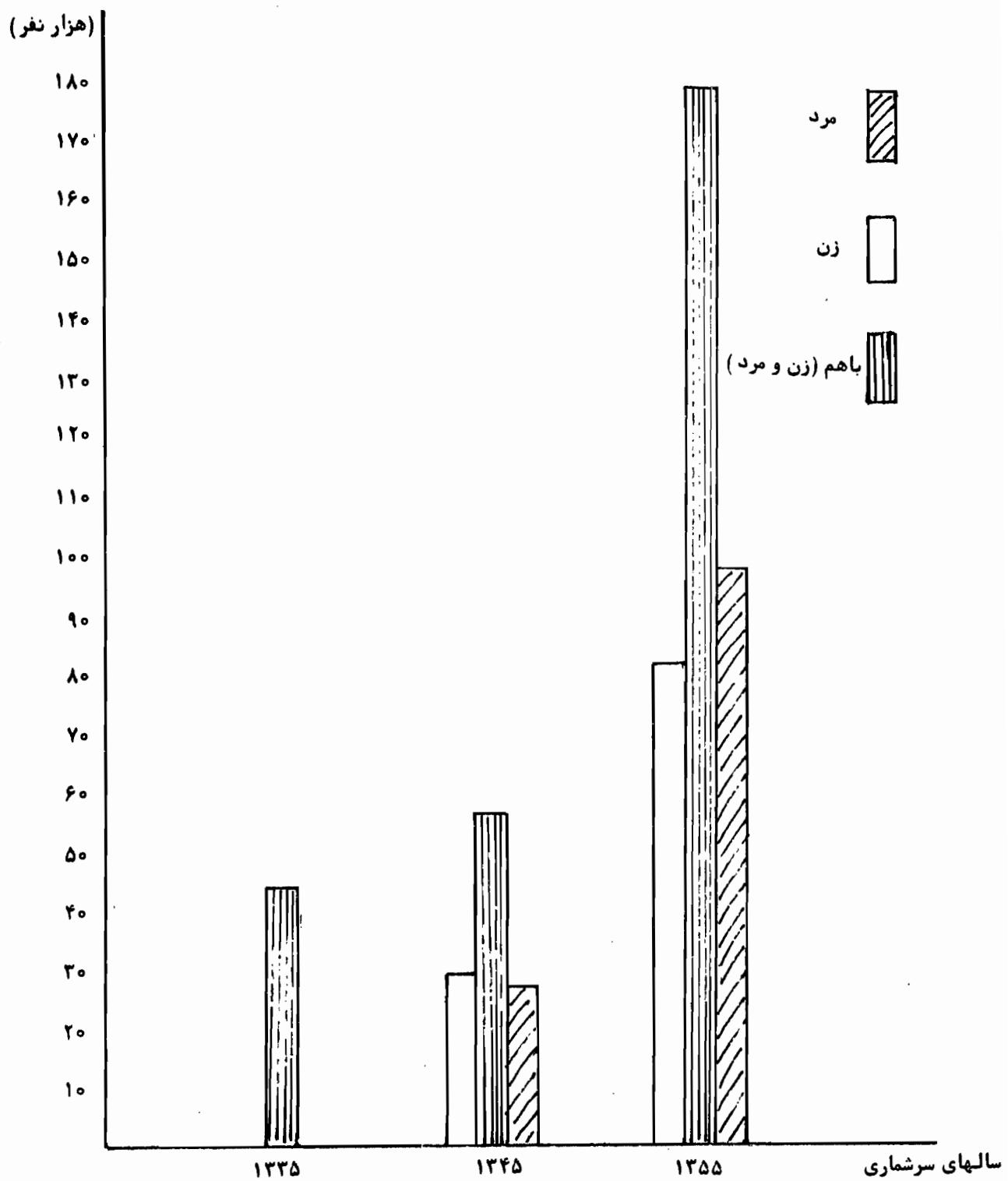
بررسی جمعیت کل کشور بر حسب محل تولد در سال ۱۳۵۵، نشان می‌دهد که ۷۶/۸٪ افراد در شهرستان محل اقامت خودو ۱۲/۷٪ افراد در شهرستانهای دیگر همان استان و ۴/۹٪ در استانهای دیگر و بالاخره ۵/۰٪ در خارج از کشور متولد شده‌اند. با توجه به اینکه تغییر محل اقامت در سال ۱۳۵۰، یعنی ۵ سال قبل از زمان سرشماری، نشان می‌دهد که ۱/۵٪ افراد کشور (معادل ۱۷۵ هزار نفر) استان محل سکونت خود را عوض کرده‌اند، نتیجه‌گیری می‌شود که جایه‌جایی جمعیت در سطح کشور قابل ملاحظه بوده است. از این رو، به بررسی جایه‌جایی متولدان خارج از کشور می‌پردازیم.

براساس سرشماری سال ۵۵، تعداد متولدان خارج از کشور ۱۷۸,۹۱۱ نفر است که برابر ۵٪ جمعیت کل کشور می‌باشد. از این عدد ۹۷۲,۴۲ نفر مرد و ۸۱۵,۶۹ نفر زن بوده‌اند. از این عدد به عنوان "مهاجران" نام می‌بریم که با مقایسه ارقام سال ۱۳۴۵، به طور متوسط در این دهه هرساله تقریباً ۱۲,۶۰۰ نفر به حجم آنها افزوده شده است، درحالی که بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، افزایش حجم مهاجران به طور متوسط سالانه ۱۲۰۰ نفر بوده است.

ارقام مشابه مهاجران در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵، به ترتیب ۴۴,۷۹۶ نفر و ۵۷,۱۱۵ نفر بوده است که برابر با ۰/۲۲ و ۰/۰۵٪ جمعیت کل کشور را در آن سالهای تشکیل می‌داده است. این نسبتها در مقایسه با نسبت متولدان خارج از کشور در سال ۵۵، در حد پایینی است و نشانه رشد سریع آنان در سال ۵۵ می‌باشد. تعداد مهاجران در دهه ۱۳۴۵ - ۱۳۵۵ معادل ۱۲۱,۷۹۶ نفر و نسبت به سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۳۴,۱۵ نفر افزایش یافته است ولی نسبت جنسی همچنان تغییر محسوسی ندارد. از ارقام افزایش مطلق مهاجران طی ده سال بین دو سرشماری اخیر، چنین برمی‌آید که متوسط رقم افزایش در هر سال متعادل ۲۱۴ در هزار بوده است، حال آنکه افزایش سالانه کل جمعیت ایران ۲۲ در هزار بوده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که متولدان خارج از کشور بارشی بیشتر از رشد جمعیت کل کشور افزایش یافته‌اند. این وضع نمی‌تواند نتیجه زیاده شماری این عدد و یا کم شماری جمعیت اصلی کشور در سال ۵۵ باشد. افزون بر آن، می‌دانیم که اکثریت متولدان خارج از کشور ساکن مناطق شهری هستند. بنابراین، نسبت مهاجران به کل جمعیت مصنوعاً "افزایش یافته است و به عبارتی دیگر، عده‌ای از خارج به مملکت مهاجرت کرده‌اند.

۱. کلمه مهاجران برای متولدان خارج از کشور، به این معنی نیست که تنها اینان مهاجرند و مهاجران دیگری وجود ندارند بلکه به علت وجود اطلاعات، فقط از این عدد می‌توانیم به طور مستند سخن بگوییم و بقیه را در حالت کلی تری مطرح می‌سازیم.

نمودار ۲ . نمودار متولدان خارج از کشور بر حسب جنس در مقاطع سرشماری



طی ده سال ۱۳۴۵-۱۳۳۵، میانگین ۲۱٪ به حجم مهاجران اضافه شده است، اما در دهه ۱۳۴۵-۱۳۴۵، میانگین ۲۱٪ به حجم مهاجران برابر با ۲۱٪ یعنی ۱/۲ مرتبه افزایش یافته است. البته میزان مهاجرت، چه داخلی و چه خارجی، از سالهای ۱۳۴۰ سریعاً "فزوونی گرفته است، به طوری که در مقایسه آمارگیری نمونه‌ای ۱۳۵۱ با سرشماری ۱۳۵۵، ملاحظه می‌شود که جایه جایی داخلی سالانه در سالهای نزدیک به ۱۳۵۱ مارگیری، به مرتبه بیشتر از سالهای قبل از آن است. به عنوان مثال در سال ۱۳۵۱ جایه جایی داخلی حدود ۱۳۴۵ نفر است، در صورتی که مهاجران ۱۰ سال قبل از زمان آمارگیری، جمعاً ۱۲۵۷ نفر یعنی سالانه تقریباً ۱۶۲۰۰۰ نفر بوده‌اند و بالاخره از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵ تعداد مهاجران داخلی به حدود ۹۵۶۰۰۰ نفر رسیده است. به عبارت دیگر، در طول ۴ سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۵، سالانه به اندازه ۴/۲٪ به حجم گروه مهاجران داخلی افزوده شده است.

بنابراین نتایج سرشماری سال ۱۳۵۵ در ۲۱ میلیون نفر از ۲۸ میلیون نفر جمعیت عساله و بیشتر کشور، جایه جایی صورت نگرفته است. یعنی ۷ میلیون نفر جایه جایی شده اند که این جایه جایی از نظر تغییر محل تولد و محل اقامت (نسبت به ۵ سال گذشته) بوده است. از این تعداد جایه جایی شده‌اند ۱۳۴۰۰۰ نفر (میانگین ۱۵ شماره) در خارج از کشور سکونت داشته‌اند، از گروه اخیر ۱۰۸۰۰۰ نفر در نقاط شهری و ۲۶۰۰۰ نفر در نقاط روستایی مقیم شده‌اند، یعنی ۴ نفر از هر ۵ نفر مقیم شهر و یک نفر دیگر در روستاها کن شده است.

در جدول شماره ۱، حجم کل مهاجران سالانه بر حسب مبدأ و مقصد مهاجرت بین سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۵ داده شده است که طی آن تصویری از مبدأ و مقصد مهاجرت به چشم می‌خورد. در این جدول، ارقام مربوط به مقصد مهاجرت به خارج از کشور کوچکند. برآوردهای مهاجرت به خارج از کشور به ارقامی به مرتبه بیشتر از این می‌رسد (میانگین ۸)، یعنی در فاصله سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۵ به حدود ۹۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. در این جدول نشان داده شده است که سالانه ۱۸۰۰۰ نفر به خارج از کشور و ۲۷۰۰۰ نفر از خارج به ایران مهاجرت کرده‌اند. (میانگین شماره ۴)

جدول ۱ . حجم کل مهاجران در سال بر حسب مبدأ و مقصد مهاجرت

(۱۳۵۰-۱۳۵۵)

(به هزار نفر)

مبدأ مهاجرت	مقصد مهاجرت	جمع	مناطق شهری	مناطق روستایی	خارج ازکشور
	جمع	۵۸۴	۵۵۳	۱۳	۱۸
از مناطق شهری		۱۷۶	۱۵۹	۳	۱۴
از مناطق روستایی		۳۸۱	۳۷۲	۵	۴
از خارج کشور		۲۷	۲۲	۵	-

بجا بود که می توانستیم شغل و فعالیت جمعیت مهاجر را پیش از مهاجرت و پس از آن بررسی کیم و تغییرات شغلی را در زمینه های فعالیت بر حسب بخش های عمدی اقتصادی و اجتماعی روشن سازیم . اما به علت نبود آمار چنین کاری مقدور نیست ، زیرا به این گونه اطلاعات توجه کمتری شده است . امید است در آینده در بررسیها او مارکری بهای مربوط به مهاجرت ، اطلاعات ویژگی مهاجران از جمله وضعیت شغلی ایشان جمع آوری شود . البته اداره اشتغال اتباع بیگانه با صدور پروانه کار برای خارجیانی که در ایران کار می کنند شغل آنان را نیز مشخص می نماید . با این حال ، این گونه اطلاعات تنها کسانی را در بر می گیرد که به طور مجاز می خواهند مشغول کار شوند و برای کسب پروانه کار رجوع می کنند .

۴. بررسی مهاجران خارجی به ایران بر حسب نسبت جنسی و سنی

— راساس سرشماری سال ۱۳۵۵ ، از کل جمعیت ایران تعداد ۱۷۹۰۰۰ نفر در خارج از کشور متولد شده‌اند که ۹۷۵۰۰ نفر مرد و ۸۲۰۰۰ نفر از آنان زن بوده‌اند.

متولدان خارج از کشور ۵٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که متولدان مرد خارج از کشور ۵٪ می‌باشد. متولدان زن خارج از کشور سیز ۵٪ زنان کشور را شامل می‌شوند.

نسبت جنسی جمعیت در کل کشور در سال ۱۳۵۵ برابر ۱/۶۵ بوده است، ولی نسبت جنسی برای این بخش از جمعیت ۱۱۹/۶ می‌باشد که با اتراء نسبت جنسی کل کشور است و احتمالاً ناشی از جذب بیشتر کارگران مرد خارجی به ایران بوده است. به علاوه، مهاجرت مرد های مجرد و ماردهای بدون خانواده همراه، ساده‌ترصورت می‌گیرد و لذا نسبت جنسی به نفع مردان تغییر می‌یابد.

نسبت مهاجران^۱ در این سه سرشماری، به ترتیب ۲۴/۰۰ و ۲۲/۰۰ و ۵/۰۰٪ جمعیت بوده است که افزایش مهاجران در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۴۵، معادل ۲۸/۵٪ جمعیت کشور است. چون اختلاف دو نسبت اخیر را دترشده است، می‌توان گفت که مهاجران مصنوعاً در افزایش بوده‌اند و تپهارش طبیعی جمعیت مهاجران سبب بالارفتن تعداد آنها شده است. اگر رشدی طبیعی برای جمعیت مهاجر در سال ۱۳۴۵ در نظر بگیریم، به رقمی حدود ۷۷۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۵ خواهیم رسید که رقم گزارش شده، موجود بالاتر از آن است، یعنی جمعیت مشاهده شده از جمعیت مورد انتظار ۲/۳ برابر بیشتر است. این پدیده مoid آن است که در این دهه، کشور ایران پذیرای مهاجران نازه‌ای شده است و به عبارتی دیگر، مهاجران بارشده بالاتر از حد جمعیت ایران اضافه شده‌اند.

حال شانه‌های این پدیده را بر حسب نسبت‌های گروه‌های سنی متواتی مهاجران طی دو سرشماری مطالعه می‌کنیم و تغییرات حاصل را بر حسب گروه‌های سنی و نهایتاً "جذب مهاجر به کشور، در بعضی از گروه‌های سنی از جمله سنین کار و فعالیت، نشان می‌دهیم. در این زمینه، شکل و محتوای نسبت‌های زیرین چنین خواهد بود که مقاطع ده ساله سنی را در سال ۱۳۵۵ به مقاطع ده ساله سنی یک گروه پایین‌تر سال ۱۳۴۵ بخش می‌کنیم و جهت مقایسه، نسبت‌های مشابه سال ۱۳۴۵ به سال ۱۳۵۵ را نیز در جلوی هریک از نسبت‌های حاصل نشان می‌دهیم. پس.

$$\text{گروه سنی ده ساله سال ۱۳۵۵}$$

$$= \frac{\text{نسبت سنی متواتی}}{\text{گروه سنی ده ساله پیش از سال ۱۳۴۵}}$$

$$z = \frac{a_g^{55}}{a_g^{45}}$$

و یا

^۱. جمعیت مهاجر تقسیم بر جمعیت کل کشور

که در آن . a مساوی تعداد افرادیک گروه سنی در یک سرشماری (به هزار نفر)

a' مساوی تعداد افرادیک گروه سنی در سرشماری پیشین (به هزار نفر)

g بک گروه سنی ، مانند ۱۵-۲۴ ساله سال ۱۳۵۵

g' بک گروه سنی ، مشابه ۱۴-۱۵ ساله سال ۱۳۴۵

(گروه سنی ۱۵-۲۴ ساله سال ۱۳۹۲) ۲۹۰۴

$$z_1 = \frac{a}{a' g} = \frac{۰/۸۷}{۴۶۴۵} = ۰/۸۴$$

(گروه سنی ۱۴-۱۵ ساله سال ۱۳۲۱)

(گروه سنی ۲۴-۲۵ ساله سال ۱۳۱۹) ۳۴۲۲

$$z_2 = \frac{a}{a' g} = \frac{۰/۹۸}{۲۸۲۱} = ۱/۲$$

(گروه سنی ۱۵-۱۶ ساله سال ۱۳۰۴)

(گروه سنی ۴۴-۴۵ ساله سال ۱۲۹۵) ۲۸۲۱

$$z_3 = \frac{a}{a' g} = \frac{۰/۹۶}{۲۹۰۴} = ۰/۹۷$$

(گروه سنی ۲۴-۲۵ ساله سال ۱۳۲۲)

(گروه سنی ۵۴-۵۵ ساله سال ۱۲۱۹) ۱۶۳۲

$$z_4 = \frac{a}{a' g} = \frac{۰/۹۶}{۱۹۴۷} = ۰/۸۴$$

(گروه سنی ۴۴-۴۵ ساله سال ۱۲۲۱)

(گروه سنی ۵۵-۶۴ ساله سال ۱۲۸۸) ۱۱۲۸

$$z_5 = \frac{a}{a' g} = \frac{۰/۷۹}{۱۴۴۶} = ۰/۷۸$$

(گروه سنی ۴۵-۵۴ ساله سال ۱۳۲۳)

(گروه سنی ۵۴+۵۵ ساله + سال ۱۱۸۶) ۹۹۳

$$z_6 = \frac{a}{a' g} = \frac{۱/۱}{۹۸۷} = ۱$$

(گروه سنی ۵۵-۶۴ ساله سال ۱۱۲۸)

همین نسبتها را در مورد متولدان خارج از کشور محاسبه می کیم و حاصل راجهت مقایسه به دست می آوریم .

و g' دو گروه سنی ده ساله متولی هستند که g گروه بالاتر و g' گروه بلافاصله پایین تر

آن است

$$z = \frac{a_g}{a'_g}$$

$$z_1 = \frac{a_{g24-15}(55)}{a'_{g'}(45)} = \frac{۲۷۷۹۰}{۷۱۵۶} = ۳/۸۸ \quad ۱/۵۹$$

$$z_2 = \frac{a_{g34-25}(55)}{a'_{g'}(45)} = \frac{۳۱۲۱۵}{۴۹۷۹} = ۶/۶۷ \quad ۱/۷۸$$

$$z_3 = \frac{a_{g44-35}(55)}{a'_{g'}(45)} = \frac{۲۶۰۰۹}{۱۰۱۹۰} = ۲/۵۵ \quad ۱/۱۲$$

$$z_4 = \frac{a_{g54-45}(55)}{a'_{g'}(45)} = \frac{۲۰۱۶۲}{۱۳۷۷۰} = ۱/۴۶ \quad ۰/۹۱$$

$$z_5 = \frac{\frac{a_{g64-55}}{a'_{g54-45}}^{(55)}}{\frac{a'_{g54-45}}{a_{g64-55}}^{(45)}} = \frac{7578}{7470} = 1/101 \text{ و } 0/77$$

$$z_6 = \frac{\frac{a_{g64+}}{a'_{g64-55}}^{(55)}}{\frac{a'_{g64-55}}{a_{g64+}}^{(45)}} = \frac{6987}{5196} = 1/34 \text{ و } 0/93$$

میزان نسبتها در کلیه گروههای سنی ۱۵ تا ۵۴ سال، نشان می‌دهد که مهاجرت شدیداً "انجام گرفته است". بخصوص در گروه سنی ۲۵ تا ۳۴ ساله که نسبت مربوطه (۶/۶۷)، رقم بالایی است و احتمالاً با مهاجرت نیروی کار ارتباط دارد. به طورکلی، نسبتها افزایش مصنوعی^۱ این بخش از جمعیت را نسبت به جمعیت سال ۴۵ کشورنشان می‌دهند.

در تمامی نسبتها، علاوه بر آنکه جمعیت یک گروه سنی پس از گذشت ده سال کم نشده است، بلکه مرگ و میر احتمالی را نیز جبران کرده و افزایش یافته است. در گروه سنی ۱۴ ساله و کمتر، می‌توان عامل موالید جدید را در افزایش جمعیت گروه موثر دانست و حتی با محاسبه ضریب بقا برای گروه ۴-۱۴ ساله سال ۴۵، افزایش طبیعی این گروه سنی را که به گروه ۱۴-۵ ساله در سال ۵۵ منتقل می‌شوند، به دست آورد. یعنی اگر پدیده کاهش جمعیت در اثر مرگ و میر و با احتمال بقاء را برای هر گروه مشخص کنیم، دلایل صحت و سقم سرشماری‌های اروشن سازیم، میزان کم شماری را بیابیم و میزان بازگشت ایرانیان خارج از کشور را نیز تخمین بزنیم، بازهم با افزایش جمعیت در گروههای سنی مواجه خواهیم شد که ناشی از مهاجرت خارجی‌ها ایرانیان متولد خارج به کشور است.

نسبت گروه سنی ۵ عالمه وبالاتر متولدان خارج از کشور در سال ۵۵ به متولدان خارج از کشور در گروه سنی ۵۵ تا ۴ عالمه در سال ۴۵، عدد نسبتاً "بزرگی است که دلیل آن تعداد گروه سنی ۵ عالمه بالا است که نسبت به یک گروه سنی ۱۰ ساله، حجم بزرگی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. از طرفی چون این عده در سنین زاده و ولد هم نیستند و به علاوه احتمال بقای زندگی نیز برایشان در حد پایینی است و حتی احتمال مهاجرت نیز کمتر است، بنابراین همان دامنه سنی ۵-۶ تا ۴۵-۵۵ ساله به جمعیت گروه ده ساله، عدد نسبت را بالا برده است (ماخذ شماره ۲).

نسبتها مربوطه در دهه ۱۳۳۵-۱۳۴۵ نیز نشان می‌دهد که بین سنین ۱۵ تا ۲۴ سال، میزان موالید آنقدر زیاد بوده که جبران مرگ و میر را کرده است و ضمن رشد طبیعی، افزایش خارج از آن روند را نیز نشان می‌دهد که موید مهاجرت از خارج به داخل کشور است.^۲

-
۱. علاوه بر رشد طبیعی، مهاجرت نیز دز افزایش جمعیت دخالت می‌کند.
 ۲. بعضی از مادران ایرانی در خارج از ایران زایمان می‌کردند و آن کاه خود و چشم‌شان به ایران بازمی‌گشتند که بدین ترتیب، نوزاد متولد خارج از کشور محسوب می‌شده است. و همین طور مادران خارجی مقیم ایران نیز برای زایمان به کشورهای خود مراجعت می‌کردند و آن کاه به ایران برگشته است.

اگر جمعیت را بسته در نظر بگیریم^۱، تعداد جمعیت به علت مرگ و میر کم می شود. یعنی اگر نسبت تعداد گروه بعدی به تعداد گروه سنی قبلی کمتر از ۱ باشد (و با گروه سنی بالاتر در یک سرشماری به گروه سنی بلا فاصله پایین تر در سرشماری قبلی) جمعیت بسته با مرگ و میر طبیعی کاهش یافته است و تعدادی از مهاجران موجود نیز طی دهه سرشماری از کشور خارج شده اند و تعدادواردشدگان نیز کمتر از مجموع میزان مرگ و میر و مهاجران خارج شده از کشور است.

۱. جمعیت بسته: جمعیتی است که مهاجرت به داخل آن و یا مهاجرت به خارج، در آن انجام نگیرد

۵ . توزیع سنی

در اینجا ، بررسی جمعیت درگروههای سنی را با تحلیل جدول افزایش مطلق جمعیت متولدان خارج از کشور در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ آغاز می کنیم .

جدول ۲ . قدر مطلق جمعیت متولدان خارج از کشور در سرشماریهای عمومی بر حسب گروههای سنی

(۱۳۴۵)	۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۴۹	سال
				گروه سنی
۳	۱۲۵۰۴	۴۰۹۴	۱۳۴۹	۴-۰
۶	۴۲۶۴۷	۷۱۵۶	۲۱۱۶	۱۴-۵
۶	۲۹۷۹۰	۴۹۷۹	۵۷۲۷	۲۴-۱۵
۲	۲۲۲۲۵	۱۰۱۹۰	۱۲۱۸۱	۲۴-۲۵
۲	۲۶۰۰۹	۱۳۷۷۰	۸۱۶۸	۴۴-۳۵
۳	۲۰۱۶۲	۷۴۷۰	۶۷۱۹	۵۴-۴۵
۱/۵	۷۵۷۸	۵۱۹۶	۴۵۳۴	۶۴-۵۵
۱/۵	۶۹۸۷	۴۲۶۰	۲۸۹۰	۶۵ به بالا
-	۱۷۸۹۱۱	۵۷۱۱۵	*۴۴۷۹۶	جمع

* در سرشماری سال ۱۳۴۹ ، تعداد ۱۱۲ نفر از این سنگوارن شده وجود داشته است .

اگر مرض کنیم افراد گروه ۱۴-۱۵ ساله سال ۱۳۲۵ به گروه ۱۵-۱۶ ساله سال ۱۳۴۵ و به گروه سنی ۲۴-۲۵ ساله سال ۱۳۵۵ منتقل شده باشند ، بدان معناست که هر گروه پایینی دریک سرشماری به یک گروه سنی بالاتر در سرشماری بعدی منتقل شده اندکه قاعده‌تا " بافرض بسته بودن جمعیت می‌باشد تعداد افراد گروه کمترشود . حال آنکه می‌بینیم متولدان صفتاً ۴ ساله خارج از کشور که در سال ۱۳۲۵ به تعداد ۱۴۴۹ نفر بوده‌اند ، در سال ۱۳۵۵ به ۲۲ برابر افزایش یافته است ، و با گروه سنی ۱۴-۱۵ ساله سال ۱۳۵۵ به ۱۱ برابر در سال ۱۳۴۹ رسیده است و گروه ۱۵-۱۶ ساله در سال ۱۳۵۵ به ۴/۵ برابر در سال ۱۳۴۹ می‌رسد و در گروه‌های بعدی نیز این افزایش به چشم می‌خورد و افزایش ۳۵ ساله به بالا کاهشی نشان داده می‌شود . بنابراین دریک جامعه بسته ، جمعیت صفر تا ۴ ساله نمی‌تواند بعد از ۲۰ سال که پیرتر می‌شود افزایش یابد . پس در این جمعیت مهاجرت صورت گرفته است که نهایتاً " منجر به افزایش آن شده است .

افزایش جمعیت در تمام گروه‌های سنی در مقاطع ده ساله مشاهده می‌شود که خارج از اندازه رشد طبیعی در گروه‌های سنی است . در گروه‌های جوان سنی از جمله گروه ۵ تا ۲۴ ساله ، افزایش بین ساله‌ای ۱۳۴۵-۱۳۵۵ به ۶ برابر و تا گروه ۵۴ ساله به ۳ برابر در گروه‌های سنی بالاتر از آن ۱/۵ برابر شده است . (جدول ۲) توزیع گروه‌های سنی مهاجران طی سرشماری در جدول زیر منعکس است .

جدول ۳. توزیع مهاجران در گروه‌های سنی در سالهای ۱۳۴۵، ۱۳۵۰ و ۱۳۵۵ (به %)

۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۲۵	سال گروه سنی
۶/۹۸	۷/۱۷	۳/۰۱	۴-۰
۲۲/۸۳	۱۲/۵۲	۶/۹۶	۱۴-۱۵
۱۶/۶۵	۸/۲۲	۱۲/۷۸	۲۴-۱۵
۱۸/۶۳	۱۷/۸۴	۲۷/۲۱	۲۴-۲۵
۱۴/۵۳	۲۴/۱۱	۱۸/۲۳	۴۴-۳۵
۱۱/۲۶	۱۳/۰۸	۱۵/۰۰	۵۴-۴۵
۴/۲۳	۹/۱۰	۱۰/۱۲	۶۴-۵۵
۳/۹۰	۷/۴۶	۶/۴۵	۶۵ به بالا
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰*	جمع

* به میزان ۲۴/۵٪ اظهار نشده وجود داشته است .

با بررسی جدول شماره ۳ ملاحظه شود که مهاجرت بیشتر در گروههای جوان سنی صورت گرفته است،
بخصوص گروه ۵ تا ۱۴ ساله که معادل $\frac{1}{2}$ کل مهاجران است.

البته نمی‌توان قسمت عمده این عده را دلیل موالید گروه سنی صفر تا ۴ ساله سال ۲۵ دانست، بلکه بازگشت به کشور عمدتاً "دلیل این امر است. طی سالهای سرشماری، تعداد افراد گروه سنی ۵ تا ۱۴ ساله به ترتیب صعودی اضافه شده است و نسبت گروههای سنی در گروه صفر تا ۴ ساله و ۲۵ تا ۳۴ ساله ۵۴ تا ۴۵ ساله در جریان سالهای ۴۵ تا ۵۵ تغییر محسوسی نکرده است، ولی حجم گروههای سنی ۳۵ تا ۴۴ ساله و "۵۵ ساله و بیشتر" به شدت کاهش یافته است. به طور کلی تمرکز جمعیت در گروههای سنی جوان یعنی ۵ تا ۳۴ ساله، است که مجموعاً ۶۶٪ جامعه مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند و این خود دلیل جوانی جمعیت مهاجر به شمار می‌رود. یعنی اگر تنها افراد زیر ۱۵ سال را در نظر بگیریم، حدود ۳۰٪ کل جمعیت می‌شود که بنابر تعریف، جمعیت جوانی است.

البته جمعیت کشور جوانتر از جمعیت مهاجر است. در این سال نسبت افراد ۱۴ سال و کمتر حدود ۴۴٪ کل جمعیت می‌باشد که تفاوت زیادی با ترکیب نسبی جمعیتی مهاجر دارد.

۶. مقایسه جمعیت مهاجر و جمعیت کل کشور در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵

۶-۱. سال ۱۳۴۵

در سال ۱۳۴۵ نسبت مهاجران به جمعیت کل کشور ۲۲/۵۰٪ بوده است که توزیع آن در گروههای مختلف سنی یکسان نبوده و نسبت آنهاییز در گروههای سنی متفاوت بوده است. به طوری که ناگروه سنی ۲۴ ساله این نسبت‌ها کمتر از ۲/۵٪ و تاگروه ۳۴ ساله کمتر از ۴/۵٪ و در گروههای سنی بالاتر، بیشتر از ۴/۵٪ می‌باشد. بیشترین میزان نسبت‌های در گروه سنی ۳۹ تا ۴۵ ساله مشاهده شده است که برابر ۵۱/۵٪، و بالاترین میزان در گروه سنی ۵۵ تا ۵۹ ساله است که مساوی ۵۳/۵٪ می‌باشد، (حدول ۳۸).

این تفاوت‌ها به تفکیک زن و مرد تاگروه سنی ۱۹ ساله و کمتر چندان محسوس نیست و همین طور در گروه سنی ۶۵ ساله و بیشتر نیز تفاوت چشمگیری وجود ندارد. ولی به جز گروه سنی ۴۵-۴۶ ساله که نسبت‌های زن و مرد برابر ۴۹/۵٪ است در سایر گروههای نسبت زنان ارقام بالاتری را در مقابل ارقام مشابه مردان نشان می‌دهد. برای مثال در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله، این نسبت‌های مردوزن به ترتیب ۴۰/۵٪ و ۴۹/۵٪ و در گروه ۳۰-۳۴ ساله به ترتیب ۴۱/۵٪ و ۴۲/۵٪ و در گروه ۳۵ تا ۴۹ ساله به ترتیب ۴۸/۵٪ و ۵۴/۵٪ است و سرانجام برای گروه ۴۵-۴۹ ساله، ارقام عبارتند از ۴۵/۵٪ و ۴۶/۵٪ و بالاترین تفاوت‌ها در گروه سنی ۵۵-۵۹ ساله است که به ترتیب ۴۶/۵٪ و ۶۲/۵٪ می‌باشد. بنابراین ارقام ناگروه سنی ۲۴ ساله از نسبت کل (۲۲/۵٪) کمتر و در سایر گروههای سنی از نسبت کل بیشتر است. کمترین آن در گروههای سنی صفر تا ۴ ساله، ۱۰ تا ۱۴ ساله و ۱۵ تا ۱۹ ساله می‌باشد که ۵/۰٪ و بالاترین آن برای گروه سنی ۵۵ تا ۵۹ ساله می‌باشد که مساوی ۵۳/۵٪ است. بالاترین ارقام برای مردان، گروه سنی ۳۵ تا ۴۴ ساله (۴۹/۵ درصد) و برای زنان گروههای سنی ۴۵ تا ۴۹ ساله (۵۴/۵ درصد) و گروه سنی ۵۵ تا ۵۹ ساله است که به ۶۲/۵٪ می‌رسد.

۶-۲. سال ۱۳۵۵

حال بینیم این نسبت‌های در سال ۵۵ چگونه بوده‌اند. این نسبت‌های بر حسب جنسیت در جدول زیر معکس شده‌اند.

جدول ۴ . نسبت^۱ جمعیت مهاجر به جمعیت کل کشور بر حسب گروههای سنی و جنسیت

در سال ۱۳۵۵

زن	مرد	مردوزن	جنس گروه سنی
۰/۴۹	۰/۵۶	۰/۵	کلیه سنین
۰/۲۳	۰/۲۳	۰/۲۳	۴-۰
۰/۴۳	۰/۴۴	۰/۴۳	۹-۵
۰/۴۶	۰/۴۴	۰/۴۵	۱۴-۱۰
۰/۳۸	۰/۴۴	۰/۴۱	۱۹-۱۵
۰/۴۷	۰/۵۹	۰/۵۳	۲۴-۲۰
۰/۷	۰/۹۰	۰/۸۰	۲۹-۲۵
۰/۸۲	۱/۷	۰/۹۴	۳۴-۳۰
۰/۷۲	۰/۹۷	۰/۸۵	۳۹-۳۵
۰/۶۳	۰/۸۰	۰/۷۲	۴۴-۴۰
۰/۶۹	۰/۸۸	۰/۷۹	۴۹-۴۵
۰/۶۳	۰/۷۲	۰/۶۸	۵۴-۵۰
۰/۶۲	۰/۶۵	۰/۶۴	۵۹-۵۵
۰/۵۴	۰/۵۰	۰/۵۲	۶۴-۶۰
۰/۶۴	۰/۵۴	۰/۵۸	۶۵ به بالا

۱ . نسبت مرد به مرد - زن به زن

میزان نسبتها ای مهاجران در گروههای سنی متفاوت است، به طوری که افزایش گروه سنی، میزان نسبت نیز افزایش می یابد، تا در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله این نسبت به حداکثر خود یعنی ۹۴٪ می رسد و آن - گاه با افزایش گروه سنی، میزان نسبتها کاهش می یابد و به ۵۲٪ در گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ ساله می رسد. بیشترین وزن نسبتها در گروههای سنی ۲۵ تا ۴۹ ساله متمرکز است، و میزان نسبتها از این گروه سنی به بالا در مرتبه دوم و در سنین ۵ تا ۲۴ ساله در مرتبه سوم اهمیت قرار می گرد. بنابراین نسبتها در گروههای سنی پایین کوچکندو در سنین بالاتر راقم قابل توجهی را دارا می باشند، چنان که میزان نسبتها از سن ۲۵ سال به بالا از ۵۲٪ کمتر نیست. در حالی که در گروههای جوان سنی، از ۲۳٪ آغاز می شود و حداکثر به ۴۱٪ در گروه سنی ۱۵ تا ۱۹ ساله می رسد.

تفییرات نسبتها بر حسب جنسیت دارای روند مشابهی است، ولی میزان نسبت کل برای مردان در حد بالایی نسبت به زنان قرار دارد. این نسبتها را به تفکیک زن و مرد می توان به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول از صفر تا ۲۴ سالگی که در این دوره نسبتها برای زن و مرد از ۲۲٪ شروع می شود و تا ۱۵٪ اتسا ۱۴ ساله برای مرد های ۴۴٪ و برای زنها به ۴۶٪ افزایش می یابد. در گروه سنی بعدی (۱۵-۱۹ ساله)، این نسبتها برای مرد ها ثابت و برای زنها پایین می آید، تا اینکه در گروه سنی ۲۵ تا ۲۶ ساله به ۵۹٪ برای مرد ها و ۴۷٪ برای زنها می رسد. بنابراین در این دسته میزان تغییرات برای مرد ها در سه گروه سنی ثابت و برای هر دو جنس تغییرات در گروههای سنی چندان فاحش نیست.

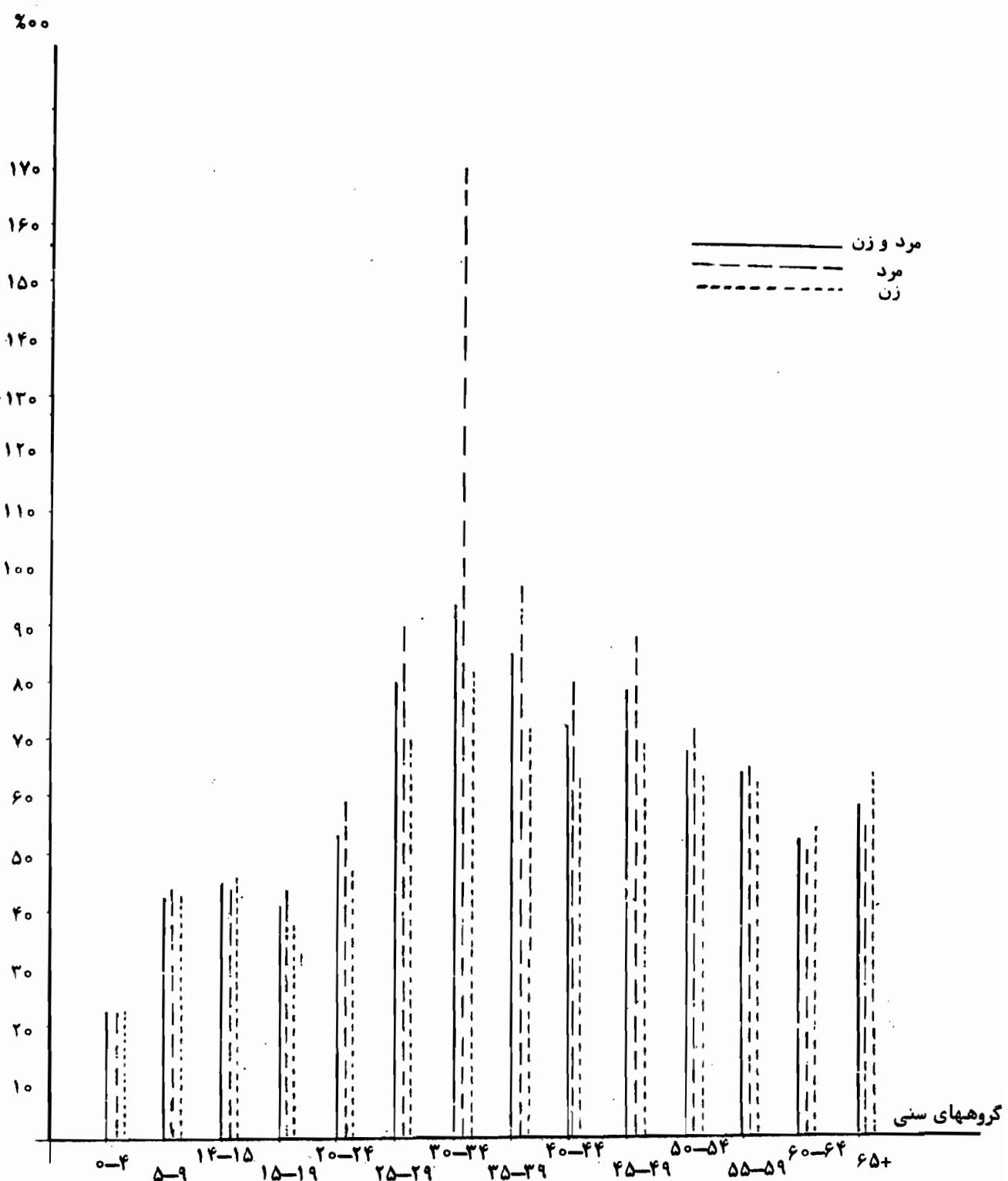
دسته دوم فاصله سنی ۲۵ تا ۴۹ ساله است که روند تغییرات برای هر دو جنس یکی است و کمیت نسبتها در مقایسه با دسته اول و سوم در حد بالایی قرار دارد. برای هر دو جنس میزان نسبت در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله در حداکثر (= ماگریم) می باشد که رقم آن برای مردان ۷/۱ و برای زنان ۸۲٪ است. به طور کلی نشان داده می شود که نسبت مهاجران در این دسته، که به عبارتی در سن کار نیز هستند بالا و یا در این دسته بیشترین سهم از مهاجران متمرکز شده اند. در دسته سوم که از ۵۰ سالگی به بالاست، میزان نسبتها پایین می آید تا اینکه در گروه سنی ۴۶-۶۰ ساله به حداقل (= مینیم) می رسد، یعنی برای مردان ۵٪ و برای زنان ۵٪ می شود و به عبارت دیگر، نسبتها از ۶۰ سالگی به بعد افت می کنند. کلا "در مورد مردان، از سن ۵۹ تا ۲۰ سالگی اندازه نسبتها از نسبت "کلیه سنین" ، بزرگتر، و در سایر گروههای سنی از آن کوچکتر است. ولی برای زنان، اندازه نسبت در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و گروههای بالاتر آن، از "نسبت کلی زنان" بیشتر و در سایر گروههای جوان سنی، اندازه نسبت مهاجران، اعداد کوچکتری را در مقابل "نسبت متوسط" زنان مهاجر تشکیل می دهد. پس جمعیت مهاجر نسبت به گروههای سنی جمعیت ایران، جمعیت جوانی نیست، گرچه ممکن است حجم قابل ملاحظه ای از این گروه در سنین صفر تا ۱۴ سالگی قرار گیرند.

"گرچه دقیقاً" نمی‌شود گفت که تمام مهاجران به لحاظ جنبه تولیدی به کشور آمده‌اند، اما با این همه نتایج بررسی باتعایل کلی کشورهای مهاجر پذیر مطابقت دارد. در کتاب "جغرافیای جمعیت" (۴۷۰۷) ^۱ می‌خوانیم:

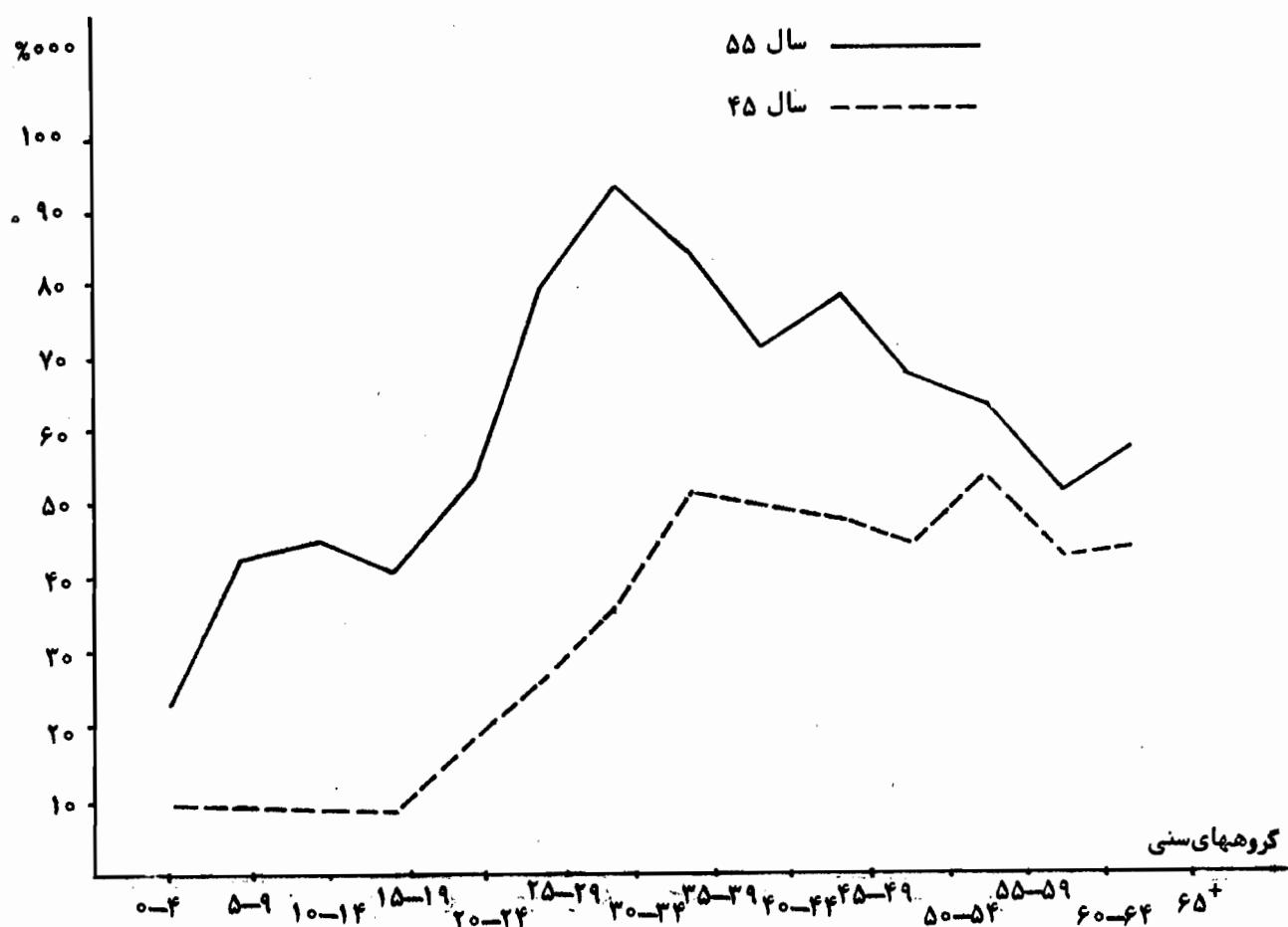
"کشورهای مهاجر پذیر اصولاً" به قبول مهاجران در سنین ۲۵- سال و ۶۴+ سال، به علت عدم استفادهٔ تولیدی از آنان، رغبتی نشان نمی‌دهند. بنا بر این، مهاجرت در گروه اول سنی طبقه بزرگ‌سالان (۴۵-۲۰ ساله) یعنی گروهی که قدرت تطابق و سازگاری آنان با محیط جدید و ناماآنسوس خود بیشتر و نیروی سازنده‌تری و تولیدی‌تران در نهایت شدت است، انجام می‌گیرد و اگر خوداً مروزه در کشور پذیرا، گروه سنی بزرگ‌سالان را افزایش می‌دهند، به علت باروری بیشتر فرزندانشان نیز در بیست سال آینده همین "گروه سنی را افزایش خواهند داد". به عبارت دیگر، قبول مهاجریه عنوان انسانهای تولیدکننده بیشتر از انسانهای مصرف کننده است.

۱. در این گزارش، منظور از شماره‌های درون‌دوکمان، مأخذ و شماره صفحه آن است. عدد اول: شماره مأخذ عدد دوم: شماره صفحه مأخذ است.

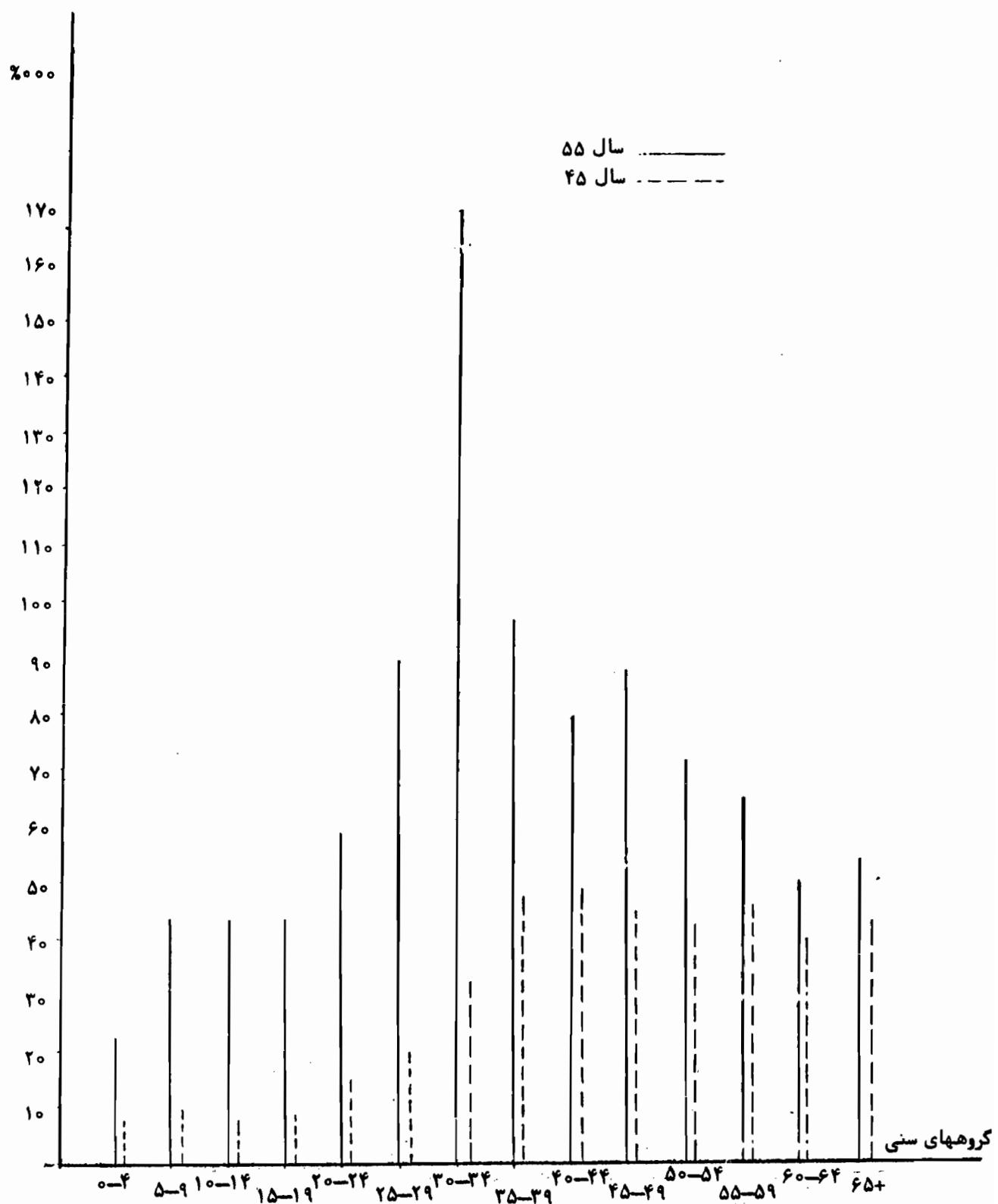
نمودار ۳. نسبت مهاجران خارجی به جمعیت کل کشور در سال ۱۳۵۵



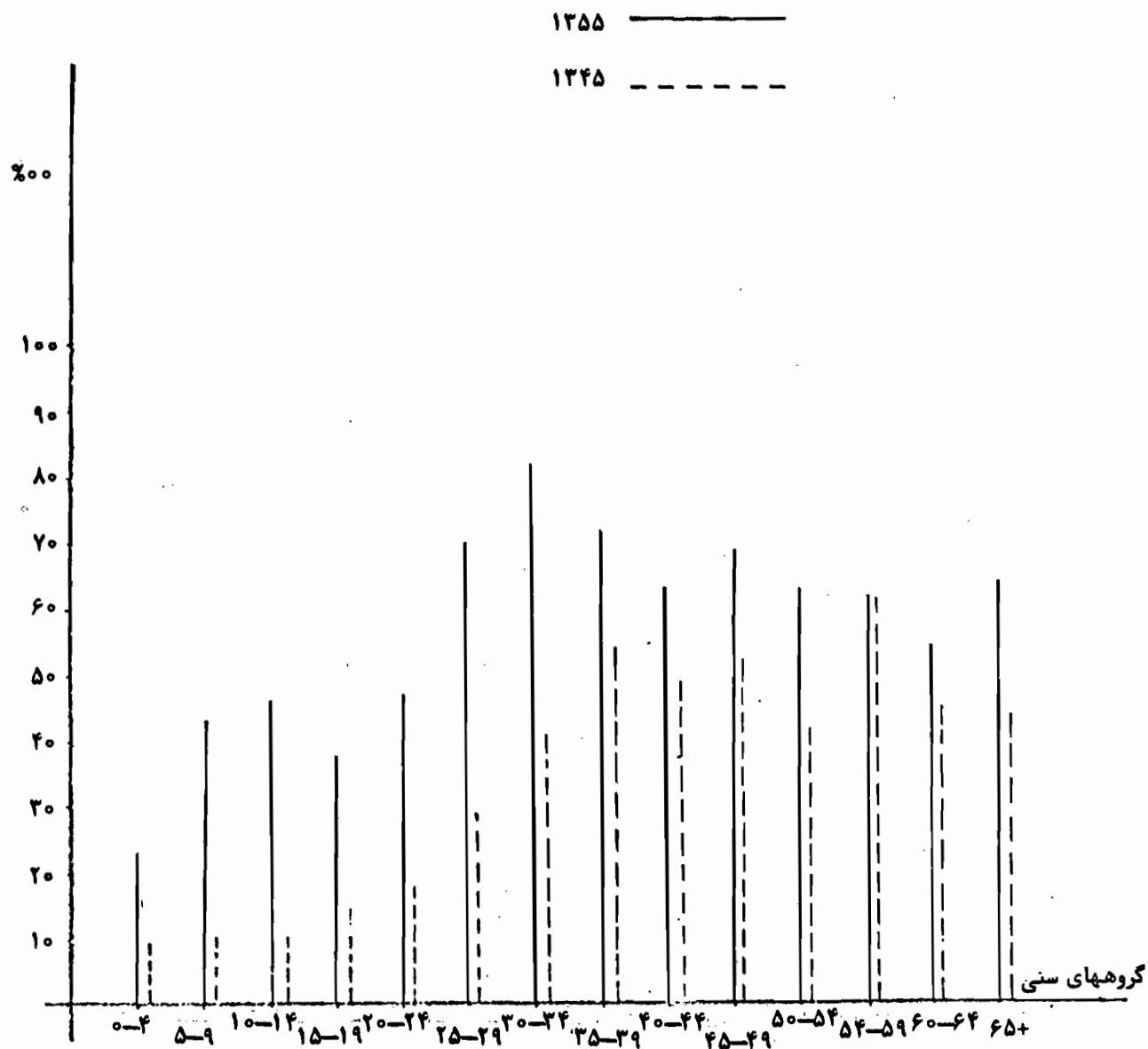
نمودار ۴. نسبت مهاجران در گروههای مختلف سنی نسبت به جمعیت کل کشور طی دو سرشماری ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵



نمودار ۵. نسبت متولدان مرد خارج از کشور به جمعیت کل کشور در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵



نمودار ۶. نسبت متولدان زن خارج از کشور به جمعیت کل کشور در سال ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵



۷. توزیع مهاجران در مناطق شهری و روستایی

۱-۱. مهاجران شهری در سال ۱۳۵۵

سهم عظیم متولدان خارج از کشور، یعنی ۷۸۴ آنان، ساکن نقاط شهری هستند (جدول شماره ۵) . میزان شهرنشینی مهاجران نسبت به سال ۴۵ کمی افزایش داشته است، به طوری که رقم مشابه مهاجران شهرنشین برای سال ۴۵ برابر ۷۸۲ می باشد.

میزان شهرنشینی زنان و مردان مهاجر، تفاوت مختصری در حد ۴۷ به ۵۳ دارد ، ولی توزیع مهاجران مردوزن در بیشتر گروههای سنی مشابه یکدیگر ند، مگر از ۶ سالگی به بالا که تعداد زنان مهاجر بیشتر از مردان است. میزان شهرنشینی مهاجران نسبت به میزان شهرنشینی جمعیت کشور خیلی بالاست ، به طوری که در سال ۱۳۵۵ نسبت شهرنشینی جمعیت کشور ۴۷٪ و در سال ۱۳۴۵ نیز ۳۹٪ بوده است ، که در هر حال ، این میزان برای مهاجران سال ۴۵ و ۵۵ از ۸۰٪ بیشتر بوده است.

تقریباً نیمی از مهاجران شهری را افراد ۲۴ ساله و کمتر تشکیل می دهند که نیمی از زنان مهاجر نیز در همین سنین واقعند ، ولی نسبت مردان واقع در این سنین ، کمتر از نصف مهاجران مرداست .

جدول ۵. مهاجران شهری در سال ۱۳۵۵

زن	مرد	مردوزن	جنس	گروه سنی
۷۱۶۰۲	۸۰۰۰۴	۱۵۱۶۰۶	کلیه سنین	
۴۹۵۴	۵۳۰۷	۱۰۲۶۱	ساله	۴—۰
۹۵۸۶	۱۰۲۴۳	۱۹۸۲۹	"	۹—۵
۸۴۰۹	۸۸۱۹	۱۷۲۲۸	"	۱۴—۱۰
۶۱۲۰	۶۷۳۷	۱۲۸۵۷	"	۱۹—۱۵
۵۸۸۲	۵۹۲۶	۱۱۸۰۸	"	۲۴—۲۰
۵۹۰۴	۵۹۷۵	۱۳۸۷۹	"	۲۹—۲۵
۵۳۱۸	۷۰۰۲	۱۲۲۲۰	"	۳۴—۳۰
۵۱۳۳	۶۳۴۵	۱۱۴۷۸	"	۳۹—۳۵
۴۳۹۳	۵۹۵۵	۱۰۳۴۸	"	۴۴—۴۰
۴۱۲۴	۵۷۴۱	۹۸۶۵	"	۴۹—۴۵
۲۴۲۰	۴۵۷۸	۷۹۹۸	"	۵۴—۵۰
۱۷۹۶	۲۲۸۶	۴۰۸۲	"	۵۹—۵۵
۱۳۸۱	۱۲۶۹	۲۶۵۰	"	۶۴—۶۰
۳۱۸۲	۲۸۲۱	۶۰۰۳	"	۶۴ به بالا

حدود ۱۵٪ از مهاجران خارجی، ساکن نقاط روستایی هستند (جدول شماره ۶) که میزان روستائی‌نشینی مهاجران نسبت به میزان روستائی‌نشینی جمعیت ایران در حد پایینی قرار دارد (در سال ۱۳۵۵ حدود ۵۳٪ جمعیت کشور روستائی‌نشین بوده‌اند). بیشتر سی توزیع مهاجران خارجی روستائی‌نشین در گروههای پایین سنی قواردارند، به طوری که نیمی از آنان در سنین ۲۴ سالگی و کمتر هستند. در عین حال، مهاجران از جمعیت کشور جوانتر به نظر نمی‌رسند و نیمی از جمعیت مهاجران در گروه سنی ۲۰ تا ۴۴ سالگی قرار دارند و بیشترین تمرکز آنها در گروههای سنی ۲۰ تا ۳۳ سالگی و گروه ۵ تا ۹ سالگی است. نسبت تعداد مردان واقع ناسن ۲۴ سالگی کمی کمتر از زنان واقع در این دوره سنی است، اما تعداد مردان واقع در سنین ۲۵ تا ۴۴ سالگی بیش از نیمی از مهاجران مرد و تعداد زنان واقع در این دوره سنی حدود $\frac{1}{3}$ جمعیت زنان است. بنا بر این جمعیت زنان کمی جوانتر از مردان می‌باشد، مگر در سنین ۵۶ و بالاتر که نسبت زنان بیشتر از مردان می‌شود، یادآور می‌شود که در سال ۴۵ نیز نسبت روستائی‌نشینی مهاجران خارجی به مراتب کمتر از میزان مهاجران شهرنشین بوده است، به طوری که تنها ۷٪ مهاجران ساکن نقاط روستایی بوده‌اند، در حالی که میزان روستائی‌نشینی جمعیت کشور در همین سال ۱۶٪ بوده است.

جدول ۶. مهاجران خارجی مقیم نقاط روستایی در سال ۱۳۵۵

زن	مرد	مردوزن	جنس	
			گروه سنی	کلیه سنین
۹۹۶۷	۱۷۳۳۸	۲۲۳۰۵		
۱۱۴۴	۱۰۹۸	۲۲۴۲	ساله	۴-۰
۱۵۸۶	۱۷۸۷	۲۲۷۳	"	۹-۵
۹۹۶	۱۲۲۱	۲۲۱۷	"	۱۴-۱۰
۷۴۶	۱۳۱۴	۲۰۶۰	"	۱۹-۱۵
۹۷۲	۲۰۹۳	۳۰۶۵	"	۲۴-۲۰
۱۰۳۴	۲۱۲۶	۳۱۶۰	"	۲۹-۲۵
۸۴۱	۲۰۳۵	۲۸۷۶	"	۳۴-۳۰
۶۸۵	۱۷۱۱	۲۳۹۶	"	۳۹-۳۵
۵۵۱	۱۲۳۶	۱۷۸۷	"	۴۴-۴۰
۲۲۷	۹۰۵	۱۲۴۳	"	۴۹-۴۵
۳۵۷	۷۰۰	۱۰۵۷	"	۵۴-۵۰
۱۳۳	۲۹۴	۴۲۷	"	۵۹-۵۵
۱۵۹	۲۶۰	۴۱۹	"	۶۴-۶۰
۴۲۶	۵۵۸	۹۸۴	"	۶۵ به بالا

۸. توزیع سنی مهاجران خارجی به تفکیک مناطق شهری و روستایی

می دانیم که جمعیت گزارش شده در سال ۱۳۵۵ رقمی معادل $32/7$ میلیون غربوده است که از این عدد هم 179000 نفر متولد خارج از کشور بوده‌اند (جدول شماره ۷) . از جمعیت کشور $15/9$ میلیون نفر ساکن شهرها و $17/8$ میلیون نفر ساکن روستاهای بوده‌اند. به همین ترتیب از متولدان خارج از کشور، بخش عظیمی یعنی 152000 نفر ساکن شهر و تنها 22000 نفر شان ساکن نقاط روستایی بوده‌اند. بنابراین مشابه‌تری از نظر پراکندگی جمعیت کشور و جمعیت مهاجر وجود ندارد. یعنی اگر 47% جمعیت کشور در نقاط شهری ساکن بوده‌اند، از مهاجران 74% در نقاط شهری پراکنده بوده‌اند که استقرار مهاجران در روستا نسبت به شهر به تناسب 1 به 4 بوده است.

در جدول شماره ۸، جمعیت کشور و مهاجران به تفکیک مناطق شهری و روستایی بر حسب گروه‌های سنی توزیع شده است. ترکیب سنی جمعیت کشور و جمعیت مهاجر، هم از نظر میزان شهرنشینی و هم از نظر میزان جوانی جمعیت متفاوت است.

تقریباً 45% جمعیت کشور زیر 5 سال هستند در حالی که جمعیت زیر 15 سال مهاجران برابر 31% است و این رقم برای افراد زیر 20 سال برای جمعیت کشور 55% و برای مهاجران 39% می‌باشد. در گروه سنی 20 تا 24 ساله توزیع سنی هردو جمعیت برابر، ولی در سنین 25 تا 34 سالگی توزیع مهاجران نسبت به جمعیت کشور بالاتر است. به طوری که جمعیت 25 تا 34 ساله کشور حدود 11% کل جمعیت و از آن گروه مهاجر 19% از کل مهاجران را تشکیل می‌دهد. در گروه‌های سنی بالاتر فزونی سهم هر گروه سنی نسبت جمعیت مهاجر، نسبت به گروه‌های سنی مشابه جمعیت کشور، مشاهده می‌گردد.

اگر توزیع جمعیت را بر حسب نقاط شهری و روستایی بررسی کنیم، می‌بینیم که در نقاط شهری مانند روستا کل کشور ناگروه‌های سنی زیر 20 سال، فزونی توزیع جمعیت کشور نسبت به مهاجران دیده می‌شود و در گروه سنی 25 تا 24 ساله اختلاف توزیع دو جمعیت کمتر شده است و از 25 سال به بالا توزیع مهاجران به طور محسوسی نسبت به جمعیت کشور افزایش دارد. در نقاط روستایی در سنین پایین تر اختلاف توزیع خیلی زیاد است، بخصوص در گروه سنی صرفتاً 4 ساله که برای کل جمعیت 18% و برای مهاجران 8% می‌باشد و جمعیت زیر 15 سال مناطق روستایی 48% جمعیت روستایی را تشکیل می‌دهد، در حالی که این نسبت برای مهاجران مستقر در نقاط روستایی به 29% می‌رسد. یعنی جمعیت روستایی کشور به مرتب جوانتر از جمعیت مهاجر است، بخصوص که افزایش توزیع جمعیت روستایی در گروه سنی 15 تا 19 ساله نیز حفظ شده است. ولی برخلاف روند شهری، از سن 20 سالگی به بالا، افزایش فاحش گروه مهاجر نسبت به جمعیت روستایی مشاهده می‌شود. این روند تا سنین 55 سالگی ادامه دارد، و آن گاه توزیع جمعیت روستایی از جمعیت مهاجر روستاشین پیشی می‌گیرد.

حال به بررسی توزیع مهاجران در گروههای سنی بر حسب جنسیت می پردازیم (جدول شماره ۹) .

نسبت جنسی مهاجران به نسبت جنسی جمعیت کشور رقم بالایی است، یعنی رقم ۱۱۹ در مقابل ۱۵۶ می باشد. "پس قاعدتاً" می بایست در هر گروه سنی افزایش مرد به زن هرچند در حد مختصر مشاهده شود. ولی توزیع گروههای سنی، تغییرات و ناهمسانی رانشان می دهد و تفاوتها در گروههای جوان سنی بیشتر مشهود است. برای مثال نسبت مردان زیر ۱۵ سال در نقاط شهری و روستایی ۳۰٪ ۲۴٪ است، در حالی که برای زنان بالعکس ارقام ۳۲٪ و ۳۷٪ می باشد. در گروههای سنی کار، برای مرد ها تفاوت توزیع زیاد به چشم می خورد، حال آنکه برای زنها ارقام به یکدیگر نزدیک است، چنان که توزیع مردان ۲۰ تا ۲۴ ساله در شهر و روستا به نسبت ۱۲٪ و ۷٪ می باشد که همین نسبتها برای زنان ۸٪ و ۱۰٪ به دست آمده است.

در گروههای سنی ۲۵ تا ۲۹ ساله و ۳۰ تا ۳۴ ساله، نسبتها برای مردان شهرنشین و روستاشین ۹٪ و ۱۲٪ می باشد، در حالی که برای زنان معادل ۱۰٪ برای ۲۵ تا ۲۹ ساله، و ۸٪ برای ۳۰ تا ۳۴ ساله است، تفاوتها توزیع برای مردان و زنان در گروه سنی ۴۰ تا ۴۴ ساله در شهر و روستا بسیار آنکه در گروه سنی ۴۵ سال و بالاتر نسبتها به یکدیگر نزدیک می شود. درنتیجه، لااقل در گروههای سنی کار، بخصوص در سنین ۳۵ تا ۵۹ ساله، مردان بیشتر از زنان در نقاط شهری متوجه بوده اند. ولی در نقاط روستایی توزیع در کلیه گروهها متفاوت و نسبت گروههای سنی ۱۵ تا ۵۹ ساله مردان در نقاط روستایی بیشتر از نسبتها مشابه برای زنان می باشد و بر حسب ارقام مشهود است که در گروههای سنی، مقیم بودن مردان در نقاط روستایی بیشتر جنبه کار داشته است که نمونه آن نقاطی است که دارای تأسیسات صنعتی و خدماتی هستند. به علاوه، مرزهای غربی و شرقی کشور نیز به علت شرایط هم جواری که جاذب مهاجران کشورهای همسایه است، تاثیری در افزایش حجم مهاجر به چشم می خورد، هرچند که نشان کاستی زنان به میزان کمی نیز ناشی از کم شماریها در جریان سرشماری می باشد که معمولاً "از قلم شمارش می افتد، چرا که پاسخگویان گاهی وجود زنان را اظهار نمی کنند. همچنین احتمالاً "در نواحی غرب کشور وجود جمعیت عشا بری و یا جمعیتی که بر حسب سنت بیلاق و قشلاق دارند، تا اندازه ای ترکیب جمعیت ساکن را بهم می زند.

نمودار شماره ۹، توزیع مهاجران را در سال ۱۳۵۵ بر حسب جنس و منطقه حرف افیا یا نشان می دهد.

جدول ۷. توزیع مساهای خارجی بر حسب شعبه‌روستا به تفکیک گروه‌های سنی سال ۱۳۵۵

کل کشور	گروههای سنی	کل جمعیت	سماجران	کل جمعیت	سماجران	کل جمعیت	سماجران	روستا
۳۳۷۰۸۷۴۴	۵۴-۶۰	۱۷۸۹۱۱	۱۵۸۵۴۶۸۰	۱۵۱۶۰۴	۱۷۸۵۴۰۶۴	۲۷۳۰۸	۲۷۳	سماجران
۵۴۲۹۷۱۲	۱۲۵۰۳	۲۱۹۰۲۷۹	۱۰۲۶۱	۳۲۳۹۴۵۳	۲۲۴۲	۲۲۴	۲۲۴	روستا
۵۲۷۶۵۳۳	۲۳۲۰۲	۲۲۳۴۴۴	۱۹۸۲۹	۳۰۴۰۰۸۹	۳۳۷۳	۳۳۷	۳۳۷	سماجران
۴۳۰۳۱۱۸	۱۹۴۶۸	۲۰۷۰۵۳۹	۱۷۲۲۸	۲۲۳۲۵۷۹	۲۲۱۲	۲۲۱	۲۲۱	کل کشور
۳۶۰۰۰۲۶۸	۱۴۹۱۷	۱۴۹۱۷	۱۲۸۵۷	۱۶۸۴۴۶۴	۲۰۶۰	۲۰۶	۲۰۶	گروههای سنی
۳۷۹۲۲۱۵	۱۴۸۷۳	۱۴۸۷۳	۱۱۸۰۸	۱۲۶۲۰۰۶	۳۰۶۸	۳۱۶۰	۳۱۶	کل جمعیت
۲۱۱۱۱۵۸۵	۱۷۰۳۹	۱۷۰۳۹	۱۱۲۱۰۰۳	۹۹۰۵۸۲	۲۸۷۶	۲۸۷۶	۲۸۷۶	کل جمعیت
۳۹-۳۰	۱۶۱۹۶	۱۶۱۹۶	۸۷۷۴۰۶	۸۲۹۵۹۱	۲۲۹۶	۲۲۹۶	۲۲۹۶	کل جمعیت
۴۴-۴۰	۱۳۸۷۴	۱۳۸۷۴	۷۹۴۳۲۴	۸۳۲۲۹۵	۱۷۸۸	۱۷۸۸	۱۷۸۸	کل جمعیت
۴۹-۴۰	۱۲۱۳۸	۱۲۱۳۸	۷۶۸۳۴۸	۹۰۰۳۳۷	۱۲۴۲	۱۲۴۲	۱۲۴۲	کل جمعیت
۵۴-۵۰	۱۱۱۰۷	۱۱۱۰۷	۴۳۲۰۶۷	۷۵۷۳۹۸	۱۰۵۴۸	۱۰۵۴۸	۱۰۵۴۸	کل جمعیت
۵۴-۵۰	۹۰۰۵	۹۰۰۵	۵۹۳۶۶۸	۷۳۵۳۸	۱۰۵۲	۱۰۵۲	۱۰۵۲	کل جمعیت
۵۹-۵۰	۷۰۳۸۸۷	۷۰۳۸۸۷	۴۰۰۹	۳۷۰۱۸۹	۴۲۷	۴۲۷	۴۲۷	کل جمعیت
۵۴-۵۰	۵۸۴۱۴۴	۵۸۴۱۴۴	۳۰۶۹	۲۲۱۹۳۰	۴۱۹	۴۱۹	۴۱۹	کل جمعیت
۵۴-۵۰	۱۱۸۶۴۷۰	۱۱۸۶۴۷۰	۵۰۰۳	۵۰۷۵۶۸	۹۸۴	۹۸۴	۹۸۴	کل جمعیت

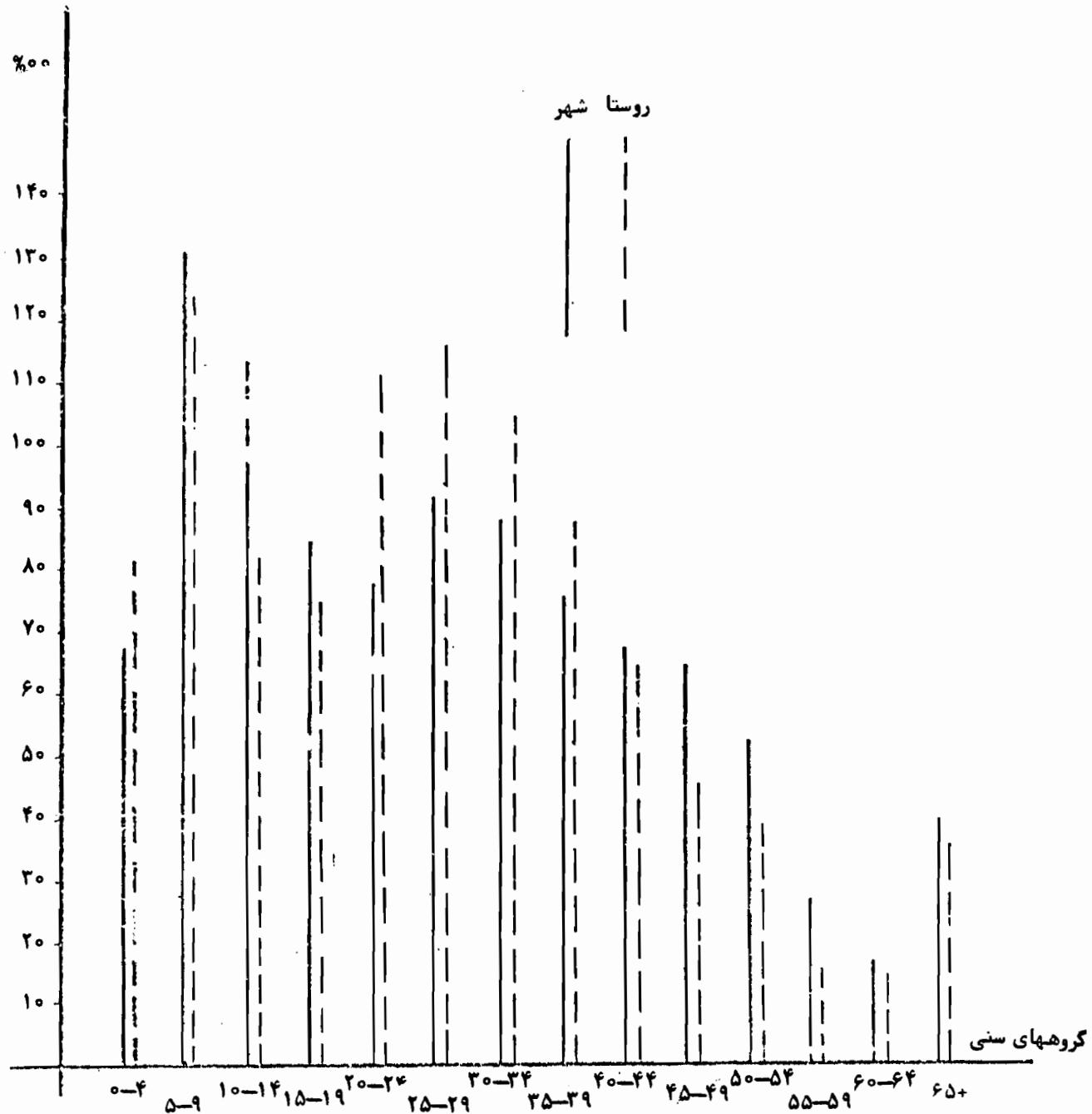
(%)

جدول ۸ . توزیع مهاجران بر حسب شهر در سال ۱۳۵۰ کشوری ایشان در گروههای سنی

روستا		شهر		کشور		گروههای سنی
مهاجران	کل جمعیت	مهاجران	کل جمعیت	مهاجران	کل کشور	
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	کلبه سنین
۸/۲	۶/۸	۱۳/۸	۷/۰	۱۴/۱	۴-۰	
۱۲/۴	۱۷/۰	۱۳/۱	۱۴/۱	۱۳/۰	۹-۸	
۸/۲	۱۲/۵	۱۱/۴	۱۳/۱	۱۰/۹	۱۴-۱۰	
۸/۵	۹/۴	۸/۵	۱۲/۱	۱۰/۷	۱۹-۱۵	
۱۱/۲	۷/۱	۷/۸	۸/۳	۸/۳	۲۴-۲۰	
۱۱/۶	۵/۵	۹/۲	۹/۰	۹/۳	۲۹-۲۵	
۱۰/۵	۴/۶	۸/۸	۹/۰	۹/۱	۳۴-۳۰	
۸/۸	۴/۷	۷/۶	۷/۷	۴/۸	۳۹-۳۵	
۶/۰	۵/۰	۶/۸	۶/۸	۴/۹	۴۴-۴۰	
۴/۶	۴/۲	۶/۵	۴/۰	۴/۱	۴۹-۴۶	
۳/۹	۴/۱	۶/۳	۵/۱	۳/۹	۵۴-۵۰	
۱/۶	۲/۱	۲/۲	۲/۱	۲/۱	۵۹-۵۵	
۱/۰	۱/۴	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۶۴-۶۰	
۳/۶	۴/۰	۳/۹	۳/۸	۳/۸	۶۴-۶۰	
کل به بالا		۳/۸	۳/۹	۳/۸	۳/۸	

جدول ۹ توزیع سنی مهاجران بر حسب جنسیت و منطقه در سال ۱۳۵۵ (%)

نمودار ۷. شاخص توزیع مهاجران در سطح شهر و روستا در سال ۱۳۵۵



۹. نسبت متولدان خارج از کشور به جمعیت کل گشود در گروههای سنی، به تفکیک شهر و روستا در سال ۱۳۵۵

می دانیم که نسبت جمعیت مهاجره کل جمعیت در سال ۱۳۵۵ مساوی ۵/۰% است که اهم آن ساکن شهرها هستند، یعنی متولدان خارج از کشور در نقاط شهری ۹۶% جمعیت شهری و در نقاط روستایی ۱۵% جمعیت روستایی را تشکیل می دهند.

تاسن زیر ۲۰ سال نسبت جمعیت از ۵/۰% کمتر و آن گاه به تدریج بیشتر می شود، به طوری که در گروه سنی ۲۰ تا ۳۴ ساله، مهاجران ۹۴/۰% جمعیت این گروه سنی را تشکیل می دهند. سپس به تدریج این نسبت کاسته می شود ولی از ۵/۰% پایین تر نمی آید. این روند برای مهاجران نقاط شهری از سن ۲۵ سالگی به بالا آغاز می شود و در سن ۳۴ تا ۴۰ سالگی به نزدیکی نقطه اوج خود می رسد، یعنی مهاجران ۱/۵۲% جمعیت این گروه سنی را تشکیل می دهند و همچنین در گروه سنی ۴۵ تا ۴۹ ساله، به حد ماقریم ۱/۵۶% می رسد. علت بالابودن نسبتها در گروههای سنی بالاتر، این است که اولاً "این " جمعیت " حدود ۱% جمعیت شهری است که بخش کمی از آن در گروههای سنی پایین تر قرار دارد که بر عکس سهم عظیم جمعیت شهری، در همان گروهها واقع می شود و را فزایش حجم گروه مهاجر در سنین بالا (بوزیره در سنین کارکه در اینجا از ۳۰ سالگی تا ۵۴ سالگی مطرح شده است) موثر نیست. ترکیب توزیع مهاجران در جمعیت روستایی، با ترکیب مهاجران در جمعیت شهری فرق دارد. به طور کلی، توزیع مهاجران کمتر از ۲۰ سال و مهاجران واقع در سنین ۵۰ تا ۴۶ سال، از متوسط توزیع (۱۵%) کمتر و در گروه سنی ۵۰ تا ۴۶ سالگان و بالاتر برابراست. ولی نسبت جمعیت مهاجر در سنین ۲۰ تا ۴۹ سالگی از متوسط نسبت توزیع بیشتر است و حد اکثر آن (۳۵/۰%) در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ ساله ظاهر می شود که متأثر از وضعیت شغلی و پایین بودن سنین کار در روستا می باشد.

جدول ۱۰ . نسبت متولدان خارج از کشور به جمعیت کشور ، در گروههای سنی به تفکیک شهر و روستا

روستا	شهر	کل کشور	گروه سنی
۰/۱۵	۰/۹۶	۰/۵	کلیه سنین
۰/۰۷	۰/۴۷	۰/۲۳	۴-۰
۰/۱۱	۰/۸۹	۰/۴۳	۹-۵
۰/۱	۰/۸۳	۰/۴۵	۱۴-۱۰
۰/۱۲	۰/۶۷	۰/۴۱	۱۹-۱۵
۰/۲۴	۰/۷۷	۰/۵۳	۲۴-۲۰
۰/۳۲	۱/۲۴	۰/۸۰	۲۹-۲۵
۰/۳۵	۱/۵۲	۰/۹۴	۳۴-۳۰
۰/۲۹	۱/۴۵	۰/۸۵	۳۹-۳۵
۰/۲	۰/۳۵	۰/۷۲	۴۴-۴۰
۰/۱۶	۱/۵۶	۰/۷۹	۴۹-۴۵
۰/۱۴	۱/۳۵	۰/۶۸	۵۴-۵۰
۰/۱۲	۱/۲۲	۰/۶۴	۵۹-۵۵
۰/۱۳	۱/۰۱	۰/۵۲	۶۴-۶۰
۰/۱۵	۱/۱۳	۰/۵۸	۶۵ به بالا

۱۰. ساختار جنسی جمعیت کشور

نسبت جنسی برای جمعیت کل کشور و به تفکیک شهر روستا در کلیه سنین به قرار زیر است : در سال ۱۳۵۵، نسبت جنسی جمعیت در کل کشور برابر ۱/۱۵۶ بوده است که رقم مربوط به نقاط شهری ۱۰۹/۶ و در نقاط روستایی ۱/۱۰۳ می باشد (جدول ۱۱) .

این نسبتها در سال ۱۳۴۵ به مراتب مساوی ۴/۱۰۷ و ۵/۱۰۸ و ۸/۱۰۶ بوده است . بنابراین ، در سال ۱۳۵۵ نسبت جنسی کمی سلس آمده است که یکی از علل آن بعد فرهنگی قضیه در زمانهای سرشماری نسبت به شمارش جنس انان و ذکور در مراععه به خانوار می باشد .

ملاحظه می شود که در نقاط روستایی ، نسبت جنسی کمتر از نقاط شهری بوده و طی ده ساله ۴۵ تا ۵۵ این نسبت برای نقاط روستایی از ۸/۱۰۶ تا ۱۰/۱۰۳ کاهش یافته است که معمولاً "عامل مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر در کاهش اس ارقام موثر می باشد . بنابراین ، اگر این نسبتها را در نقاط روستایی مهاجرت فرست و نقاط شهری مهاجرت برسرسی کیم ، تفاوت ارقام ، بیشتر از موارد یاد شده خواهد بود و فاصله تفاوت در سنین کاری ۱۵ تا ۶۴ ساله بیشتر به جسم خواهد خورد . بر اساس آمارهای سال ۵۵ مشاهده می شود که در نقاط شهری از سنین ۲۵ تا ۵۹ سالگی نسبت جنسی بالاتر از حد متوسط نسبت جنسی است و در سنین ۵۰ تا ۵۹ سالگی به حدود ۱۱۹ تا ۱۲۳ می رسد ، در سنین ۵۰ تا ۴۶ عسالگی نسبت کاهش می یابد و بالاخره در ۵۰ عسالگی وبالاتر تعداد زنان و مردان مساوی می شود .

در روستا وند تغییرات نسبت جنسی با شهر فرق دارد . معمولاً "در سنینی که مهاجرت نیروی کار انجام می شود (و بیشتر شامل مردان می باشد) از ۱۵ سالگی تا ۳۹ سالگی است که در این سنین ، نسبت جنسی نیز از متوسط نسبت جنسی کمتر است . مثلاً "در ۲۵ تا ۲۴ سالگی این نسبت به ۷۸ می رسد ، در حالی که از سنین ۴۰ سالگی به بالا ، نسبت جنسی به شدت افزایش می یابد و در سنین ۵۰ تا ۵۹ سالگی به ارقام ۱۲۵ تا ۱۳۵ می رسد و در سنین بالاتر نیز بزرگی رقم محفوظ می ماند ، هر چند که ممکن است کم شماری ترا اندازه ای این رقم را بزرگ نگهداشته باشد .

بررسی نسبت جنسی چند شهر به قرار زیر است .

در شهر شیراز که نسبت جنسی ۱۱۵ می باشد ، نسبت جنسی در گروههای ۱۵-۱۹ ساله برابر ۲۰ او در گروه ۲۰ تا ۲۴ ساله مساوی ۱۳۶ ساله مساوی ۱۳۶ و در گروه ۵۹-۵۵ ساله معادل ۱۲۵ است (جدول ۱۲) .

در شهر کرج که نسبت جنسی ۱۱۱ می باشد ، برای گروه سنی ۱۹-۱۵ ساله مساوی ۱۰۵ و برای گروه سنی ۲۹-۲۵ ساله برابر ۱۱۹ و برای گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله مساوی ۱۱۹ و برای گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله معادل ۱۳۶ و برای گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله مساوی ۱۴۶ و برای گروه سنی ۵۵-۵۹ ساله برابر ۱۳۸ است .

برای شهر اصفهان نیز که سبیت جنسی ۱۱۱ می باشد ، برای گروه سنی ۴۵-۴۴ ساله و ۵۵-۵۹ ساله به ترتیب معادل ۱۲۳ و ۱۲۴ است .

برای شهر اهواز ، از سنین ۲۵ تا ۵۹ ساله نسبتها از ۱۱۴ تا ۱۳۴ افزایش دارد که زیادی مردان به زنان در این سنین محسوس است .

برای شهر مشهد نیز افزایش مردان در گروههای سنی ۳۰ تا ۵۹ ساله به چشم می خورد .
برای شهر تهران افزایش مردان به زنان در سنین ۱۵ تا ۵۹ سالگی محقق است ، به طوری که از حد متوسط نسبت جنسی بیشتر نشان داده است . آمارگیری سال ۱۳۵۹ شهر تهران نشان می دهد که تعییراتی در بعضی از گروههای سنی حاصل شده است . با این همه ، در گروههای سنی ۲۵ تا ۴۹ ساله و نیز ۵۵ تا ۵۹ ساله ، در بالا بودن نسبت جنسی تردیدی نیست (جدول ۱۲) .

هر چند میزان مهاجرت در تمام گروه سنی خاصی نمی تواند چندان اثرگذار دو محاجران نیز با توجه به فاصله مسافت و مقصد ممکن است در سنین مختلف قرار بگیرند ، مع ذالک نسبت جنسی در گروههای وسیع سنی از جمله ۱۵ تا ۴۶ ساله (یعنی سنین کار) موید مهاجرت نیروی کار به شهرهای بزرگ می باشد .

در مسح بعد (شماره ۱۱) می بینیم که تفاوت های نسبتها ای جنسی برای مهاجران ، بخصوص در سنین کاری و بویژه در نقاط روستایی ، فاحشر است .

جدول ۱۱. نسبت جنسی گروههای سنی به تفکیک شهروروستا در سال ۱۳۵۵

روستا	شهر	کلکشور	گروههای سنی
۱۰۳/۱	۱۰۹/۶	۱۰۶/۱	کله سس
۱۱۰/۶	۱۰۵/۳	۱۰۸/۵	۴-۰
۱۰۸/۹	۱۰۵/۹	۱۰۷/۶	۹-۵
۱۰۸/۳	۱۱۲/۹	۱۱۰/۵	۱۴-۱۰
۸۸/۹	۱۱۵/۲	۱۰۲/۱	۱۹-۱۵
۲۲/۷	۱۰۶/۵	۹۲/۴	۲۴-۲۰
۸۰/۱	۱۰۳/۳	۹۱/۲	۲۹-۲۵
۸۶/۷	۱۰۸/۸	۹۷/۴	۳۴-۳۰
۹۶/۲	۱۱۰/۶	۱۰۳	۳۹-۳۵
۱۰۵/۴	۱۱۹/۷	۱۱۵/۷	۴۴-۴۰
۱۱۹/۸	۱۱۵/۱	۱۱۷/۶	۴۹-۴۵
۱۲۵/۲	۱۱۹/۲	۱۲۲/۵	۵۴-۵۰
۱۳۴/۶	۱۲۳/۳	۱۲۹/۱	۵۹-۵۵
۱۱۰/۶	۱۰۲/۷	۱۰۶/۶	۶۴-۶۰
۱۲۱	۹۹/۹	۱۱۱/۱	۶۵ به بالا

جدول ۱۲ . نسبت جنسی در گروههای سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله چند شهر بزرگ (سال ۱۳۵۵)

نسبت جنسی متولدان خارج از کشور به تفکیک گروههای سنی، بر حسب شهر و روستا در جدول ۱۳ نشان داده شده است. کلیت جدول حاکی است که در سطح کشور نسبت جنسی متولدان خارج از کشور از نسبت جنسی جمعیت ایران بیشتر است (برای هر دو جمعیت سال سرشماری ۵۵) . ولی برخلاف بزرگ بودن نسبت جنسی جمعیت کشور در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی برای متولدان خارج از کشور، نسبت جنسی در نقاط روستایی در مقایسه با نقاط شهری، رقم بسیار بالایی است (۱۷۴) در برابر (۱۱۲) . گرچه ارقام مربوط به کل کشور متأثر از حجم جمعیت مهاجر در نقاط شهری و روستایی است، اما اجمالاً از سن ۳۰ سالگی به بعد ارقام نسبت جنسی از ارقام نسبت جنسی برای کل جمعیت مهاجر بالاتر است، و در گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله به ۱۴۵/۵ و در گروه ۴۹-۴۵ ساله به حداقل خود یعنی ۱۵۰ می‌رسد. در نقاط شهری، تا ۲۹ سالگی نسبت جنسی پایین‌تر از کل نسبت جنسی و در سنین ۳۰-۳۴ سالگی تقریباً "برابر" از ۳۵ سالگی به بعد تا ۵۹ سالگی، این نسبت، بزرگی خود را حفظ می‌کند و از همه سنین به بعد از نسبت متوسط کمتر می‌شود. در نقاط شهری نیز مانند نتایج کل کشور، در سنین ۴۹-۴۵ سالگی نسبت جنسی بالاترین مقدار خود را دارد (۱۳۹).

در نقاط روستایی، تا سن ۱۴ سالگی نسبت جنسی پایین‌تر از متوسط نسبت و از ۱۵ سالگی به بعد افزایش نسبت به طور محسوسی به چشم می‌خورد، به طوری که در سنین ۳۹-۳۵ سالگی به ۲۵۰ و در سنین ۴۵-۴۹ سالگی به حداقل خود یعنی ۲۶۸/۵ می‌رسد، و بالاخره مانند نقاط شهری، بزرگی نسبت تا ۵۹ سالگی محفوظ می‌ماند و آن‌گاه از ۵۶ سالگی به بعد کوچکتر از متوسط نسبت جنسی می‌شود.

بنابراین، در گروههای سنی خیلی جوان زیر ۱۵ سال و سنین بالای ۶۰ عالی، نسبت جنسی پایین‌تر می‌آید و حتی در نقاط شهری، تعداد زنان واقع در سنین بالای ۶۰ سال از مردان بیشتر می‌شود. دیگر اینکه، بالا بودن نسبت جنسی مهاجران نسبت به جمعیت کشور، بویژه در سنین کاری، موید آن است که بیشترین آنان در سنین نیروی کار قرار دارند و شواهد بعد از سال ۵۶ هم این مطلب را تأیید می‌کند. اما این ترکیب به طور موقت در سال ۵۷ و ۵۸ به هم می‌خورد و پس از آن نیز مهاجرت شدت‌امی یابد که بیشتر به صورت غیر مجاز و یا به دلایل سیاسی است و ماسپس درباره آن بحث خواهیم کرد.

یاد آور می‌شود که افزوونی مردان مهاجر نسبت به زنان در شهرهای بزرگ، بخصوص اصفهان، اهواز و مشهد، در سنین کار به نهایت شدت خود می‌رسد (جدول ۱۲) به طور کلی، مهاجرت بیشتر برای مردان واقع در سنین کار چاذه دارد.

جدول ۱۳. نسبت جنسی متولدان خارج ازکشور (سال ۵۵)

روستایی	شهری	کل کشور	گروههای سنی
۱۷۴	۱۱۱/۷	۱۱۹/۳	کلیه سنین
۹۶	۱۰۷/۱	۱۰۵	۴-۰
۱۱۲/۷	۱۰۸/۹	۱۰۷/۷	۹-۵
۱۲۲/۶	۱۰۴/۹	۱۰۶/۸	۱۴-۱۰
۱۷۶/۱	۱۱۰/۱	۱۱۷/۳	۱۹-۱۵
۲۱۵/۳	۱۰۰/۷	۱۱۷	۲۴-۲۰
۲۰۵/۶	۱۰۱	۱۱۴/۷	۲۹-۲۵
۲۴۲	۱۱۰/۸	۱۲۶/۲	۳۴-۳۰
۲۵۰	۱۲۳/۶	۱۳۸/۵	۳۹-۳۵
۲۲۴/۳	۱۳۵/۶	۱۴۵/۵	۴۴-۴۰
۲۶۸/۵	۱۳۹/۲	۱۵۰	۴۹-۴۵
۱۹۶/۱	۱۲۳/۹	۱۳۹/۷	۵۴-۵۰
۲۲۱/۱	۱۲۷/۳	۱۲۳/۷	۵۹-۵۵
۱۶۳/۵	۹۱/۹	۹۹/۳	۶۴-۶۰
۱۳۱	۸۸/۷	۹۳/۷	۶۵ به بالا

بیش از نصف مهاجران در استان مرکزی سکونت دارند و بالاترین رقم در صدمتولدان خارج از کشور نیز در این استان به چشم می خورد که برابر با $1/3\%$ است . پس از استان مرکزی ، در صدمتولدان خارجی استانهای سمنان ، ایلام ، بزد ، اصفهان و خوزستان ارقامی بین $0/94\%$ تا $0/62\%$ را تشکیل می دهد و آن گاه در صدمتولدان خارجی ، در استانهاافت می کند ، به طوری که برای بوشهر $0/47\%$ و برای خراسان $0/43\%$ است و بالاخره در صدمتولدان خارجی برای سایر استانها به حداقل خود می رسد . از جمله توزیع این جمعیت برای هر یک از استانهای که کلیویه و بیور احمدولرستان حدود $0/58\%$ جمعیت کشور است . نسبت متولدان بر حسب جنس ، ترکیب خاص خود را دارد . در استانهایی که تامین امکانات رفاهی و خدمات بیشتر بوده است ، تقریباً " در صدمتولدان خارجی زن و مرد به یک نسبت حفظ شده است ، مانند استان مرکزی^۱ که نسبت متولدان خارجی $1/3\%$ بوده است و فارس که $0/24\%$ است . البته این مطلب رانمی توان عمومیت داد . چه بسا استانهایی مانند آذربایجان شرقی ، آذربایجان غربی ، باختران و همدان که نسبت متولدان زن و مرد خارجی با یکدیگر برابر بوده و یا اختلاف ناچیزی با هم داشته اند . مطلب قابل توجه آن است که نسبت متولدان مردوزن بر حسب فعالیتهای اقتصادی فرق می کرده است ، مثلاً " در سمنان این نسبتها برای مردوزن به ترتیب $0/21\%$ و $0/17\%$ بوده و همین نسبتها برای استان بوشهر مساوی $0/62\%$ و برای خراسان $0/51\%$ و برای کرمان $0/45\%$ و $0/33\%$ و برای اصفهان $0/25\%$ و $0/67\%$ و برای سیستان و بلوچستان $0/52\%$ و $0/29\%$ بوده است . بنابراین ، بر حسب استقرار واحد های تولیدی در استانها و یا وجود پیروزه های اقتصادی و بالاخره مرزی بودن استان ، این تفاوت در توزیع مهاجران بر حسب جنسیت مشاهده می شود .

حال اگر مسئله را از نظر توزیع جمعیت در استانها بررسی کنیم ، می بینیم که استان مرکزی که حدود 21% جمعیت کشور را دارد ، نیمی از مهاجران را در خود جای داده است . توزیع مهاجران برای سایر استانها با استان مرکزی تفاوت دارد . استان اصفهان دارای 6% جمعیت کشور است ، حال آنکه 8% کل مهاجران را در خود جای داده است^۲ خوزستان $5/6\%$ جمعیت کشور را دارد ، ولی $1/1\%$ مهاجران را پذیرا شده است . استان سمنان $5/1\%$ جمعیت را در بر می گیرد ، در حالی که $1/1\%$ جمعیت مهاجران را خود اختصاص داده است . استان بزد $1/1\%$ جمعیت کشور را شامل می شود و $1/6\%$ جمعیت مهاجر را مقیم خود کرده است بنابراین در عاستان کشور ، نسبت جمعیت مهاجر بیشتر است و بر عکس در استانی مانند بوشهر ، جمعیت

۱ . در سال ۱۳۵۵ ، تهران جزو استان مرکزی بوده است .

۲ . جدولهای ۲۲ و ۲۴

مهاجر و جمعیت استان توزیعی برابردارند، و در سایر استانها توزیع مهاجر کمتر از توزیع جمعیت کشور است. در همه استانها به جز استان کردستان، تعداد مردان مهاجر بیشتر از زنان مهاجر است که میزان افزایش کم و بیش دارد. مثلاً در استان مرکزی و فارس، تعداد مردان اندکی بیشتر از زنان است، ولی در استانهای خوزستان، خراسان، بوشهر، و هرمزگان، شمار مردان بسیار بیشتر از زنان و گاه به حدود دو برابر می‌رسد که ناشی از امکانات اشتغال مردان است.

توزیع زنان مهاجر در استان مرکزی سهم عمده‌ای دارد که معادل ۵۴٪ زنان مهاجر است، اما در استانهای مرزی توزیع آن نسبت به مرد ها کاستی دارد. در استانهای ایلام، همدان، اصفهان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کرمان، بویراحمد، زنجان و پیزد، توزیع زن و مرد مهاجر نسبت به کل مهاجران همسان با یکدیگر است و در باقی استانها، گاهی تعداد زنان نسبت به مردان فزون‌تری دارد (باخترا) و اکثر آن اعداد مرد را توزیع مردان بالاتر از اعداد مشابه زنان است.

در جمعیت شهری اختلاف عدد زن و مرد مهاجر معتدل تر می‌شود و در بعضی از استانها، از جمله استان مرکزی، تعداد این دو جنس تفاوت چندانی ندارد. در کردستان همچنان تعداد زنان بیشتر از مردان و در استانهای خوزستان، خراسان و هرمزگان، این تفاوت به طور محسوسی فاصله خود را نسبت به سطح استان حفظ می‌کند. ترکیب عدد زن و مرد نقاط طروستایی، کمی متفاوت از ترکیب آن در نقاط شهری است. مثلاً در استانهای آذربایجان شرقی و کردستان، تعداد زنان بیشتر از مردان یا مساوی آن است ولی اختلاف این دو جنس در خراسان و مازندران، سیستان و بلوچستان، بوشهر، سمنان، و هرمزگان زیاد تر و تعداد مردان دو برابر یا بیشتر می‌باشد. در هر حال در استانهای مرزی تعداد مردان بیشتر از زنان است. توزیع جمعیت مهاجر در نقاط شهری خوزستان و ۸٪ آن در نقاط شهری اصفهان مقید است. در مرکز استان مرکزی تفاوت توزیع جمعیت و مهاجران محسوس است و در دو استان دیگر تفاوت چندانی ندارد، یعنی ۳۵٪ جمعیت کشور در نقاط شهری استان مرکزی ساکن است حال آنکه نسبت مهاجران ۵۷٪ است. در حقیقت استانهای نزیر تفاوت‌ها قابل توجه است. مثلاً در استان لرستان نسبت جمعیت مهاجر ۵ برابر، در استان زنجان ۲ برابر، و در کردستان ۳ برابر است، ولی برای سمنان مساوی و برای هرمزگان نسبت جمعیت مهاجر کمی بیشتر از جمعیت نقاط شهری آن است (جدول ۱۸).

گرچه نسبت متولدان خارجی نقاط شهری در بعضی از استانها عدد بالایی است، ولی به علت محدودیت جمعیت آن استانها و یا محدودیت جمعیت شهری تعداد مهاجران از اندازه خاصی تجاوز نمی‌کند. مثلاً در نقاط شهری استان ایلام از هر ۱۰۰ نفر ۵/۳ نفر خارجی هستند، در حالی که تعداد کل مهاجران نقاط شهری استان از ۹۱۵ نفر بیشتر نیست. و به همین ترتیب، تقریباً از هر ۱۰۰ نفر جمعیت شهری استانهای خوزستان، بیش از همزگان یک نفر خارجی است، معناداً کل مهاجران نقاط

شهری سه استان از ۱۷ هزارنفر تجاوز نمی‌کند. (جدول ۱۹)

تجمع مهاجران روستانشین نیز عمدتاً "در استانهای مرکزی، خوزستان، خراسان، اصفهان و سمنان است، به طوری که این پنج استان ۶۶٪ مهاجران روستایی را در نقاط روستایی خود جای داده‌اند (جدولهای ۲۰ و ۲۱) . سایر استانها سهم مهی در جذب مهاجرند اند، هرچند که امکانات هر استان با دیگری فرق دارد. میزان مهاجران نیز معمولاً" با فعالیتهای اقتصادی هر استان در ارتباط مستقیم است و ریشه‌های تاریخی در این مورد تاثیر چندانی ندارند، مگر تحولات اقتصادی و تصمیمهای سیاسی کشورها در منطقه که عده کثیری از اتباع کشورهای مجاور را به کشور کشانده است و عده‌ای دیگراز هموطنان نیز به منظور اقامت به خارج از کشور رفتندند. مثلاً "حدود ۷۵ سال پیش عده‌ای از ترکمنها از نواحی مرزی کشور به شمال خراسان و مازندران آمدند، و بادر چند سال گذشته عده‌ای از ارامنه ایران به خارج از کشور رفتند و سرانجام عده کثیری از افغانیها پاکستانیها و عراقیها به ایران آمدند و عده‌ای از ایرانیان نیز به دیگر کشورهای خلیج فارس و بآمریکا و اروپا و استرالیا مهاجرت کرده‌اند.

جدول ۱۶ . جمعیت کشور و متولدان خارج از کشور بر حسب حیس و به تکیک منطقه (سال ۱۳۹۵)

منطقه	مردوزن	مسرد	کشور	مردوزن	زت	متولدان خارج از کشور	مردوزن	زت	مرد	زت
کل کشور	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۷۳۵۶۴۷	۱۶۲۳۵۲۳۹۷	۱۷۸۹۱۱	۹۷۳۴۱	۸۱۵۶۹	۴۶۰۸۷	۹۰۰۰۰	۴۳۹۱۳	۴۳۹۱۳
استان مرکزی	۶۹۶۲۲۰۶	۳۶۹۱۰۶۹	۳۳۳۳۱۳۷	۱۷۳۵۶۴۷	۱۷۳۴۱	۸۱۵۶۹	۷۸۸۱۴۳	۳۴۴۹	۱۸۵۲	۱۵۹۷
استان گیلان	۱۵۸۱۸۷۲	۷۹۳۲۷۹	۷۹۳۲۷۹	۱۷۳۴۱	۹۷۳۴۱	۸۱۵۶۹	۱۱۸۹۵۸۰	۱۱۹۷۵۹۱	۲۶۶۷	۲۰۰۶
استان مازندران	۲۳۸۷۱۷۱	۱۱۹۷۵۹۱	۱۱۹۷۵۹۱	۱۷۳۴۱	۹۷۳۴۱	۸۱۵۶۹	۳۱۹۷۶۸۵	۱۴۵۴۳۳۴	۲۷۳۴	۲۴۱۲
استان آذربایجان شرقی	۱۴۵۴۳۳۴	۱۶۲۲	۱۶۲۲	۶۷۸۲۸۰	۷۲۹۳۱۹	۷۹۴	۵۴۰۴۸۷	۴۹۰۲۲۷	۸۲۸	۱۰۴۹
استان آذربایجان غربی	۱۴۰۷۶۰۴	۱۴۰۷۶۰۴	۱۴۰۷۶۰۴	۱۰۵۶۱۱۰	۱۱۳۱۰۰۸	۶۶۸۳	۱۰۵۶۱۱۰	۱۶۳۴۱	۹۶۸۳	۴۶۸
استان باختران	۱۰۳۰۷۱۴	۱۰۳۰۷۱۴	۱۰۳۰۷۱۴	۴۹۰۲۲۷	۵۴۰۴۸۷	۱۱۰۶	۲۱۰۵	۱۶۲۲	۱۰۴۹	۱۰۴۹
استان خوزستان	۲۱۸۷۱۱۸	۱۱۳۱۰۰۸	۱۱۳۱۰۰۸	۱۰۵۶۱۱۰	۱۰۵۶۱۱۰	۶۶۸۳	۲۵۲۷	۹۸۹۳۴۲	۱۳۳۰	۱۳۳۰
استان فارس	۲۰۳۵۸۲	۱۰۴۶۲۴۰	۱۰۴۶۲۴۰	۱۰۵۶۱۱۰	۱۰۵۶۱۱۰	۶۶۸۳	۱۶۵۴	۴۸۰۷	۲۸۷۱	۱۲۱۷
استان کرمان	۱۰۹۱۱۴۸	۵۵۰۰۹۲	۵۵۰۰۹۲	۵۴۰۰۵۶	۵۴۰۰۵۶	۱۶۵۴	۱۳۹۱۲	۱۶۰۶۰۹۰	۱۳۹۱۲	۵۴۴۶
استان خراسان	۳۲۶۴۳۹۸	۱۶۵۸۳۰۸	۱۶۵۸۳۰۸	۱۶۰۶۰۹۰	۱۶۰۶۰۹۰	۸۴۴۶	۹۴۷۲۰۱	۱۰۲۲۷۶۴	۷۶۵۴	۶۳۰۲
استان اصفهان	۱۹۶۹۹۶۵	۱۰۲۲۷۶۴	۱۰۲۲۷۶۴	۳۴۰۹۸۲	۳۴۰۹۸۲	۶۳۰۲	۱۷۵۸	۲۶۶۹	۲۲۲۲۱۰	۹۱۱
استان سیستان و بلوچستان	۴۴۴۴۴۶									

ادامه جدول ۱۴

منطقه	مردوزن	سرد	کشور	مولدان خارج از کشور	زن
	مردوزن	مرد	کشور	مولدان خارج از کشور	زن
استان کردستان	۴۱۰۴۸۸	۳۷۱۹۵۲	۳۴۸	۷۳۹	۳۹۱
استان همدان	۵۶۸۰۴۸	۵۱۹۹۷۶	۶۲۰	۱۱۴۴	۵۲۴
استان چهارمحال و بختیاری	۱۰۸۸۰۲۴	۱۹۲۴۷۹	۴۴۶	۷۳۱	۲۸۵
استان لرستان	۳۹۴۳۵۷	۴۴۸۴۰۷	۸۱۵	۴۶۴	۳۵۱
استان آذربایجان	۹۳۳۹۳۹	۴۸۵۵۳۲	۱۰۶۷	۱۹۲۹	۸۸۲
استان ایلام	۲۲۶۰۲۴	۱۱۷۵۵۱	۱۱۲۲	۱۹۵	۷۲
استان کهگیلویه و بویراحمد	۲۳۴۳۷۰	۱۱۸۳۵۱	۱۱۳۲	۱۶۴۱	۵۰۹
استان بوشهر	۱۷۸۳۶۶	۱۶۹۴۹۷	۱۱۳۲	۱۶۴۱	۳۶۳
استان زنجان	۳۴۷۸۶۳	۲۸۱۵۹۷	۸۶۸	۵۰۵	۵۰۹
استان سمنان	۲۹۸۹۷۳	۲۴۰۱۱۹	۲۹۵۹	۲۴۶۳۲	۱۵۷۳
استان گلستان	۴۹۲۲۱۳	۱۷۹۲۷۱	۲۸۲۷	۱۷۹۲۷۱	۱۳۸۷
استان هرمزگان	۴۶۲۴۴	۲۳۸۴۴۱	۱۱۴۱	۲۲۳۹۹۹	۵۵۶

جدول ۱۰ . توزیع جمعیت کشور و متولدان خارج از کشور در استانهای ایران (سال ۱۳۵۵)

منطقه	کشور	زند	مردوزن	متولدان خارج از کشور	زند	مردوزن	متولدان خارج از کشور
کل کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
استان مرکزی	۲۰/۷	۲۰/۹	۲۰/۴	۲۰/۳	۴۷/۳	۵۳/۸	۱۰۰
استان گلستان	۴/۷	۴/۵	۴/۹	۴/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۹
استان مازندران	۷/۱	۶/۹	۷/۳	۷/۴	۲/۷	۲/۴	۲/۴
استان آذربایجان شرقی	۶/۵	۶/۵	۶/۴	۶/۸	۰/۹	۳/۰	۳/۰
استان آذربایجان غربی	۴/۲	۴/۲	۴/۱	۴/۹	۰/۹	۱	۱
استان یزد	۳/۱	۳	۱/۲	۱/۳	۱/۳	۸/۲	۸/۲
استان خوزستان	۴/۵	۴/۵	۶/۱	۶/۹	۹/۹	۹/۹	۹/۹
استان فارس	۴	۴	۴/۱	۴/۶	۲/۶	۲/۸	۲/۸
استان کرمان	۳/۲	۳/۲	۳/۳	۳/۴	۱/۷	۱/۶	۱/۶
استان خراسان	۶/۷	۶/۶	۶/۸	۶/۸	۸/۷	۸/۷	۸/۷
استان همدان	۵/۹	۵/۹	۵/۸	۵/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸
استان سیستان و بلوچستان	۲	۲	۲/۱	۲/۱	۱/۲	۱/۲	۱/۲
استان کردستان	۲/۳	۲/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴

ادامه جدول ۱۵.

منطقه		کشور	مردم	زند	مددگار خارج از کشور	زند	مددگار	مددگار خارج از کشور
استان همدان	۳/۲	۳/۳	۳/۲	۰/۶	۰/۶	۰/۶	۰/۶	۰/۶
استان چهارمحال و بختیاری	۱/۲	۱/۲	۱/۲	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
استان لرستان	۲/۸	۲/۷	۰/۸	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
استان آذربایجان	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
استان کهگیلویه و بویراحمد	۰/۷	۰/۷	۰/۷	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
استان بوشهر	۱	۱	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹
استان زنجان	۱/۷	۱/۷	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵	۰/۵
استان سمنان	۱/۵	۱/۵	۲/۶	۲/۶	۲/۶	۳/۶	۳/۶	۳/۶
استان گلستان	۱	۱	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴
استان هرمزگان	۱	۱	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴	۱/۴

جدول ۱۶ . درصد متوسطان خارج از کشور بر حسب استان در سال ۱۳۵۵

منطقه	مردوزن	مرد	زن
کل کشور	۰/۵۳	۰/۵۶	۰/۵
استان مرکزی	۱/۳	۱/۳	۱/۳
استان گیلان	۰/۲۲	۰/۲۳	۰/۲۰
استان مازندران	۰/۲	۰/۲۲	۰/۱۷
استان آذربایجان شرقی	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۱۶
استان آذربایجان غربی	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۱۲
استان باختیان	۰/۲۱	۰/۲	۰/۲۱
استان خوزستان	۰/۲۵	۰/۸۶	۰/۶۳
استان فارس	۰/۲۴	۰/۲۴	۰/۲۴
استان کرمان	۰/۲۶	۰/۳۰	۰/۲۳
استان خراسان	۰/۴۳	۰/۵۱	۰/۳۴
استان اصفهان	۰/۲۱	۰/۷۵	۰/۶۷
استان سیستان و بلوچستان	۰/۴۱	۰/۵۲	۰/۲۹
استان کردستان	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱
استان همدان	۰/۱۱	۰/۱۱	۰/۱
استان چهارمحال و بختیاری	۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۱۵
استان لرستان	۰/۰۹	۰/۱	۰/۰۸
استان ایلام	۰/۸	۰/۸	۰/۷۵
استان کهکلیویه و بویراحمد	۰/۰۸	۰/۱	۰/۰۶
استان بوشهر	۰/۴۷	۰/۶۳	۰/۳
استان زنجان	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۱۳
استان سمنان	۰/۹۴	۱/۲	۰/۷
استان یزد	۰/۷۹	۰/۸۶	۰/۷۲
استان هرمزگان	۰/۳۷	۰/۴۸	۰/۲۵

جدول ۱۷ : جمعیت شهری کشور و متولدان خارج از کشور حسب جنس و به تفکیک منطقه درسال ۱۳۵۵

منطقه	کشور	مردوزن	زند	متولدان خارج از کشور	زدن	مردوزن
کل کشور	۱۵۸۵۴۶۸۰	۸۲۹۱۴۶۱	۷۵۶۳۲۲۹	۸۲۰۰۴۰	۷۱۶۰۲	۴۲۳۶۱
استان مرکزی	۵۵۶۵۳۰۷	۲۶۴۵۴۷۰	۲۹۱۹۶۳۷	۸۴۰۹۸	۴۳۷۳۷	۴۲۳۶۱
استان کلیان	۴۶۱۳۵۸	۲۲۴۸۵۹	۲۳۴۴۹۶	۱۰۷۲	۹۰۸۷	۹۸۵
استان مازندران	۷۷۶۸۱۹	۲۷۵۸۶۲	۴۰۰۹۵۷	۲۸۸۲	۱۳۳۰	۱۳۳۰
استان آذربایجان شرقی	۱۱۸۸۲۹۲	۵۶۴۷۶۹	۲۱۳۸۷۳	۲۱۰۱۴	۱۷۷۹	۱۷۷۹
استان آذربایجان غربی	۲۳۲۸۴۱	۵۶۴۷۶۹	۲۱۳۸۷۳	۱۰۱۳	۵۱۰۴	۵۰۱
استان باختران	۴۴۱۸۸۵	۲۰۸۱۱۱۵	۲۰۸۱۱۱۵	۱۷۶۶	۹۰۴	۸۵۱
استان خوزستان	۶۶۲۴۸۲	۶۱۲۶۵۲	۱۲۵۲۸	۷۶۵۴	۵۸۷۴	۵۸۷۴
استان فارس	۸۷۷۲۷۶۸	۴۱۲۹۶۴	۴۱۲۹۶۴	۴۴۳۷	۲۲۸۹	۲۱۴۸
استان کرمان	۳۵۰۸۰۶	۱۶۸۵۴۰	۱۶۸۵۴۰	۱۲۳۲	۱۲۳۲	۹۹۹
استان خراسان	۱۲۴۵۲۵۸	۴۰۰۲۱۰۴	۴۰۰۲۱۰۴	۹۷۵۲	۵۵۴۴	۴۲۰۸
استان اصفهان	۱۲۴۱۹۰۴	۵۸۹۰۳۱	۵۸۹۰۳۱	۱۱۷۹۰	۶۴۲۱	۵۳۵۹
استان سیستان و بلوچستان	۱۶۲۸۵۴	۴۵۲۳۷۳	۴۵۲۳۷۳	۷۶۹۹۵	۷۳۳	۴۰۲
استان کردستان	۱۰۳۳۵۱	۸۵۸۵۹	۸۵۸۵۹	۸۷۰۲۴	۲۶۸	۲۹۳
استان همدان	۳۳۵۱۷۶	۱۷۰۸۳۴	۱۷۰۸۳۴	۱۵۳۴۴۲	۴۷۸	۴۰۹

ادامه جدول ۱۷

منطقه	مردوزن	کشور	مردوزن	زن	مردوزن	متردان خارج از کشور	زن	مردوزن
استان چهارمحال و بختیاری	۱۴۰۲۷۲	۷۱۹۶۶	۴۸۳۰۶	۴۱۸	۲۵۶	۱۶۲		
استان لرستان	۲۹۴۶۱۸	۱۵۴۱۷۷	۱۴۰۴۴۱	۶۲۱	۳۴۶	۲۷۸		
استان ایلام	۲۵۸۴۶	۲۲۷۴۹	۲۲۷۴۹	۹۱۰	۱۰۴	۷۹۴		
استان کهگیلویه و بویر احمد	۳۰۸۶۷	۱۶۸۲۰	۱۴۰۴۷	۶۷	۱۰۴	۳۷		
استان بوشهر	۴۳۵۶۹	۵۴۵۷۸	۴۶۱	۴۷۰	۴۷۰	۱۹۱		
استان زنجان	۱۳۴۶۱۳	۷۴۹۴۹	۶۹۵۶۴	۵۶۰	۲۹۴	۲۷۱		
استان سمنان	۱۹۰۲۵۴	۸۹۹۳۲	۱۰۰۳۲۲	۹۸۳	۹۸۳	۷۸۶		
استان همدان	۲۱۸۲۳۳	۱۰۷۰۱۷	۱۱۰۷۱۶	۱۲۵۳	۱۳۷۲	۱۱۱۹		
استان مرکزی	۱۲۳۴۶۲	۶۶۸۷۰	۵۴۰۹۲	۹۰۹	۱۳۵۸	۴۴۶		

جدول ۱۸ : توزیع جمعیت شهری کشور و توزیع مولدان خارج ازکشور مقیم نقاط شهری، بر حسب جنس و منطقه در سال ۱۹۵۰

ادامه جدول ۱۸.

منطقه		کشور		بیش از نصف مهاجران	
زن	مرد	مرد و زن	مرد و زن	زن	مرد
۰/۲	۰/۳	۰/۹	۰/۹	۰/۹	۰/۹
۰/۴	۰/۴	۱/۹	۱/۹	۱/۹	۱/۹
۱/۱	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳	۰/۳
۰/۱	۰/۲	۰/۲	۰/۲	۰/۱	۰/۱
۰/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۰/۳	۰/۰	۰/۷	۰/۷	۰/۰	۰/۰
۰/۴	۰/۰	۰/۹	۰/۹	۰/۰	۰/۰
۰/۴	۰/۰	۰/۹	۰/۹	۰/۰	۰/۰
۱/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱	۰/۱
۱/۱	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۱/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۱/۴	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰
۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰

جدول ۱۹ . درصد متولدان خارج ازکشور بر حسب استان در نقاط شهری (سال ۵۵)

منطقه	مردوزن	مسرد	زن
کل کشور	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۵
استان مرکزی	۱/۵	۱/۶	۱/۶
استان گیلان	۰/۴۵	۰/۴۶	۰/۴۳
استان مازندران	۰/۳۷	۰/۳۹	۰/۳۵
استان آذربایجان شرقی	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۳۱
استان آذربایجان غربی	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۲۳
استان باختران	۰/۴	۰/۳۹	۰/۴۱
استان خوزستان	۱/۰۶	۱/۵۵	۰/۹۶
استان فارس	۰/۵۱	۰/۵	۰/۵۲
استان کرمان	۰/۶۴	۰/۶۸	۰/۵۹
استان خراسان	۰/۷۸	۰/۸۶	۰/۷
استان اصفهان	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۱
استان سیستان و بلوچستان	۰/۷	۰/۸۵	۰/۵۲
استان کردستان	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۱۷
استان همدان	۰/۲۶	۰/۲۸	۰/۲۶
استان چهارمحال و بختیاری	۰/۳	۰/۳۶	۰/۲۴
استان لرستان	۰/۳۱	۰/۲۲	۰/۲
استان ایلام	۳/۵	۳/۵۲	۳/۴۹
استان کهکلویه و بویر احمد	۰/۳۴	۰/۴	۰/۲۶
استان بوشهر	۰/۵۵	۰/۷۳	۰/۳۵
استان زنجان	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۳۹
استان سمنان	۰/۹۳	۰/۹۸	۰/۸۲
استان یزد	۱/۱	۱/۱۲	۱/۰۴
استان هرمزگان	۱/۱	۱/۳۶	۰/۲۹

جدول ۲۰ . جمعیت روستایی کشور و متولدان خارج از کشور (سال ۱۳۹۵)

منطقه	مردمون	کشور		متولدان خارج از کشور	زدن
		مردم	زدن		
کل کشور	۱۷۸۵۴۰۶۴	۹۰۶۴۸۹۶	۸۷۸۹۱۶۸	۱۷۳۸	۹۶۶۷
استان مرکزی	۱۳۹۶۸۹۹	۷۰۹۴۳۲	۶۸۷۴۶۷	۳۹۰۲	۱۵۵۲
استان کهگیلویه و بویراحم	۱۱۲۰۵۱۷	۵۵۳۶۴۷	۵۶۶۸۷۰	۱۳۷۷	۷۴۶
استان همدان	۱۶۱۰۵۶۲	۷۹۶۲۳۴	۸۱۳۷۱۸	۱۷۹۱	۴۷۶
استان آذربایجان غربی	۲۰۰۹۱۳۹۳	۱۰۳۰۸۳۸	۹۷۸۶۶۵	۱۳۴۸	۳۹۳
استان آذربایجان شرقی	۹۶۰۸۹۰	۴۶۴۴۱۲	۴۶۴۳۷۸	۳۱۵	۲۹۳
استان پاکستان	۳۰۶۲۱۷	۳۰۶۲۱۷	۳۸۹	۲۰۲	۱۸۱
استان خوزستان	۹۱۲۰۰۹	۵۸۸۸۲۹	۴۴۳۴۸۸	۲۸۱۳	۷۸۴
استان فارس	۱۱۶۲۸۱۴	۵۸۶۴۳۷	۵۷۵۳۷۷	۳۳۸	۱۸۱
استان کرمان	۷۴۰۳۴۲	۳۷۱۹۱۱	۳۷۸۴۳۱	۴۳۰	۲۱۸
استان خراسان رضوی	۱۰۱۹۱۴۰	۱۰۰۳۹۸۶	۴۱۶۰	۲۹۲۲	۱۲۳۸
استان اصفهان	۳۷۰۲۹۱	۳۷۰۲۹۰	۳۷۰۲۹۰	۱۱۳۳	۹۳۳
استان سیستان و بلوچستان	۵۰۱۴۳۸	۲۴۶۳۱۵	۱۵۶۳	۱۰۲۵	۵۳۸

کشور		مردوزن		منطقه	
رتبه	مردوزن خارج از کشور	رتبه	مردوزن	رتبه	مردوزن
۹۸	۸۰	۱۷۸	۲۸۴۹۲۸	۳۰۷۱۳۷	ایران کردستان
۱۱۵	۱۳۲	۲۵۷	۳۶۵۶۳۴	۳۹۷۲۱۴	ایران همدان
۱۲۳	۱۹۰	۳۱۳	۱۲۴۱۷۳	۱۲۹۹۱۲	ایران چهارمحال و بختیاری
۲۶	۱۹۲	۳۰۷	۳۰۷۹۶۶	۳۳۱۳۵۵	ایران لرستان
۸۸	۱۳۲	۲۲۰	۹۴۸۰۲	۱۰۱۶۲۷	ایران یلام
۳۶	۵۰	۹۱	۱۰۴۳۰۴	۱۰۹۱۹۹	ایران کلکلوب و بویراحمد
۳۱۸	۶۶۲	۹۸۰	۱۱۴۹۲۲	۱۱۳۷۹۷	ایران بوشهر
۹۲	۲۱۱	۳۰۲	۲۱۱۹۳۳	۲۲۸۷۱۹	ایران زنجان
۸۸۲	۲۸۶۲	۱۵۰۱۸۷	۱۵۱۶۷۲	۴۳۵۹۵۷	ایران سمنان
۱۶۸	۲۸۷	۴۰۰	۷۰۰۶۱	۳۰۱۸۵۹	ایران گرد
۱۲۰	۳۵۲	۱۶۴۰۷	۱۷۱۵۷	۳۳۸۹۷۸	ایران مرزگان

جدول ۲۱ . توزیع جمعیت روستایی کشود و متولدان خارج از کشور روسستانشین ، بر حسب جنس و منطقه (سال ۱۹۵۰)

منطقه		کشور		محدودان خارج از کشور	
زد	سرد	زد	سرد	محدودز	زد
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳/۶	۱۴/۳	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸
۴/۱	۵	۴/۵	۱/۴	۴/۳	۴/۳
۶/۸	۶/۶	۸/۸	۸/۸	۹	۹
۴/۳	۳/۶	۴/۶	۱/۴	۱۱/۱	۱۱/۲
۲/۹	۲/۲	۵/۳	۵/۵	۵/۴	۵/۴
۱/۹	۱/۲	۳/۲	۳/۴	۳/۳	۳/۳
۷/۹	۱۱/۷	۱۰/۳	۱/۴	۱/۲	۱/۲
۱/۸	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۵/۱	۵/۱
۱/۴	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵
۱۲/۴	۱۱/۴	۱۱/۲	۱۱/۲	۱۱/۳	۱۱/۳
۹/۴	۷/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۱
۸/۴	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸	۷/۸

ادامه جدول ۲۱

مولدان خارج از کشور		کشور		منطقه
زن	مرد	مرد	مرد	
۰/۵	۰/۷	۳/۴	۳/۳	استان کردستان
۰/۸	۰/۹	۴/۲	۴/۲	استان همدان
۱/۱	۱/۱	۱/۴	۱/۴	استان چهارمحال و بختیاری
۰/۷	۰/۷	۳/۶	۳/۶	استان لرستان
۰/۸	۰/۸	۱/۱	۱/۱	استان آذربایجان
۰/۴	۰/۴	۱/۲	۱/۲	استان کرمانشاه و بویر احمد
۳/۲	۳/۸	۱/۲	۱/۲	استان بوشهر
۰/۹	۱/۳	۲/۴	۲/۴	استان زنجان
۱/۴	۱/۴	۱/۷	۱/۷	استان سمنان
۱/۷	۱/۷	۰/۸	۰/۸	استان گیلان
۱/۲	۱/۲	۱/۹	۱/۹	استان هرمزگان

جدول ۲۶. نسبت متولدان خارج ازکشور ساکن در نقاط روزتایی بر حسب استان در سال ۱۳۵۵

منطقه	مردوزن	مرد	زن
کل کشور	۰/۱۵	۰/۱۹	۰/۱۱
استان مرکزی	۰/۲۸	۰/۳۳	۰/۲۳
استان گیلان	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۱
استان مازندران	۰/۱۱	۰/۱۴	۰/۰۸
استان آذربایجان شرقی	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶
استان آذربایجان غربی	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶
استان باختران	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۶
استان خوزستان	۰/۳	۰/۴۳	۰/۱۸
استان فارس	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۳
استان کرمان	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۰۶
استان خراسان	۰/۲۱	۰/۲۹	۰/۱۲
استان اصفهان	۰/۳	۰/۳۳	۰/۲۶
استان سیستان و بلوچستان	۰/۳۱	۰/۴	۰/۲۲
استان کردستان	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳
استان همدان	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۳
استان چهارمحال و بختیاری	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۱
استان لرستان	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۲
استان ایلام	۰/۱۱	۰/۱۳	۰/۰۹
استان کهکیلویه و بویر احمد	۰/۰۴	۰/۰۵	۰/۰۳
استان بوشهر	۰/۴۳	۰/۵۸	۰/۲۸
استان زنجان	۰/۰۷	۰/۰۹	۰/۰۴
استان سمنان	۰/۹۵	۱/۳	۰/۵۹
استان یزد	۰/۳۳	۰/۴۲	۰/۳۴
استان هرمزگان	۰/۱	۰/۱۴	۰/۰۷

بیشتر مهاجران در شهرهای بزرگ مستقر هستند. اگر چند شهر بزرگ مانند تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز و کرج را در نظر بگیریم، می بینیم که مجموع جمعیت این شهرها حدود ۲۸٪ جمعیت کشور را تشکیل می دهد، اما تعداد مهاجران آنها حدود ۶۱٪ مهاجران کشور است و تهران که به تنها ۴۵٪ خود حدود یک هشتم جمعیت کشور را دارد، دونفر از هر ۶ نفر مهاجر خارجی را در خود جای داده است. این توزیع بر حسب موقعیت‌های جغرافیایی و شغل و میزان فعالیت‌های اقتصادی فرق می کند. برای نمونه در شهری مانند مشهد، ۵۰ هزار مهاجر وجود دارد که تعداد مردان مهاجر دوبرابر زنان است و در شهری مانند همدان که در سال ۵۵ حدود ۷۵۰ هزار نفر جمعیت داشته است، ۱۶ برابر کمتر از مشهد مهاجر خارجی داشته است و بالعکس شهری مانند قزوین با جمعیتی کمتر از همدان، تقریباً سه برابر آن مهاجر داشته است و نیز شهر بوشهر که یک سوم جمعیت همدان نفوس داشته است، به اندازه سه برابر آن مهاجر پذیرفته است و نسبت مهاجران به کل جمعیت، در شهرهایی مانند گرگان و بجنورد رشت حدود ۲۷٪ است. همان نسبتها در شهری مانند اصفهان به ۹۴٪، در اهواز به ۲۱٪ و بالاخره در خرم‌شهر به حداقل خود یعنی ۱٪ می رسد که بالاترین نسبت مهاجران را نسبت به جمعیت آن شهر تشکیل می دهد.

بنابراین، می بینیم که توزیع مهاجران با توزیع جمعیت کشور در مناطق جغرافیایی گوناگون همانگ نیست، به طوری که ۱۲ شهر ایران^۲ که جمعیتی معادل یک سوم جمعیت کشور را دارند، ۶۷٪ کل مهاجران را در خود جای داده‌اند، یعنی نقاط جاذب نیروی کار خارجی بیشتر متوجه قطب‌هایی است که به نحوی سرمایه‌گذاری‌هایی در صنعت و خدمات شده است و نیاز به نیروی کار خارجی دارند.

در جدول شماره ۲۳ تعداد جمعیت و شمار مهاجران در چند شهر بزرگ و چند شهر دیگر و نسبت مهاجران به جمعیت در آن شهرهای مشاهده می کنیم. ملاحظه می شود که از نظر حجم مهاجر، تهران بالاترین سهم مهاجران را داشته و از نظر نسبت مهاجران به جمعیت، شهر خرم‌شهر بالاترین رقم را دارا بوده است.

۱. در سال ۱۳۵۵

۲. ۱۲ شهر اولیه جدول ۲۳.

جدول ۲۳ . جمعیت چند شهر ایران و مهاجران شهرهادر سال ۱۳۵۵

نام شهر	جمعیت	مهاجران	نسبت جمعیت مهاجر به جمعیت شهر %
کل کشور	۳۲۷۰۸۷۴۴	۱۷۸۹۱۱	۰/۵۳
تهران	۴۶۸۹۴۹۷	۷۴۹۶۶	۱/۶
کرج	۴۳۹۰۱۹	۳۲۹۹	۰/۲۵
تبریز	۱۰۷۳۹۱۲	۳۳۰۸	۰/۳۱
اهواز	۴۹۶۴۶۸	۵۹۲۹	۱/۲
شیراز	۶۴۰۴۹۵	۳۱۲۳	۰/۴۹
مشهد	۱۰۹۷۱۴۲	۹۷۶۵	۰/۸۹
اصفهان	۱۰۳۳۱۷۹	۹۷۱۲	۰/۹۴
آبادان	۳۷۶۹۱۱	۲۱۹۸	۰/۵۸
خرمشهر	۲۲۵۶۳۳	۳۹۵۹	۱/۲۵
بوشهر	۲۳۹۵۸۸	۱۵۷۹	۰/۶۶
کرمان	۲۵۹۳۸۴	۱۱۳۷	۰/۴۴
قزوین	۵۳۶۵۸۷	۱۶۴۷	۰/۳۱
رشت	۴۴۲۴۹۵	۱۱۲۷	۰/۲۶
گرگان	۴۲۲۹۳۳	۱۲۴۰	۰/۲۹
جنورد	۲۳۵۷۶۰	۶۴۶	۰/۲۷
همدان	۶۸۱۹۴۱	۶۱۳	۰/۰۹

نسبت جنسی در کل کشور ۱۵۶/۱ است . در ۱۳ استان نسبت جنسی بالاتر و در بقیه استانها پایین تر بود . از این عدداً است و در دواستان گیلان و کرمان این نسبت کوچکتر از ۱۵۰ و بیانه عبارتی دیگر ، تعداد زنان بیشتر از مردان است . البته ممکن است عدد نسبتها با دقت سرشماری بواقعیت نزدیکتر شود ، چنانچه دقت در سرشماری ۱۳۴۵ بیشتر از سرشماری ۱۳۳۵ بوده است و ارزشیابی‌های این دو سرشماری از طریق آزمون‌های مختلفی از جمله نسبت مابرز ، و پهلو " J.S " (ماخذ شماره ۱۴) ، مطلب را تایید می‌کند و تاسال ۵۵ هم که تجربه کشور از نظر انجام سرشماری بیشتر شده دقت عیدنیز افزایش یافته است . با این حال ، تفاوت نسبتها متأثر از منطقه مهاجر فرست و مهاجر پذیرنیز می‌شود ، جنان که برای آن دسته از نقاط شهری و روستایی که مهاجر فرست و یا مهاجر جریب‌پذیر هستند ، این تفاوت‌ها بیشتر به چشم می‌خورد . در کل کشور نسبت جنسی در نقاط شهری بیشتر از نقاط روستایی است (۱۵۹/۶ در برآبر ۱۵۳/۰) . ملاحظه می‌گردد که برای نقاط شهری ۱۴ استان عدد نسبت از متوسط شهری بیشتر است . برای مثال ، نسبت جنسی در نقاط شهری استانهای که کیلویه و بویر احمد ، کردستان و هرمزگان به ترتیب ۱۱۹/۷ و ۱۱۸/۶ و ۱۱۸/۲ می‌باشد ، ولی نسبت جنسی نقاط روستایی این استانها از متوسط نسبت یا کمتر است و با افزایش چشمگیری از متوسط نسبت ندارد .

حال می‌بینیم که در ۱۴ استان ، نسبت جنسی در نقاط روستایی از متوسط نسبت بالاتر و در سایر استانها عده‌های پایین‌تری نشان داده می‌شود و در پنج استان گیلان ، مازندران ، کرمان ، بوشهر و یزد عدد نسبت پایین‌تر از ۱۵۰ است ، یعنی تعداد زنان بر مردان فزونی دارد .

ترکیب جنسی مهاجران نیز با ترکیب جنسی جمعیت کشور تفاوت دارد ، به طوری که نسبت جنسی برای کل مهاجران عدد ۱۱۹/۳ می‌باشد که از عدد مشابه جمعیت کشور بسیار بیشتر است . ولی زیادای این نسبت در نقاط شهری ، برای مهاجران در مقابل شهر نشینان کشور که عدد ۱۵۳ را دارایم خیلی جنسی مهاجران در روستا عدد ۱۷۴ می‌باشد که برای روستانشینان کشور که عدد ۱۵۳ را داراییم خیلی بالاست و می‌توان گفت که از هر ۲۷۴ نفر مهاجر ، ۱۷۴ نفر مرد و صد نفر زن بوده‌اند .

ترکیب جنسی مهاجران در استانهای نیز متفاوت از ترکیب جنسی جمعیت کشور است . یعنی با آنکه در استان مرکزی نسبت جنسی بیشتر از نسبت جنسی کل کشور است ، برای کل مهاجران این نسبت خیلی کوچکتر از نسبت جنسی آنها می‌باشد . به هر حال در ۱۴ استان کشور ، نسبت جنسی از کل نسبت جنسی بیشتر است و در استان بوشهر به حد اکثر خود یعنی ۲۲۲ می‌رسد که تقریباً " دو برابر متوسط نسبت جنسی " است . این نسبتها در استان هرمزگان ، سیستان و بلوچستان ، سistan نیز آشکارا در حد

بالاست ، و بر عکس برای کردستان عدد ۸۹ را داریم که تعداد زنان بیشتر از مردان مهاجر است ، حال ملاحظه می شود که نسبت جنسی برای نقاط شهری و روستایی تفاوت چشمگیری دارد (۱۱۲ در سراسر ۱۷۴) . در نقاط شهری ۴ استان ، نسبت جنسی بالاتر از عدد کل نسبت است که شدت آن در بوشهر (۲۶۰) و استان هرمزگان (۲۰۴) و سیستان و بلوچستان (۱۸۲) می باشد و کوچکی عدد همچنان برای استان کردستان ، آذربایجان غربی و باختران به چشم می خورد . اما برای نقاط روستایی که در آن دامنه تغییرات نسبت خیلی گسترده است ، تنها در ۸ استان نسبت جنسی بالاتر از عدد نسبت جنسی نقاط روستایی است که برای خوزستان ۲۵۹ و برای خراسان ۲۳۶ و برای زنجان ۲۲۹ و برای سمنان ۲۲۳ می باشد در استانهای کردستان (۸۲) ، آذربایجان شرقی (۱۰۰) ، آذربایجان غربی (۱۰۲) و باختران (۱۰۸) ، اعداد کوچکتری مشاهده می شود (جدولهای ۲۴ و ۲۵) .

بنابراین ، نسبت جنسی مهاجران در بیشتر نقاط روستایی استانهای مرزی ، به جز مرازهای غربی ، بالاست .

نامتعادل بودن ترکیب جنسی نسبت به جمعیت کشور معلوم می دارد که بافت جنسی جمعیت کشور با بافت جنسی مهاجران متفاوت است .

نسبتهای کوچک جنسی در نقاط روستایی بعضی از استانهای مoid مهاجرت نیروی کار است . به عبارت دیگر نیروی کار مرد ، که آسان تر از زنان امکان مهاجرت را دارد ، فرصتهای شغلی را در جای دیگر به جزو روستا می جوید و نیز جذب مهاجران خارجی به نقاط روستایی ، به عنوان نبود امکان فعالیتهای اقتصادی کند است و بنابراین ، مهاجران خارجی نیز به منظور فعالیت بیشتر برای کسب درآمد بالاتر اغلب به نقاط شهری جذب می شوند .

جدول ۲۴ . نسبت جنسی جمعیت و سه‌ماجران خارجی کشور بر حسب استانها (در سال ۱۳۵۵)

منطقه	کشند	مهاران	شهری	روستایی	کل	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	شهری	کل	روستایی
کل کشور	۱۰۶/۱	۱۰۹/۶	۱۰۳/۱	۱۱۱/۷	۱۱۹/۳	۱۱۱/۷	۱۱۹/۳	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷
استان مهرگانی	۱۰۸/۹	۱۱۰/۴	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲	۱۰۳/۲
استان گیلان	۹۹/۳	۱۰۳/۴	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷	۹۷/۷
استان مازندران	۱۰۶/۷	۱۰۶/۷	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹	۹۷/۹
استان آذربایجان شرقی	۱۰۷/۲	۱۱۰/۴	۱۰۵/۳	۱۱۳/۴	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳	۱۱۸/۳
استان آذربایجان غربی	۱۰۷/۵	۱۰۶/۹	۱۰۵/۹	۱۰۴/۳	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴	۱۰۵/۴
استان باختران	۱۱۰/۳	۱۱۲/۲	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷	۱۰۸/۷
استان خوزستان	۱۱۰/۲	۱۱۲/۱	۱۰۸/۱	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵	۱۱۰/۵
استان فارس	۱۰۷/۱	۱۱۱/۲	۱۰۵/۸	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴	۱۰۶/۴
استان کرمان	۹۹/۱	۱۰۱/۱	۹۹/۱	۱۰۵/۵	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳	۱۱۲/۳
استان خراسان	—	۱۰۴/۸	۱۰۴/۸	۱۰۵/۵	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷	۱۱۱/۷
استان اصفهان	۱۰۸	۱۰۳/۶	۱۱۰/۷	۱۱۱/۵	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶	۱۱۹/۶
استان سیستان و بلوچستان	۱۰۵/۵	۱۰۳/۴	۱۱۱/۵	۱۰۳/۴	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵	۱۹۰/۵
استان کردستان	۱۱۰/۴	۱۱۰/۴	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹	۸۹

منطقه	کشور	شهری	کل	شهری	کل	درستگاهی	شهریان	کل	درستگاهی
استان همدان	۱۰۹/۲	۱۱۰/۷	۱۰۸/۳	۱۱۶/۹	۱۱۸/۳	۱۲۳/۵	۱۲۳/۵	۱۵۴/۵	۱۵۴/۵
استان چهارمحال و بختیاری	۱۰۴/۹	۱۰۴/۶	۱۰۵/۴	۱۰۸/۳	۱۳۳/۲	۱۲۵/۸	۱۵۵/۳	۱۴۷/۷	۱۱۴/۴
استان لرستان	۱۰۸/۳	۱۰۹/۸	۱۰۷/۶	۱۰۸/۲	۱۱۳/۴	۱۰۸/۳	۱۵۲/۷	۱۵۲/۷	۱۸۱/۱
استان آذربایجان	۱۰۹/۳	۱۱۳/۴	۱۱۸/۲	۱۱۸/۱	۱۶۷/۱	۱۶۷/۱	۲۰۸/۲	۲۰۸/۲	۲۴۰/۱
استان کهگیلویه و بویر احمد	۱۰۶/۵	۱۱۹/۷	۱۰۴/۷	۱۶۷/۱	۱۶۷/۱	۱۸۱/۳	۲۲۲/۴	۲۲۲/۴	۹۹
استان بوشهر	۱۰۵/۲	۱۱۸/۳	۱۰۵/۷	۱۰۵/۷	۱۰۷/۶	۱۰۵/۲	۱۳۹/۱	۱۳۹/۱	۱۰۸/۴
استان زنجان	۱۰۶/۲	۱۰۷/۶	۱۰۷/۶	۱۰۷/۶	۱۱۱/۶	۱۲۶/۹	۱۲۵/۱	۱۲۵/۱	۲۲۲/۸
استان سمنان	۱۰۴/۹	۱۰۴/۹	۱۰۱	۱۰۱	۱۱۱/۶	۱۲۶/۹	۱۱۹/۲	۱۱۹/۲	۱۱۲
استان یزد	۱۰۱	۱۰۱	۱۰۳	۱۰۳	۱۱۸/۲	۱۷/۹	۱۲۰/۸	۱۲۰/۸	۲۰۱/۴
استان مرکزی	۱۰۶/۴	۱۱۸/۲	۱۰۲/۵	۱۰۲/۵	۲۰۳/۴	۱۹۳/۴	۱۲۰/۴	۱۲۰/۴	۱۱۲

%

۵۰/۳

۰ ۲ ۴ ۶ ۸ ۱۰ ۱۲ ۱۴ ۱۶ ۱۸ ۲۰ ۲۲ ۲۴ ۲۶ ۲۸ ۳۰ ۳۲ ۳۴ ۳۶ ۳۸ ۴۰ ۴۲ ۴۴ ۴۶ ۴۸ ۵۰ ۵۲ ۵۴ ۵۶ ۵۸ ۶۰ ۶۲ ۶۴ ۶۶ ۶۸ ۷۰ ۷۲ ۷۴ ۷۶ ۷۸ ۸۰ ۸۲ ۸۴ ۸۶ ۸۸ ۹۰ ۹۲ ۹۴ ۹۶ ۹۸ ۱۰۰

مرکزی

گیلان

مازندران

آذربایجان شرقی

آذربایجان غربی

باختران

خوزستان

فارس

کرمان

خراسان

اصفهان

سیستان و بلوچستان

کردستان

همدان

چهارمحال و

بختیاری

لرستان

ایلام

بویراحمد و

کهکیلویه

بوشهر

زنجان

سمنان

بزد

هرمزگان

جدول ۲۵۰ درصد جمعیت کشور بر حسب جنس و منطقه در سال ۱۳۵۵

منطقه		کشیده		مردم		سازمان	
نام	ردیف	زدن	مردوزن	زدن	مردوزن	زدن	مردوزن
کل کشور	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
استان مرکزی	۴۷/۳	۲۰/۴	۵۰/۳	۲۰/۹	۲۰/۲	۵۳/۸	۱۰۰
استان گیلان	۱/۹	۴/۹	۴/۶	۴/۷	۴/۷	۴/۹	۱/۹
استان مازندران	۲/۶	۷/۳	۶/۹	۷/۱	۷/۱	۷/۳	۲/۶
استان آذربایجان شرقی	۳/۴	۹/۶	۹/۶	۹/۵	۹/۵	۹/۶	۳/۴
استان آذربایجان غربی	۰/۹	۴/۱	۴/۲	۴/۲	۴/۲	۴/۱	۰/۹
استان باختر آذربایجان	۱/۱	۱/۲	۱/۲	۳/۱	۳/۱	۱/۲	۱/۱
استان خوزستان	۲/۶	۶/۵	۶/۵	۶/۵	۶/۵	۶/۵	۲/۶
استان فارس	۳/۶	۶	۶	۶	۶	۶	۳/۶
استان کرمان	۴/۱	۱/۶	۱/۶	۴/۱	۴/۱	۴/۱	۴/۱
استان خراسان	۴/۲	۳/۳	۳/۳	۴/۲	۴/۲	۴/۲	۴/۲
استان امپهان	۴/۸	۶/۶	۶/۶	۴/۸	۴/۸	۴/۸	۴/۸
استان بوشهر	۵/۶	۲	۲	۵/۶	۵/۶	۵/۶	۵/۶
استان ایلام	۶/۷	۱/۷	۱/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷	۶/۷
استان کهگیلویه و بویراحم	۷/۹	۱/۷	۱/۷	۷/۹	۷/۹	۷/۹	۷/۹
استان همدان	۸/۶	۱/۷	۱/۷	۸/۶	۸/۶	۸/۶	۸/۶
استان اصفهان	۸/۸	۲/۲	۲/۲	۸/۸	۸/۸	۸/۸	۸/۸
استان قزوین	۹/۲	۳/۳	۳/۳	۹/۲	۹/۲	۹/۲	۹/۲
استان چهارمحال و بختیاری	۹/۶	۳/۳	۳/۳	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۶
استان لرستان	۹/۷	۳/۳	۳/۳	۹/۷	۹/۷	۹/۷	۹/۷
استان کردستان	۹/۸	۳/۳	۳/۳	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۹/۸
استان آذربایجان غربی	۱۰/۱	۳/۳	۳/۳	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۰/۱	۱۰/۱

ادامه جدول ۲۵

کشیده		مددوزن		منطقه	
زدن	سرد	زدن	سرد	زدن	سرد
۰/۸	۰/۴	۰/۴	۲/۳	۲/۴	استان کردستان
۰/۶	۰/۶	۰/۶	۳/۲	۳/۲	استان همدان
۰/۳	۰/۴	۰/۴	۱/۲	۱/۲	استان چهارمحال و بختیاری
۰/۴	۰/۵	۰/۵	۲/۸	۲/۸	استان لرستان
۱/۱	۱/۱	۰/۷	۰/۷	۰/۷	استان ایلام
۰/۱	۰/۱	۰/۷	۰/۷	۰/۷	استان کهگیلویه و بویر احمد
۰/۶	۰/۹	۱	۱	۱	استان بوشهر
۰/۵	۰/۵	۱/۷	۱/۷	۱/۷	استان زنجان
۱	۲	۱/۸	۱/۸	۱/۸	استان سمنان
۱/۶	۱/۶	۱/۱	۱	۱	استان گلستان
۱/۲	۱	۱/۴	۱/۴	۱/۴	استان هرمند
استان هرمند					

۱۵. مشکلات ناشی از مهاجرت را چگونه می‌توان در ایران حل کرد؟

اگر بتوانیم به طور کلی، نیروی دافعه مبداء^۱ و نیروی جاذبه^۲ مقصدر از علل عدم مهاجرت محسوب داریم و مهاجرت روستاییان به سوی مناطق صنعتی و شهری و مهاجرتهای گروهی بزمینسای خواسته و تصمیمهای سیاسی^۳ و بالاخره مهاجرتهای بین قاره‌ای را از آن شمار بدانیم (که افزون بر آن، جایه‌جایی بین نقاط شهری و یا شهر به روستا نیز مطرح است)، درخواهیم یافت که این جریان از دیربار در تاریخ وجود داشته است و پس از این نیز همواره وجود خواهد داشت. اما راه جلوگیری از مسائل و نابسامانیهایی که این مهاجرتها پدید می‌آورند، خود موضوعی است که می‌بایست مورد بحث و بررسی قرار گیرد و شکل مطلوب آن پیشنهاد شود. اینجا خواهیم کوشید که پس از بازگویی موانع و دشواریهای ناشی از مهاجرت، به شناخت آن بپردازیم تا بتوان در تصمیم‌گیریهای مربوط به امور مهاجرت و سیاستگذاریهای متناسب با حرکتهای اقتصادی و اجتماعی کشور، با آنکه لازم به اقدام برداخت.

در مورد نیروی دافعه مبداء در زمینه مهاجرت از روستاه شهر، می‌توان از عواملی چون اصلاحات ارضی، اسکان عشاپر، شرکتهای کشت و صنعت، آبیاری و شرکتهای سهامی زراعی و تعاونی تولید نام برد. و در مورد نیروی جاذبه مقصد، می‌توان به عواملی مانند وجود ثروت ناشی از توزیع نامتعادل درآمد، افزایش درآمد نفت و درنتیجه اختلاف فاحش درآمدی شهر و روستا، اشتغال کاذب در شهرها، حمایت اقتصادی (از جمله خدمات)، و سرانجام ساختمان سازی در شهرها و ایجاد اشتغال در این زمینه، اشاره کرد. این گونه عوامل درگذشته تاثیر اساسی در جذب روستاییان و نیز کارگران و کارکنان کشورهای همسایه داشته‌اند.

حال اگر مهاجرت را به معنای اعم، عبارت از تغییر مکان جغرافیایی جمعیتها برای زمانی دراز و یا قطعی بگیریم (۳۲۵، ۷)، می‌بینیم که اطلاعات کلی این تغییر مکان در بعد زمانی و مکانی در سرشماریهای کشور موجود است و علل اظهار شده‌ای نیز درباره این تغییر مکان ارائه نشده است. منتهی باید دید انقلاب فنی و اقتصادی را که متناسب با شکل و درجه توسعه اقتصادی جمعیت در جا به جایی تاثیر می‌گذارد، چگونه می‌توان به زبان ارقام بیان کرد و یا به نتیجه‌گیری کیفی از آن پرداخت.

۱. معمولاً "برای کارکنان ساده، نیروی دفع از مبداء و برای کارکنان ماهر و متخصص، نیروی جذب مقصد عامل مهاجرت است که پدیده اخیر را فرامغزه‌هایی گویند."

۲. شامل پناهندهای سیاسی (les exodes politiques) نیز هست.

گرچه سرشماریها قسمتی لرا اطلاعات مربوط به جا به جایی را در اختیار ما قرار می‌دهد، ولی برای دستیابی به اطلاعات بیشتر، استفاده از آمارگیری‌های نمونه‌ای نیز بسیار مفید است، به هر حال شناخت دقیقی از وضع مهاجرت و مهاجران در ایران و نیز ابعاد مهاجرتهای داخلی و خارجی وجود ندارد، این عدم شناخت، بویژه در مورد مهاجرتهای خارجی، چه آنان که به نحوی ازکشور خارج می‌شوندو چه کسانی که به کشور ما می‌آیند، بیشتر به چشم می‌خورد.

روند مهاجرتها نشان دهنده آن است که هرساله جایه جاییها ابعاد گسترده‌تری می‌پابند.

جدول زیر، حجم مهاجران را طی ۲۰ سال ۱۳۴۵-۱۳۵۵ نشان می‌دهد.

جدول ۲۶. حجم مهاجران در سالهای سرشماریها

۱۳۵۵	۱۳۴۵	۱۳۳۵
۵/۲۳۰/۷۲۰	۳/۲۸۱/۳۱۵	۳۰۹/۹۶۵
%۱۵/۵	%۱۲/۲	%۱۱/۳

از جدول بالامی توان دریافت که اگر در سال ۱۳۳۵ حدود ۱۱٪ جمعیت جایه جا شده‌است، این نسبت پس از ۲۰ سال به ۱۶٪ جمعیت رسیده است. و یا طبق آمارگیری ۱۳۵۱ (وزارت کار- مرکز آمار) سالانه بیش از ۳۰۰ هزار نفر از نقاطهای به نقطه دیگر در داخل کشور جایه جا می‌شوند که این روند اکنون شدیدتر نیز شده است. در سالهای پس از انقلاب بویژه شاهدان هستیم که جمعیت بعضی از شهرها طی چند سال کوتاه بدو برابر افزایش پیدا کرده است که نمی‌تواند تنها ناشی از رشد طبیعی جمعیت آن شهرها باشد، بلکه عمدتاً "محلول مهاجرت" بوده است. درباره وضع و چگونگی مهاجران خارجی اطلاع کمتری داریم چرا که برای ثبت مهاجرت و جایه جایی افراد در ایران قانون ویژه‌ای وجود ندارد و بنا بر این سازمان یا دستگاهی نیز برای ثبت مهاجرت و جایه جایی افراد، بخصوص خارجیان مقیم ایران و یا ایرانیانی که از کشور جلای وطن می‌کنند، پیش‌بینی نشده است. البته آماری در زمینه ایرانیان مقیم کشورهای خارج وجود دارد، ولی تنها کنایی را در بر می‌گیرد که مراجعتی به نمایندگی‌های ایران در آن کشورها دارند و همه ایرانیان مقیم خارج را زیر پوشش ندارد، گرچه تعداد آنها به نحوی در آمار بعضی از کشورها منعکس است. در سال ۱۳۵۱ بررسی‌هایی در مورد کارکنان خارجی در ایران انجام گرفت و معلوم شد تعداد کسانی که بروانه کارداشتند تقریباً ۸۱ هزار نفر بوده‌اند که از ۹۳ کشور مختلف آمده‌بودند. در این بررسی ۱۷۰۰ مؤسسه یا شرکت که کارکن خارجی داشته‌اند بررسی شده‌اند. آن‌گاه طرحی تهیه شد تا از واحدهای مشمول "طرح" نمونه گیری شود و ویژگی‌های کارکنان خارجی در ایران شناسایی گردد. اهم

کشورهای مهاجر فرست عبارت بودند از ۱۱ کشور کره، هندوستان، پاکستان، انگلیس، آمریکا، زاپن، ایتالیا، فیلیپین، آلمان، شوروی و فرانسه. افزون بر این عدد، حدود ۴۵ تا ۶۰ هزار نفر در صنایع نظامی و یا امور نظامی کار کرده‌اند که از کم و کیف آنان خبری نداشتمایم و کلا" از تعداد افراد خانوار خارجیان نیز اطلاعی در دست نبوده است. گرچه در اداره اشتغال اتباع بیکانه آمارهای گزارشی کارگران خارجی تهیه می‌شود، ولی این کافی نیست که مهاجران را تنها از بعد اقتصادی بررسی کنیم، بلکه عوامل اجتماعی نیز گاهی به شدت در کوچ افراد از کشوری به کشور دیگر تاثیر دارند. برای مثال اگر در سالهای ۵۷ تا اوایل ۵۸ حدود ۴۰۰ هزار افغانی در ایران وجود داشته‌اند، اینک این رقم به سه تا چهار برابر رسیده است که گرچه عوامل اقتصادی در این جا به جایی نقش عمده‌ای داشته‌اند ولی بروز تحولات سیاسی در منطقه و درون مرزهای افغانستان در تشدید این حرکت مؤثر بوده است. چنان‌که دیده می‌شود، طی چند سال یک کشور سهم عظیمی از نیروی کار خود را از دست می‌دهد^۱ و این انبوه جمعیت به کشور دیگری تحمیل می‌شود و در بی آن مسائل و مشکلاتی در زمینه بیکاری نیروی کار داخلی پدید می‌آید. بخصوص که اگر حجم مهاجرت، خارج از ظرفیت‌های اقتصاد کشوری باشد و در صورت پناهندگی نیز سازمان ملل نقش فعالی نتواند ایفا کند، در کشور مهاجر پذیر گرفتاریهایی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی به وجود خواهد آمد.

۱. با در نظر گرفتن تعداد افغانیهایی که در پاکستان نیز مقیم شده‌اند.

در بررسیهای مهاجرت مهم است که مبدأ و مقصد مهاجرت معلوم باشد. اما این گونه اطلاعات برای کشور مایا وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد بیشتر برایه حدس و کان است و یا پوشش کامل ندارد و ناقص است. برای مثال در سرشماری ۱۳۳۵ مولدان خارج از کشور مقیم ایران بر حسب محل تولد آمارگیری شده اندکه بیشترین ارقام به ترتیب متعلق به کشورهای شوروی، عراق، ترکیه، آمریکا، هند، آلمان، پاکستان، فرانسه و افغانستان بوده است و حتی توزیع آنها بر حسب محل تولد در استانهای مختلف معلوم شده است. در سایر سرشماریهای این حدنعمی توان آماری از مولدان خارج از کشور داشت و از مهاجران ایرانی به سایر کشورهای نیز اطلاعات دقیقی در دست نیست و تنها نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران آمارهای ایرانیان را که به این نمایندگیها مراجعه می‌کنند در دست دارند، در حالی که می‌دانیم تعداد زیادی از مهاجران یا زگذشتنهای دور در کشورهای خارج به سرمی برنده و یا به این نمایندگیها مراجعه نمی‌کنند. البته این گونه آمارهای اداره مهاجران خارجی در بیشتر کشورهای تهیه می‌کنند و یادربایانی اطلاعاتی سرشماری کشورها وجود دارد که می‌توان درخواست کرد و به تدریج آنها اگر دارد. نمونه‌ای از این اطلاعات در این بخش خواهد آمد. در مورد مهاجران داخلی نیز، اگر مقدار شهر و روستا بگیریم، بر حسب داده‌های سرشماری سال ۵۵ از هر ۵ نفر مهاجر یک نفر به روستا و ۴ نفر به شهر مهاجرت کرده‌اند (جدول ۲۷).

جدول ۲۷. مقصدمهاجرتهای داخلی بر حسب منطقه در سالهای سرشماری (بهزار نفر)

۱۳۵۵		۱۳۴۵		۱۳۳۵		مقصد مهاجرت
%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	
۱۰۰	۵۲۲۱	۱۰۰	۲۲۸۱	۱۰۰	۲۰۸۱	جمع
۸۲	۴۲۹۱	۷۹	۲۵۸۵	-	-	مناطق شهری
۱۸	۹۴۰	۲۱	۶۹۶	-	-	مناطق روستایی

جا به جایی در سال ۴۵ نیز تقریباً مانند سال ۵۵ بوده است، منتظری سهم جایه جا شدگان به سوی شهرها کمتر از سهم مشابه برای سال ۵۵ بوده است. سیم مهاجرت‌های این سی دهکه جایی به استانهای مرکزی، خوزستان، مازندران، اصفهان و خراسان بیشتر انجام گرفته است و این استانها جاذب مهاجر

بوده‌اند. این روند در بیشتر موارد با توزیع مهاجرت‌های خارجی در استان‌هایی متناسب است، بخصوص استان‌هایی که جمعیت شهری آنها نسبت به جمعیت روستایی فزونی دارد. برای مثال در سال ۱۳۳۵ به میزان ۴۴٪ مقصده کل مهاجران داخلی استان مرکزی بوده است (جدول ۲۸)، و نیز ۵۵٪ کل متولدان خارج از کشور در آین استان اقامت داشته‌اند. در سال ۱۳۴۵ به میزان ۵۳٪ مقصده مهاجرت‌های استان مرکزی بوده است (جدول ۲۹)، و در سال ۵۵ نیز حجم مقصده مهاجرت برای استان مرکزی در حد ۴۷٪ کل مقصده مهاجرت‌های داخلی حفظ شده است (جدول ۳۰). گرایش خارجیان به اقامت و یا کار در استان‌های پادشه به حدی است که تراکم عده‌آنان در این استان‌ها قرار دارد. برای نمونه، در سال ۵۵ اکثر کارکنان خارجی در نقاط شهری مستقر بوده‌اند، یعنی کمی بیش از یک‌سوم کارکنان خارجی در تهران (۳۸٪) و یک سوم دیگر در خوزستان و اصفهان و بوشهر بوده‌اند. رشد سرمایه‌گذاری در این استان‌ها نیز بکمی از عوامل جذب است، به علاوه، چه برای مهاجرت‌های داخلی و چه خارجی، پایین بودن درآمد سرانه در مبدأ، انگیزه‌های اصلی مهاجرت را تشکیل می‌دهد و بویژه موجب نقل مکان نیروی کار به کشور مقصده می‌شود.

جدول ۲۸ . مقصد مهاجرت یا توزیع مهاجران بر حسب استانها در سال ۱۳۳۵ (هزار نفر ر)

مقصد مهاجرت	مهاجران داخلی		متولدان خارج از کشور		مبدأ مهاجرت داخلی	
	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد
کل کشور	۱۰۰	۲۰۸۱	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۲۰۸۱
استان مرکزی	۱۲/۶	۲۶۲	۵۴/۷	۲۴/۶	۲۱/۳	۹۲۲
استان گیلان	۱۰/۷	۲۲۱	۲/۴	۱/۱	۲/۶	۵
استان مازندران و گرگان	۷/۲	۱۴۹	۴/۹	۲/۲	۶/۲	۱۲۹
استان آذربایجان شرقی	۱۵/۸	۳۲۹	۶/۷	۳	۲/-	۴۲
استان آذربایجان غربی	۱/۹	۳۹	۳/۷	۱/۷	۴/۳	۸۹
استان ساخته ایان	۸/۵	۱۷۶	۲/۲	۱	۲/۹	۸۱
استان کردستان	۱	۲	۰/۴	۰/۲	۱/۲	۲۴
استان خوزستان و لرستان	۹/۱۱	۱۹۰	۱۱/۱	۵	۱۷/۶	۳۶۷
استان فارس و بنادر	۹/۶	۲۰۰	۰/۹	۰/۴	۶/۷	۱۴۵
استان کرمان	۲	۶۳	۰/۴	۰/۲	۱/۸	۳۸
استان خراسان	۸/۳	۱۷۳	۹/۱	۴/۱	۶/۲	۱۲۹
استان اصفهان و یزد	۱۱/۱	۲۳۱	۱/۳	۰/۶	۲/-	۴۱
استان سیستان و بلوچستان	۱/۲	۲۵	۱/۶	۰/۲	۱/-	۲۰

جدول ۲۹ . توزیع مهاجران داخلی بر حسب مقصد مهاجرت (استانی) به تفکیک نقاط شهری
وروستایی در سال ۱۳۴۵ (ارقام به هزار نفر)

روستایی		شهری		جمع		مقصد مهاجرت
%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	
۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۲۵۸۵	۱۰۰	۳۲۸۱	کل کشور
۲۰/۳	۱۴۱	۶۱/۷	۱۵۹۴	۵۳	۱۷۳۵	استان مرکزی
۵/۲	۳۶	۲-	۵۱	۲/۲	۸۲	استان گیلان
۲۷/۴	۱۹۱	۴/۴	۱۱۲	۹/۲	۳۰۳	استان مازندران
۴	۲۸	۲/۸	۷۲	۳/۱	۱۰۰	استان آذربایجان شرقی
۴/۷	۱۳	۱/۹	۵۰	۲/۵	۸۳	استان آذربایجان غربی
۳/۲	۲۶	۱/۸	۴۶	۲/۲	۷۲	استان باختران
۷/۹	۵۵	۱۰/۴	۲۶۸	۹/۸	۳۲۳	استان خوزستان
۴/۴	۳۱	۲/۴	۶۲	۲/۸	۹۳	استان فارس
۲	۱۰	۰/۹	۲۲	۱/۱	۳۲	استان کرمان
۷/۸	۵۴	۵/۲	۱۳۴	۵/۷	۱۸۸	استان خراسان
۲/۹	۲۰	۲/-	۵۱	۲/۲	۷۱	استان اصفهان
						استان سیستان و بلوچستان
۱	۷	۰/۸	۲۲	۰/۹	۲۹	
۲/۴	۱۷	۰/۶	۱۵	۱	۳۲	استان کردستان
۱/۴	۱۰	۰/۵	۱۴	۰/۲	۲۴	استان همدان
						استان چهارمحال و بختیاری
۰/۴	۳	۰/۱	۳	۰/۲	۶	
۱/۶	۱۱	۱	۲۵	۱/۱	۳۶	استان لرستان
۰/۶	۴	۰/۱	۲	۰/۲	۶	استان آیلام و پشتکوه
						استان کهکیلویه و بویر احمد
۰/۴	۳	۰/۲	۶	۰/۳	۹	
۰/۶	۴	۰/۴	۱۰	۰/۴	۱۴	استان بوشهر
۰/۴	۳	۰/۴	۱۱	۰/۴	۱۴	استان سمنان
۰/۹	۶	۰/۴	۱۱	۰/۵	۱۷	استان هرمزگان

جدول ۳۰ . توزیع مهاجران داخلی بر حسب مقصد مهاجرت (استانی) به تفکیک نقاط شهری و روستایی (سال ۱۳۵۵) (جمعیت به هزار نفر)

روستایی	شهری		جمع		مقصد مهاجرت	
	%	تعداد	%	تعداد		
۱۰۰	۹۴۰	۱۰۰	۴۲۹۱	۱۰۰	۵۲۲۱	کل کشور
۱۲/۵	۱۲۷	۵۴/۱	۲۲۲۰	۶/۸	۲۴۴۷	استان مرکزی
۳/۹	۳۷	۲/۴	۸۵	۲/۳	۱۲۲	استان گیلان
۱۶/۳	۱۵۳	۴/۲	۱۸۰	۶/۴	۲۲۳	استان مازندران
۳/۴	۳۲	۳/۴	۱۴۵	۳/۴	۱۷۷	استان آذربایجان شرقی
۵/۱	۴۸	۱/۸	۷۹	۲/۴	۱۲۷	استان آذربایجان غربی
۳/۲	۳۰	۱/۹	۸۱	۲/۱	۱۱۱	استان باختران
۱۲/۹	۱۲۱	۹/۲	۳۹۵	۹/۹	۵۱۶	استان خوزستان
۶/۵	۶۱	۳/۶	۱۵۳	۴/۱	۲۱۴	استان فارس
۴/۸	۴۵	۱/۳	۵۷	۱/۹	۱۰۲	استان کرمان
۷/۸	۷۲	۵/۹	۲۵۵	۶/۲	۳۲۸	استان خراسان
۳/۵	۳۳	۴/۷	۲۰۲	۴/۵	۲۳۵	استان اصفهان
						استان سیستان و بلوچستان
۱/۲	۱۱	۱/۴	۶۷	۱/۴	۷۳	استان کردستان
۱/۱	۱۰	۰/۸	۳۶	۰/۹	۴۶	استان هرمزگان
۱/۴	۱۳	۰/۹	۳۹	۱	۵۲	استان بوشهر
۱/۷	۱۶	۰/۷	۲۸	۰/۸	۴۴	استان چهارمحال و بختیاری
۰/۳	۳	۰/۲	۷	۰/۲	۱۰	استان زنجان
۰/۶	۶	۰/۳	۱۴	۰/۴	۲۰	استان لرستان
۱/۴	۱۳	۱	۴۱	۱	۵۴	استان همدان
۲/۴	۲۳	۰/۷	۲۹	۱	۵۲	استان یزد
۰/۶	۶	۰/۵	۲۲	۰/۵	۲۸	استان آیلام
۱/۸	۱۲	۰/۲	۸	۰/۵	۲۵	استان سمنان
۰/۶	۵۳	۰/۹	۴۰	۱/۸	۹۳	استان کهگیلویه و بویر احمد
۱/۱	۱۰	۰/۳	۱۳	۰/۴	۲۳	

۱۷. علل مهاجرتهای داخلی و خارجی

انگیزه‌های مهاجرت را زنای آمارگیریهای نمونه‌ای می‌شواند به دست آورد، زیرا علل مهاجرت در سرشماریها منعکس نیست. علاوه بر آن، مهاجرت بعد مکانی در قلمرو شهرستان نیز مشخص نمی‌تواند باشد فقط می‌توان کسانی را که شهرستان را ترک کرده‌اند شمارش کرد. در سال ۱۳۵۵ از هر ۵ نفر مهاجرت نفر در محیط روستا و ۴ نفر در شهرها مستقر شده اند و سوی مکانی آنها از محیط‌های کوچک به سوی محیط‌های بزرگتر بوده است. آمارگیریهای نمونه‌ای (ماخذ شماره ۱۶) سالهای ۱۳۴۳ و ۱۳۵۱ (ماخذ شماره ۱۲) نیز نشان می‌دهد که از هر چهار نفر مهاجر، ۳ نفر در محیط شهری غیر از شهرزادگاه و ۱ نفر در محیط شهرستان مستقر شده است. با توجه به آمارگیریهای نمونه‌ای ۱۳۴۳ و ۱۳۵۱، مهمترین علل مهاجرت ریشه‌های اقتصادی داشته‌اند، یعنی یابیکارانی بوده‌اند که برای جستجوی کار به محیط‌های شهری رفت و پس از شغل‌گیری داشته‌اند، و یا اینکه به منظور "کار دیگر" و "کار بهتر" به مهاجرت پرداخته‌اند. البته ازدواج نیز نقشی در جایه‌جایی داشته است. به طور اهم، آنچه که در آمارگیری اول نیمی از مهاجران به عنوان علل جایه‌جایی ذکر کرده‌اند، همان "کار دیگر یا کار بهتر" است. ولی در سال ۱۳۵۱ بیش از نیمی از مهاجران تبعیت از خانوار را دلیل جایه‌جایی ذکر کرده‌اند که در حقیقت مهاجرت را به صورت پدیده‌ای خانوادگی جلوه می‌دهد و نشانگر هجوم خانوارهای روستایی به شهرهاست. در این مورد نیز، علت اصلی همان انگیزه‌های مالی برای سپری است خانوار است، با توجه به اینکه معمولاً روستایی‌ها نکام مهاجرت کمتر به حفظ افراد خانوار خود در زادگاه خودشان داده است. تحصیل نیز ۱٪ از مهاجرتهای داخلی را سبب شده است و انتقال سهمی معادل ۸٪ در آمارگیری اول و ۵٪ در آمارگیری دوم را به خود اختصاص داده است.

بنابراین، انگیزه‌های مهاجرت بیشتر در جهت:

۱. گرفتن کار و یا تغییر شغل قبلی به شغل بهتر برای مزد بیشتر، و
۲. دستیابی به محیط زیست و مسکن بهتر و استفاده از امکانات رفاهی بیشتر است. این عوامل چه بسیار باشد و چه بمناسق، مسائل و دشواری‌هایی را برای جامعه شهری و توسعه شهری پدید می‌آورند، گرچه در کنار آن باعث رونق کاذب اقتصاد شهری نیز می‌شوند. شواهدی که برای این مدعای وجود دارند عبارتند از نیروی کار اضافی در روستا، بیکاری، اختلاف سطح درآمد در مناطق روستایی و شهری، فالصله میان ارزش افزوده بخش کشاورزی و بخش صنعت و تفاوت میزان سرمایه‌گذاری‌ها در آینه دو بخش است.

نیروی کار اضافی در روستا به صورت بیکاری و بیکاری فصلی نمایان می‌شود و این از آن نرخ است که کشاورزی گسترشی متناسب با رشد جمعیت روستایی را نداشته است^۱ و یا متناسب با هدفهای توسعه اقتصادی و اجتماعی نبوده و یا اختلاف مزد (ماخذ شماره ۵) و درآمد در شهر و روستا آنچنان زیاد بوده است که کارکن، کار در محیط شهری را ترجیح می‌داده است.

۱. گسترش سطح زیرکشت و میزان ذخیره آبی و سهره برداری از آنها، بارش‌جمعیت روستایی هماهنگ نیست.

به عنوان مثال، "اختلاف سطح درآمد مناطق روستایی و شهری در سالهای اخیر (سالهای قبل از ۵۵)، (ماخذ شماره ۱۲۵) فرونی یافته و در حال حاضر نسبت اختلاف ۱ به ۹ می باشد" به علاوه ارزش افزوده بخش صنعت و بخش کشاورزی باید گیر فاصله بسیار داشتند. تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی، در سال ۶۵ نسبت به سال ۴۱ تقریباً ۴ برابر شده است (ماخذ شماره ۶) در حالی که ارقام مشابه برای بخش صنعت و خدمات به ترتیب ۳۲ برابر و ۱۷ برابر می باشد. حتی اگر ارزش افزوده بخش هارا به قیمت ثابت در سال ۶۶ در نظر بگیریم^۱ نسبت به سال ۶۶ بخش کشاورزی ۸/۰٪ رشد داشته است، حال آنکه در گروه نفت ۸/۶٪ و صایع و معادن ۵/۵٪ و خدمات ۱/۱٪ رشد مشاهده می شود.

میزان سرمایه‌گذاری نیز در پایان سال ۱۳۵۶ نسبت به سال ۴۱، در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، به ترتیب ۱۱ برابر و ۱۲۵ برابر شده است، در حالی که نسبت اشتغال در این سه بخش که در سال ۴۱ به ترتیب ۴۹، ۴۲ و ۲۴٪ بوده است، با تغییرات جزئی به سود بخش صنعت و خدمات و درجهت کاهش اشتغال بخش کشاورزی، در سال ۶۵ به ۳۴٪، ۳۲٪ و ۳۱٪ رسید. بدین گونه، بخش کشاورزی نتوانسته است نیروی کار را که سالانه در روستا وارد بازار کار می شود، جذب کند و آن را در روستا نگهدارد که این خود عامل دفع نیروی کار کشاورزی از روستا شده است.

در استانهای که سطح درآمد پایین است، تراکم زیستی بالاست که در نتیجه درآمد نفاطر روستایی را به مراتب پایین تر نگاه می دارد. برای مثال، در استانهای هرمزگان، سمنان، یزد، کرمان و سیستان و بلوچستان (ماخذ شماره ۱۵)، نسبت جمعیت به اراضی کشاورزی به ترتیب ۷۲/۱۴، ۴/۵، ۴/۳، ۴/۷ و ۲/۲۲ می باشد و در صد جمعیت روستایی این استانهای نسبت به استان به ترتیب ۷۵/۵، ۶۸، ۳۸، ۶۲، ۷۲ است. در عوض، در استانی مانند خوزستان که نسبت جمعیت روستایی آن از ۴۲ تجاوز نمی کند، نسبت جمعیت روستایی به اراضی زیرکشت برابر با ۵/۰ است و با استانهای گیلان و مازندران این نسبت هارا در حد ۳/۳۷ و ۵/۰۷ نگهدارشده است. یعنی در استانهای دسته اول، به فرض که بازدهی زمین کشاورزی هم خوب باشد - که می دانیم نیست - تعداد نفرات به ازای هر هکتار آن قدر زیاد است که میزان درآمد کاف گذران زندگی را نمی کند و بنابراین، در بهدری روستانشینان این استانها اجتناب ناپذیر می نماید. اما در استانهایی مانند گیلان و مازندران گرچه تراکم زیستی کمی بالاست، در عوض، میزان برداشت محصول و توزیع آن به مرکز مصرف نیز با قیمت‌های بالا ممکن نباید.

کسری شفعالیت‌های صنعتی و فرار نیروی کار کشاورزی و روآوردن این نیروی ارزان به بخش صنعت و ساخته نیاز اعماقلی هستند که جای جایی افراد از روستا به شهر را موجب شده اند. این فعالیت‌ها، گذشته از جایه جایی داخلی جمعیت موجب شدند که از اکثر کشورهای جهان کارگرانی در سطح ما هر و نیمه ما هرود ربعی از موارد غیر ما هر خدماتی، به این کشور رواورند. در سال ۶۵ که نگارنده بررسیهایی در مورد کارکنان خارجی در ایران

۱. برآورد سازمان برنامه برای سال ۱۳۶۱.

(مأخذ شماره ۱۹) انجام می داد که بیشتر شامل فعالیتهای ۱۷۰۰ شرکت و موسسه خصوصی و نیمه دولتی بود، مشاهده گردید که حدود ۸۱ هزار نفر از ۹۶ کشور به ایران آمده بودند و اکثرشان در فعالیتهای صنعتی و خدماتی و به طور مجاز در این کشور مشغول کار بودند. و این، صرف نظر از رقم قابل ملاحظه ای است که به عنوان فعالیتهای نظامی، در ایران مقیم بوده اند که تعداد شان بیشتر از نصف کارکنان دارای پروانه کار سوده است (وما پیش از این به آن اشاره کردیم). امدرسالهای اخیر، ضوابط آمدن خارجیها به ایران براساس معیارهای جدید از جمله نیازکشور تنظیم شده است. یعنی در حال حاضر، خارجیها در چارچوب نیازهای جمهوری اسلامی و باتایید نیاز به خدمات افراد خارجی و اجدشتراحت توسط سازمانها و وزارت خانه های مانند وزارت بازرگانی و یا صنایع و با موافقت نامه وزارت کار و وزارت امور خارجه می توانند برای انجام کار معین و دوره معین به ایران سفر کنند که اکثرا "نیز پس از پایان کار خود بازی می گردند، و گاهی نیز به افراد دیگری در ارتباط با مسائل جنگ تحملی اجازه اقامت در ایران می دهند که حالت دائمی نخواهد داشت. بالعکس بعضی از ایرانیان از جمله اقلیت‌ها، ترک تابعیت می نمایند و به کشورهای دیگرها جرت می کنند. ضوابط موجود ممکن است جریان مهاجرت را متوقف نکند، چون نقش مهاجرت به منظور دستیابی به ارزشها و معنوی و یا مالی بر حسب هدف مهاجرت نفی نیست، بخصوص در دین اسلام مهاجرت جهت تعقیب هدفهای والاتاکید شده است و بنابراین، لااقل این جایه جایها میان مسلمین در بلاد اسلامی با غیر اسلامی همچنان وجود خواهد داشت، به طوری که کشور ما پس از تحولات کشور افغانستان پذیرای گروه کثیری از افغانیها شد. است و یا بر اثر اعمال سیاستهای کشور عراق عده‌ای دیگر از مسلمانان (چه ایرانی الاصل و چه غیره) به کشور ما روی آوردند، و یا بر اثر تحولات خاور نزدیک افرادی حتی از لبنان و سایر کشورهای عربی به ایران مهاجرت کرده‌اند و می کنند.

گرچه ممکن است فاصله در آمد ها بر حسب استانها و مناطق و نسبت به محیط شهر و روستا بخصوص بخش فعالیت، شدت و ضعف داشته باشد، ولی کل مطلب را که وجود فاصله در آمدی است نفی نمی کند، چرا که فردگاهی در آمد بیشتر را ترجیح می دهد و در بیشتر از مسائل سیاسی (چه ایرانی الاصل و چه غیره) به کشور ما این مطلب در مردم مهاجرت افغانیها به ایران نیز (گذشته از مسائل سیاسی) صادق است. یک کارگر ساده افغانی در نقاط شهری افغانستان از جمله پایتخت آن (کابل) روزانه حدود ۲۵۰ "افغانی" (واحد پول افغانستان) دستمزد دارد. همین کارگر در شهری مانند تهران ۲۵۰ تومان دستمزد می گیرد که تقریباً "اگر هر افغانی را معادل یک تومان ایران بگیریم" در آمدی حدود ۸ برابر دارد. بدین ترتیب، هر افغانی پس از چند سال کار در ایران چه بسابقه اجتماعی خود را باتکیه بر درآمد حاصله، پس از مراجعت به کشور خود تغییر دهد و جزء افراد معرفه در آید.

مسئله بعدی، وجود بیکاری فصلی است که روستاییان را به شهر می کشانند. روستایی با چند ماه

کار در شهر معادل چند برابر در آمد سالانه خودش از روستا ، دستمزد می گیرد و این جاذبه در آمدن قدری ، وی را بمندرجی در شهر و کوچ به آن جا مصمم می کند .

صرف نظر از امکانات آموزشی برای فرزندان ، مسئله تغییر محیط زیست و جنبه های رفاهی ، بخصوص مسکن بهتر و خدمات شهری ، موجب شرگیب روستاییان به کندن از روستاست . آمارهای موجود نشان می دهد که توجه دولت از نظر مسکن و خدمات رفاهی ، به شهرهای بیشتر از روستاهای بوده است . البته نمی توان گفت که گسترش این گونه خدمات در شهرها و روستاهای تو اندیشه یک انداره باشد ، ولی میزان اختلاف نباید آنقدر زیاد باشد که سهم روستا در تخصیص منابع ناچیز گردد . برای مثال ، در دوره ۵ ساله عمرانی چهارم از کل سرمایه گذاری برای مسکن ، تنها ۴٪ آن به مناطق روستایی اختصاص داشته است . و این رقم تنها ۲/۴٪ کل سرمایه گذاری در بخش ساختمان را تشکیل می داده است و در سالهای بعد نیز ، سرمایه گذاری ساختمانی بخش خصوصی در ساختمان و مسکن در مناطق روستایی ، حدود ۲/۵٪ مجموع سرمایه گذاری این بخش را در کشور تشکیل می داده است . برابر آمار وزارت نیرو ، در سال ۱۳۵۵ ، تنها ۲٪ روستاهای ۳٪ جمعیت روستانشین از برق استفاده می کرده است ، حال آنکه ۹۰٪ شهرنشینان از این امکان برخوردار بوده اند و پس از گذشت چند سال در پایان سال ۱۴۰۶ ، مجموعاً ۱۷۲۰ روستاداری برق هستند .

در زمینه بهداشت ، تنها ۱٪ روستاهای حمام بهداشتی داشته اند و تنها ۵٪ خانوارهای روستایی دارای آبلوکه کشی بوده اند که این رقم برای جامعه شهری به محدود ۷۵٪ می رشد . امکانات درمانی شهر و روستا نیز بسیار متفاوت است . شهر تهران با ۱٪ جمعیت کشور ، ۵٪ امکانات درمانی را به خود اختصاص داده است . بنابراین ، امکانات درمانی در روستاهای کشور محدود است و حتی از حداقل استاندار دلaczem نیز برخوردار نیست .

آمارهای ۱۳۶۰ در مورد برق ، آبلوکه کشی ، گرما به ، غسالخانه ، تاسیسات آموزشی ، تاسیسات درمانی و مسجد و حسینیه برای آبادی های ایران (ماخذ شماره ۱۳۵) بر حسب استان های کشور ، نشان می دهد که وجود این گونه خدمات و تاسیسات آن پوشش کافی در سطح کشور را ندارد . از سوی دیگر را از آنجایی که برنامه ریزی های اقتصادی و اجتماعی کشور بر حسب بخش های مختلف ، از بافت منسجم و هماهنگی برخوردار نبوده است ، و درنتیجه رشد و توسعه بر حسب استعداد های طبیعی و بعض اساختگی صورت می گرفته است ، میزان بهره گیری آبادی های استان ها از برق و آب و حمام و ... ، کاملاً متفاوت و غالب در حد پایینی قرار دارد . به عنوان مثال ، ۱۰٪ آبادی های کشور دارای برق هستند که این رقم برای استان مازندران ۴٪ و برای آبادی های سیستان و بلوچستان ۱٪ است . همچنین ، فقط ۱۲٪ آبادی های کشور آب آبلوکه کشی

۱. هر آبادی لزوماً یک روستا نیست . آبادی ممکن است یک ده ، مکانی مستقل ، مکانی تابع یک روستا ، و یا فقط یک "مزروعه" باشد .

دارند که این رقم برای آبادیهای کردستان ۳۹٪ و برای آبادیهای سیستان و بلوچستان ۳٪ است و با توجه به ۵٪ آبادیهای کشوردارای غسالخانه می‌باشند که از جمله ۲۱٪ آبادیهای همدان دارای غسالخانه هستند در حالی که این رقم برای آبادیهای ایلام کمتر از ۱٪ است. آمارنشان می‌دهد که ۱۲٪ آبادیهای دارای حمام هستند که در استانی مانند همدان از هر ۰۰۰ نفر ۱۰۰۰ آبادی ۱۶ آبادی حمام دارند و در استانی مانند بوشهر از هر ۱۰۰۰ آبادی ۹۹۹ نفر آن قادر حمام می‌باشد.

گرچه وجود دبستان در آبادیهای ایران از ترکیب نسبتاً "همانی برخوردار است، ولی باز هم اختلاف در استانها چشمگیر است. برای مثال، ۵۵٪ آبادیهای که کیلوییه و بویر احمد دارای دبستان هستند. ولی این رقم برای آبادیهای بیزد به ۹٪ می‌رسد. گرچه کیفیت مدارس شاخص مهمی برای قضاوت است، ولی در این مورد اطلاع دقیقی در دست نیست و چه بسانهای وجود دبستان در روستا نباید موجب آن شود که وضع آموزش را در آنجا کاملاً "مناسب تلقی کنیم. در مورد وجود مدرسه راهنمایی، آمارهای موجود نشان می‌دهد که ۴٪ آبادیهای کشوردارای مدرسه راهنمایی هستند که در استانهای گیلان و تهران تقریباً ۱۲٪ آبادیهای او در استانهای لرستان، یزد، سیستان و بلوچستان، خوزستان و کرمان کمتر از ۲۰٪ روستا یکی از آنها دارای دبیرستان هستند. اکثر این دبیرستانها در استانهای گیلان، مازندران، تهران، خراسان، اصفهان آذربایجان شرقی و مرکزی احداث شده اند و در آبادیهای استانهایی دیگر به ندرت دبیرستانی وجود دارد، به طوری که سهم آستان آذربایجان غربی، باختران، کردستان، همدان، لرستان، ایلام، بوشهر و سمنان، کمتر از ۸٪ دبیرستانهای واقع در آبادیهای کشور است. در همه آبادیهای کردستان تنها یک دبیرستان وجود دارد. یادآور می‌شویم که از ۸۷۰۶ هزار دانش آموز در سال ۱۴۶۲ در کل کشور، ۵۶٪ در نقاط شهری و ۴۵٪ در نقاط روستایی بوده اند. در محیط روستایی، تعداد دانش آموزان دختر تقریباً "نصف دانش آموز پسر" است. بنابراین، تعدادی از کوکان و نوجوانان و جوانان روستایی یا مدرسه رونیستند و یا امکان آن را ندارند و بالاخره تعداد دیگری نیز برای تحصیل یا ادامه تحصیل در سطوح بالاتر، به شهرها رو می‌ورند.

جدول ۳۱. تعداد دانش آموز شهروی و روستایی در سال ۱۴۶۲-۱۴۶۳ (هزار نفر)

دانش آموز	شهری	روستایی	جمع	شهری %	روستایی %	جمع %
دانش آموز پسر	۲۹۵۱	۲۲۶۸/۵	۵۲۱۹/۵	۵۶/۱	۶۵/۸	۶۰
دانش آموز دختر	۲۳۰۸/۷	۱۱۷۷/۵	۳۴۸۶/۲	۴۳/۹	۲۴/۲	۴۰
جمع	۵۲۵۹/۷	۳۴۴۶	۸۷۰۵/۷	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

تنها ۴% آبادیهای کشور مراکز درمانی دارند که برای استانهای کرمان، ایلام، همدان و تهران این نسبت‌های بین ۱۰ تا ۲۵٪ است. نسبت آبادیهای دارای مرکز درمانی برای استانهای خوزستان، خراسان، سیستان و بلوچستان، و لرستان حدود ۲٪ و یا کمتر است، از نظر وجود مرکز درمانی آبادیهای کشور نسبتاً "غنى هسند" . به طوری که ۶۹٪ آبادیهای دارای مسجد و حسینیه هستند، گرچه باز هم اختلاف توزیع آشکارا به چشم می‌خورد. مثلاً ۷۶٪ آبادیهای کردستان مسجد دارند که این رقم برای استان که کلوب و بویر-احمد حدود ۳٪ است (جدول ۳۲) . وجود یا عدم این امکانات عوامل جذب و دفع آبادیها را تشکیل می‌دهد که بعضًا "نگهدارنده جمعیت ساکن و احتمالاً" جاذب جمعیت و در غیر این صورت دافع جمعیت بومی می‌شود . عوامل بر شمرده شده، در دفع مهاجران خارجی نیز موثر است و روستا جاذبه‌ای برای آنها نیز نخواهد داشت . یکی دیگر از علل جابه جایی جمعیت چه در داخل کشور و چه از داخل به خارج و چه از خارج به داخل کشور، وقوع انقلاب اسلامی است که موجب مهاجرتهای انتخابی یا اضطراری شده است، از اینجا به جایهای آمار صحیحی در دست نیست و علی آن بیشتر گزینش محل آمن، فرار سرمایه و صاحب سرمایه و بالاخره استقرار اینها در کشورهای مختلف جهت خدمت به اسلام، و همچنین بازگشت بعضی از دانشجویان به کشور و بالعکس می‌باشد. از شهریور ۱۳۵۹، یعنی با آغاز جنگ تحمیلی، جابه جایی جمعیت چه در مناطق درگیر جنگ و چه در سایر مناطق کشور و یا به سوی خارج، شدت گرفت وارد و گاههای جدید مسکونی پیدا شد و بعضی از مکانهای استقرار جمعیت نیز خالی از سکنه گردید. در پی آن، مسائل و مشکلات تازه‌ای برای مهاجران مستقر شده در مناطق جدید و نظامهای معیشتی و سیستمهای تولید و بخصوص توزیع به وجود آمد. مهاجرتهای نیز به خارج از کشور (اعم از خارجیان مقیم ایران و یا ایرانیانی که به نحوی، زندگی در خارج را شاید به علت محیط امن و امکانات اشتغال ترجیح می‌داده‌اند) انجام گرفت. استقرار مجدد مهاجران جنگزده، معلوم نیست که چه موقع و درجه مکانهایی صورت پذیرد، ولی بی کمان ترکیب سابق خود را نخواهد داشت، هر چند که با پیروزیهای لشکر اسلام در سال ۱۶، تعداد زیادی از مهاجران جنگزده به مناطق پس گرفته شده بازگشته‌اند. به هر حال هنوز هم میلیونها ایرانی محل اقامت قبلی خود را ترک کرده و به مناطق مختلف کشور پناه آورده‌اند. آمار آن تعدادی که زیر پوشش آماری "بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی" قرار دارند (ونها یا) اکثر آنها از خدمات این بنیاد و سایر بنیادها و مؤسسات و مردم بهره‌مند می‌شوند (رقمی حدود ۱۶۷۰ هزار خانوار یعنی حدود ۸۹۸ هزار نفر) است که در تمام استانهای کشور توزیع شده‌اند. بیشتر این خانوارها پر جمعیت هستند، چنان که در آذربایجان غربی بعد خانوار ۶/۷ نفر و در خوزستان ۵/۵ نفر و سمنان ۵/۵ نفر است. کمترین میانگینی که برای بعد خانوار به دست آمده است مربوط به خانوارهای ساکن در استان چهارمحال و بختیاری است که به رقم ۴/۷ نفر می‌رسد (جدول ۲۲) .

رقم‌های عددی جمعیت مهاجر جنگی را استانهای خوزستان (۴۴ هزار نفر)، باختران (۲۵ هزار نفر)،

اصفهان (۴۶ هزارنفر) و بوشهر (۵۰ هزارنفر) در اختیار دارند.

درومورد استقرار جنگردها در استانهای مختلف، صریحاً "از مکانات استان و بعد مسافت نسبت به مناطق درگیر جنگ نمی‌توان سخن گفت ولی امکاناتی را که سازمانهای مربوط در سکنی دادن جنگردها فراهم آورده‌اند، به عنوان عامل پذیرایی مهاجران در استان می‌توان مطرح کرد. گرچه این اردوگاه‌ها ویا میهمان‌شدن جنگردها در سایر خانوارها و نقاط دیگر ظاهراً "حالت موقف دارد. ولی در جریان جنگ و پس از آن پدیده‌های مختلفی در شکل معيشیت، اشتغال و فعالیتهای اجتماعی جنگردها ناشی‌تر می‌گذارند که خود به مهاجرت دایمی آنان از مناطق جنگ زده خواهد آمد. موقعیت‌های شغلی، ازدواج و جاذبه‌های رفاهی و فرهنگی، تعدادی از مهاجران را در مناطق مختلف جذب خواهد کرد. و از آنجایی که برخی از شهرهای ساحلی جنوب مانند خرم‌شهر خود قبلاً "جادب مهاجر بوده‌اند، احتمال دارد که ساکنان غیربومی این گونه شهرها، پس از ترک آنجا دیگر باز نگردند و در زادگاه خویش ویا قطب‌های جدید کار و درآمد مستقر شوند.

جدول ۳۲ آبادیهای دارای تأسیسات آموزشی، رفاهی و دینی بر حسب استانها در سال ۱۳۶۰ (%) نسبت به آبادیهای استان

استان	تعداد کل آبادیهای دارای کسب و کار	آبادیهای دارای غسالخانه	آبادیهای دارای حمام	آبادیهای دارای درازی دستگاه	آبادیهای دارای درازی دستگاه	محل درمانی دیگران	مسجد و حسینیه
جهنگردی	۶۳۵۰۳	۱۰	۱۲/۴	۳۱/۰	۱۲/۴	۰/۰	۱۹
تهران	۲۷۷۳	۳۲/۲	۱۲	۳۴/۲	۲/۳	۹/۴	۴۲/۴
مرکزی	۳۹۱۰	۸/۵	۷/۹	۲۶/۱	۴/۷	۰/۹	۲۹/۸
کیلان	۲۸۶۰	۲۴/۴	۱۶/۷	۵۲/۷	۶/۳	۱/۱	۵۸/۴
مازندران	۴۶۷۶	۲۷/۰	۵/۴	۳۷/۱	۶/۱	۴/۸	۴۴/۴
آذربایجان شرقی	۵۴۳۳	۸/۹	۴/۷	۴۹/۴	۰/۷	۳/۲	۶۸/۲
آذربایجان غربی	۱۸۲۷	۵/۰	۱/۰	۵۱/۳	۰/۳	۰/۰	۸۸/۴
باختیاری	۲۳۴۳	۷/۳	۳/۴	۵۰/۲	۳/۹	۰/۳	۱۵/۱
خوزستان	۴۶۵۶	۱۱	۱/۱	۲۸/۱	۱/۸	۰/۰	۱۲/۴
فارس	۵۶۴۷	۹/۴	۱/۸	۴۳/۷	۵/۹	۰/۷	۲۰/۸
کرمان	۱۰۵۰۰	۰/۴	۴/۲	۱۴/۷	۱/۶	۰/۲	۳۸/۱
خراسان	۱۳۷۳۳	۵/۴	۸	۲۷/۹	۲/۴	۰/۳	۱۳/۴
امپهان	۸۲۴۳	۹/۴	۶/۲	۱۵/۱	۳/۲	۰/۰	۱۳/۴

جدول ۳۲۰

جدول ۳۳. تعداد خانوار و جمعیت مهاجران جنگ تحملی بر حسب استان (مهرماه ۱۴)

استان	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	میانگین افراد خانوار
کل کشور	۱۶۷۴۲۰	۸۹۷۵۸۱	۵/۲۶
تهران	۷۶۴۷	۲۶۲۶۲	۴/۷۵
مرکزی	۳۲۶۷	۱۷۴۱۸	۵/۲۳
گیلان	۶۰۸	۲۹۵۷	۴/۸۶
مازندران	۱۸۳۸	۹۰۳۳	۴/۹۱
آذربایجان شرقی	۳۸۱	۱۹۵۸	۵/۱۳
آذربایجان غربی	۹۹۶	۷۵۷۵	۷/۶۰
مازندران	۲۳۱۷۶	۱۲۵۲۱۳	۵/۴۰
خوزستان	۶۰۷۰۷	۲۴۳۸۴۱	۵/۶۶
فارس	۱۶۱۲۳	۸۲۲۸۰	۵/۱۰
کرمان	۱۴۸۵	۷۰۵۹	۴/۷۵
خراسان	۲۶۲۱	۱۳۹۵۸	۵/۳۲
اصفهان	۱۲۶۳۱	۶۳۸۸۵	۵/۵
سیستان و بلوچستان	۱۲۶۳۱	۶۳۸۸۵	۵/۵
کردستان	۱۰۸۱	۵۳۹۵	۴/۹۹
همدان	۱۴۱۵	۶۸۹۶	۴/۸۷
چهارمحال و بختیاری	۱۶۵۳	۷۷۴۶	۴/۶۸
لرستان	۴۴۷۸	۲۲۹۷۸	۵/۳۵
ایلام	۸۶۳۷	۴۵۲۶۱	۵/۲۴
کهکیلویه و بویر احمد	۱۴۶۱	۷۰۹۰	۴/۸۵
بوشهر	۱۱۲۹۲	۶۰۴۶۸	۵/۳۵
زنجان	۴۲۶	۲۱۰۸	۴/۹۴
سمانان	۱۷۲	۹۴۷	۵/۵۰
یزد	۱۲۲۰	۶۱۴۲	۵/۰۳
هرمزگان	۴۱۰۵	۱۹۹۱۱	۴/۸۵

گرچه آمارهای دقیقی از ایرانیان مقیم خارج در دست نیست، با این حال می‌توان گفت در دوره^۴ مورد بررسی، ترکیبیهان بالنگیزه کاروتحارت و تحصیل که منجر به اقامت می‌شده است رواج داشته، و در سالهای آخر نیازمندی‌بایش یافته است. برآورده است که تنها در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ حدود ۷۰۰ هزار نفر کشور اتریش کردۀ‌اند (ماخذ شماره ۸) و از سالهای ۱۳۵۶ به بعد نیز جلای وطن (چه به صورت مجاز و چه غیر مجاز) ادامه یافته است که تعدادی از مهاجران نیز از نظر کاری در کیفیت بالایی قرار داشته‌اند. گفته می‌شود که در کشور آمریکا حدود ۲ میلیون ایرانی زندگی می‌کنند که بعضاً "سالیان درازی است که کشور اتریش کردۀ‌اند، همچنان که از سالهای قبل در انگلستان و آلمان و فرانسه و سایر کشورهای اروپایی نیز خانوارهای ایرانی زیادی ساکن هستند. تعداد دیگری از ایرانیان نیازگذشته‌دور در بعضی از کشورهای آسیایی مانند هند و عراق و بالاخره بخش قابل توجهی از جمعیت (واکثر) به عنوان نیروی کار در کشورهای اطراف خلیج فارس مقیم شده‌اند. در عین اینکه مهاجرت ابعاد گستردۀ‌ای داشته و حتی از نظر کمی قابل توجه بوده است، با این همه کم وکیف ایرانیان مقیم خارج دقیقاً بر ماروشن نیست. شاید اگر مطالعات وسیع‌تری صورت گیرد به روشن شدن قضیه کمک کند، به گونه‌ای که اطلاعات مربوط به ایرانیان در کشورهای مختلف جمع آوری گردید و پژوهیهای اجتماعی و اقتصادی آن بررسی شود و علل وانگیزه‌های ترک‌کشور مشخص گردد. چنان‌که قبل از گفته شد، آمارهایی که وزارت امور خارجه توسط نمایندگی‌های خود از ایرانیان مقیم خارج تهیه می‌کند تنها شامل کسانی است که به نمایندگی‌های ایران در خارج مراجعه کرده‌اند و هم‌اکنون را در بر نمی‌گیرد. با این همه، این آمارهای تصویری از حجم و جایه جایی مکانی مهاجرت به خارج را بدست می‌دهد. طبق آمار سال ۱۳۴۸ نفر ایرانی در ۵۰ کشور خارجی زندگی می‌کنند. ترکیب این بخش از جمعیت معلوم نیست. تنها در بعضی از کشورهای تعداد مردوزن و سرای بعضی دیگر تعداد شاغلان و دانشجویان مشخص شده است. به هر حال از جمعیت فوق، حدود ۶۸٪ یعنی معادل ۳۶۰۰۰ نفر در کشورهای آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا و سوئیس زندگی می‌کنند. ارقام گزارش شده شامل ایالات متحده آمریکا نمی‌شوند و تنها از ایرانیان ساکن کانادا به تعداد ۱۵۰۰۰ نفر و چند کشور آمریکای جنوبی نام برده شده است. با توجه به این آمارها، کشورهای آسیایی در درجه‌اول جاذب ایرانیان بوده‌اند که بیشتر به قصد کار ترک‌وطن می‌کرده‌اند و آن‌گاه کشورهای اروپایی که کاروتحارت و تحصیل موجب مهاجرت شده است و در مردم کشورهای قاره آمریکا نیز (که ذکری به میان نیامده است) در درجه‌اول کار و بعد تحصیل به جلای وطن انجامیده است (جدول ۳۴).

یادآور می‌شود که تعداد کمی از برادران ایرانی در جویان جنگ تحملی اضطراراً "در کشور عراق به سرمی برند که امید است بعد از جنگ تحملی به کشور بازگشتد.

جدول ۴۰۳۰ آمار تقریبی ایرانیان ساکن خارج از کشور، به استاد اعلام نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران درخواست ارکشور در سال ۱۳۶۰

کشور و نام نمایندگی	جمع زن و مرد	مرد	زن	شاغل	دانشجو	ملحقات
امارات متحده عربی (ابوظبی، دبی ...)	۲۳۰۰۰۰	۴۰۰۰۰				ابوظبی ۱۵۰۰۰۰ و دیگر
ساحل عاج (ایسپان)	۶۰					۸۰۰۰۰
کانادا (اتلانتا)	۱۵۰۰۰۰					۵۳ غرفه اشتغال موز
یونان (آتن)	۲۴۱	۱۶۴	۹۵			تعداد نمائندگیهای مخصوصی بروندند از نظر
ترکیه (ارض روم، آنکارا)	۳۰۵	۶۲				۷۴ نفر در آنکارا بروند دارند.
سوئد (استکهلم)	۴۵۰۰					
پاکستان (اسلام آباد، کوئٹہ، کراچی)	۳۱۸۹					
الجزایر (الجزایر)	۷۷					
تایلند (بانکوک)	۷۵					
برزیل (برازیلیا)	۶۰۶					
آلمان غربی (برن، موینخ، هامبورگ)	۴۴۵۳۸					۱۳۸۵
سوئیس (برن، زنو)	۴۵۲۵					۱۹۵۲
	۲۵۷۱					
						تایلند ۶۰- مالزی ۹- سنگاپوره
						لائوس ۱

ملاحظات

دانشجو

شاغل

مرد

جمع زن و مرد

کشور اسلام نپالی

در منجسٹر ۴۰۰۰۰۰۰۰ غلوب ۵۸۵ دانشجو

۱۹۵

۳۱۱

۵۰۶

ماند (لاہه)

انگلستان (لندن، منجسٹر)

۷۴۰۰

۴۸

کیا (نایروسی)

۲۲

۵۶

۷۸

لہستان (ورشو)

۵۵

ہنگ کنگ

۱۰۰

فیلبین (مانیل)

۹۸۰

بوجلادوی (بلگراد)

۹۴۰۰

ھندوستان (بمبئی، جیدار آباد)

۱۳۰

آرائنس (بھوٹاؤ سرنس)

۳۶

سخارستان (بوداپست)

۲۴

روماشی (بوداپست)

۱۲۴

لہستان (سرتوت)

۱۲۲۷

۱۳۱۹۳

فرانسہ (پاریس)

ادامه جدول ۳۶.

کشورها و نمایندگی	جمع زن و مرد	مرد	زن	شاغل	دانشجو	ملحقات
چین (پکن)	۲۱	۱۰			۱	۱ انفرماور به خدمت
راين (توکو)	۲۱۰					
تونس (تونس)	۶۳					
اندونزی (جاکارتا)	۱۰۰					
عربستان (جده)	۲۳۰					
سودان (خرطوم)	۸					
سوریه (دمشق)	۲۵۸۰					
قطر (دوحه)	۱۶۰۰۰					
ایتالیا (رم)	۷۰۰۰					
آفریقا جنوبی (زووهانسبروک)	۱۴۲					
کوه (سئول)	۱۵					
یمن شمالی (صنعا)	۳۴					
لیبی (طرابلس)	۲۰					
۴ انفرادرطا ایسلند پیغمبریا بر شهدا	۷					
۲ انفرادر عدن						
۱ اسپایا ۷۶—سوازیلند ۴۱—لسوتو ۲۶						

۳۴. ادامه جدول

کشوریامنهایندگی	جمع زندومرد	مرد	زن	شاغل	دانشجو	ملاحظات
اردن (عمان)	۲۷۵					
افغانستان (کابل، هرات)	۷۰					
دانمارک (کوبنه‌اک)	۲۸۵					
سریلانکا (کلمبو)	۶۴					
کویت (کویت)	۱۰۰۰۰۰					
زیرن (کینشما)	۶۵					
زیرا (آفریقای مرکزی) ۱۰ رواندا ۱۳	۳۵۰۰۰					
کامرون ۳—چاد ۱						

پدیدآمدن شرکتهای بزرگ در ایران و ورود شرکتهای چندملیتی به این کشور از سالهای ۱۳۵۰ به بعد که مشاغل تخصصی و یژه‌ای را ایجاب می‌کردند و نیروی کار داخلی توانایی نداشت از یک سو، و سیاستهای استغال دولت و دربی آن سرمایه‌گذاریهای دولتی و خصوصی و بویژه خواست کارفرمایان در به کارگیری کارکنان خارجی از سوی دیگر، موجب آن شدن دکه انبوه عظیمی از کارکنان و کارشناسان بیکانه وارد کشور شوند. و بخصوص در سالهای ۱۳۵۵ و پیش از آن، کارفرمایان به انگیزه‌های گوناگونی از قبیل پرداخت دستمزد کمتر و بهره‌جویی از کاربیشتر، و نیز در در سرکمتری از نظر قوانین کار و بیمه و جزاً، اشتیاق بیشتری به استفاده از نیروی کار ساده خارجی داشتند و این موجب آن شد که گروه زیادی نیز از کشورهای افغانستان، پاکستان، هندوستان و... و بیشتر به صورت غیر مجاز به ایران بیایند و مشغول به کار شوند. در سال ۱۳۵۶، تنها تعداد افغانیهای برابر ۴۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شد. این نیروی کار ساده، بیشتر ماندگاری در ایران را برگزید، به طوری که بعد از سال ۱۳۵۷ بر شماراین عدد افزوده شد و در حال حاضر بـ چند برابر سیده است.

باتوجه به آمارهای موجود، می‌توان گفت تعداد آن دسته از کارکنان خارجی دارای بروانه کار، که از سال ۱۳۵۳ به بعد به تدریج رو به افزایش بوده است. تا سال ۱۳۵۲ به حد اکثر خودمی‌رسد و آن گاه اکثریت این نیرو یک باره ترک کشور می‌کند و در چند سال اخیر، باتوجه به قوانین موجود جهت استغال رسمی آن از حدود ۱۵۰۰۰ نفر آن در مشاغل مختلف و عمده "در مشاغل تخصصی، فنی و حرفه‌ای مشغول به کارهستند (ماخذ شماره ۱). تا قبل از سال ۱۳۵۷ سهم کارکنان اروپایی و آمریکایی نصف کارکنان خارجی را تشکیل می‌داد، ولی از این سال به بعد کارکنان خارجی "عمده" از قاره آسیا هستند، به طوری که از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴، سهم کارکنان آسیایی از ۴۷٪ به ۷۱٪ رسیده است و پس از آنها کارکنان اروپایی بالاترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند (جدول ۳۵).

در بررسی توزیع کارکنان بر حسب مشاغل اصلی، ملاحظه می‌شود که بیشتر کارکنان در مشاغل تخصصی فنی و حرفه‌ای بوده‌اند و در سالهای اخیر سهم این گروه برابر $\frac{2}{3}$ کل کارکنان بوده است. بنابراین واقعیت نیاز به این گونه مشاغل واينکه کمبود آن در یک دوره ده ساله از خارج تامین می‌شده است، نشان دهنده عدم کفايت عرضه نیروی کار داخلی در این گروه شغلی است. بجای است که برنامه ریزی‌های آموزش عالی، تلاش خود را در جهت تأمین این گونه تخصصها متوجه کرزاوردند.

اگروضع کشور از نظر تولید به حدی رسیده است که نیازی به همکاری خارجیان احساس نمی‌شود چه بهتر، ولی اگر شرکت این کارکنان در روند تولید، اعم از صنعت و کشاورزی، در حجم و کیفیت آن موثر است، باید ترتیبی داده شود تا از همکاری آن بمنظور افزایش تولید با کیفیت مرغوب و بهره‌وری بالاستفاده شود. سهم کارکنان کشاورزی و مشاغل فروشندگی در سالهای اخیر زیاد تر شده است. گرچه تعداد آن نسبت به

سالهای قبل افزایش چندانی ندارد. مع هذا جای امیدواری است که به مشاغل دربخش کشاورزی توجه شده است. گرچه باید یاد آوری کرد که در مقابل، سهم کارکنان در مشاغل معدن فلزات و کانهای سنگ کاوهش یافته است که چه بسامو جب کاوهش تولید دربخش استخراج سنگ و فلز شده باشد. البته حجم تولید و کاوهش آن در سالهای اخیر، به عوامل دیگری از قبیل کمبود لوازم و قطعات یدکی و مواد اولیه کارخانه های بستگی دارد (ماخذ شماره ۱۴). بنابراین، اگر نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل تولید درنظر گرفته می شود، سیاستهای لازمه در پرورش و به کارگیری آن نیز باید تنظیم و اجرا گردد، تا هم تولید و کیفیت آن بالا رود. وهم به وابستگی و بروز مسائل جدید فرهنگی نینجامد، بخصوص در سالهای اخیر که ظرفیت عرضه نیروی کار متخصص توسط دانشگاه های داخلی پایین آمد است و روند برگشت دانشجویان خارج نیز ترکیب سابق خود را حفظ نکرده است. در سالهای اخیر، بعضی از دانش آموختگان که محتملاً "فعالیت آنان در رشته تحصیلی شان مورد نیاز کشور است به کشور بازنمی گردند و برخی نیز با تحصیلات نیمه تمام بازگشته اند. همچنین، آن دسته از کارکنان خارجی که به ایران آمدند بیشتر از کشورهای آسیایی هستند تا آمریکا و اروپا و چه بسا میزان کار آنی آنان ممکن است کمی پایین تر از قاره های یاد شده باشد. به عبارت دیگر، این عذر به علت عدم جذب آنان در بازار کار بین المللی از جمله آمریکا و اروپا، به کشورهای جهان سوم از جمله ایران را ورده اند و شرایط کار و درآمد و موقعیت، موجب ماندگاری طولانی تر آنان در این کشور شده است.

لازم به یاد آوری است که کارکنان خارجی از نظر سطح سواد در مرتبه بالایی قرار دارند. برای نمونه، از کارکنانی که در مرداد ماه ۱۴ پرونده کار دریافت کرده اند، ۷/۱٪ تحصیلات ابتدایی و ۹/۸٪ تحصیلات دبیرستانی و بالاخره ۱/۴۰٪ آنان تحصیلات دانشگاهی و ۳/۴۹٪ آنان تحصیلات حرفه ای داشته اند.

جدول ۳۵. تعداد و توزیع کارکنان خارجی دارای بروانه کار بر حسب منطقه، جغرافیایی مبدأ

آبان ۱۳۶۱		بهمن ۱۳۶۰		دی ۱۳۵۶		سال	قاره
%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد		
۲۰/۹	۹۲۷۴	۶۹/۳	۱۰۱۴۰	۴۷/۴	۱۲۳۰۶		آسیا
۲۸/۴	۳۲۸۳	۳۰	۴۳۸۹	۳۹/۸	۱۰۳۴۱		اروپا
۰/۳	۳۷	۰/۲	۳۲	۱۱/۱	۲۸۵۳		آمریکا
۰/۱	۱۵	۰/۱	۳۰	۰/۸	۲۲۵		استرالیا
۰/۲	۲۹	۰/۳	۳۹	۰/۹	۲۴۰		آفریقا
۱۰۰	۱۳۲۹۴	۱۰۰	۱۴۶۳۰	۱۰۰	۲۵۹۸۲		جمع

جدول ۳۶ - توزیع کارکان خارجی دارای بروانه کاردرمشاغل عده

مشاغل اصلی	ال	۱۳۵۳	۱۳۵۴	۱۳۵۵	۱۳۵۶	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲
مشاغل تخصصی و فنی و حرفه‌ای	۴۹/۹	۵۱/۷	۵۲	۴۴/۸	۴۶	۵۷/۴	۷۱/۸	۷۱/۸
امور دولتی و صنعتی	۱۴	۱۳/۴	۱۴/۸	۱۰	۱۲/۲	۸/۱	۸/۱	۸/۱
امور منشیگری	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۲	۳/۱	۲	۲	۲
فروشنده	۳/۲	۱/۴	۲/۴	۱	۳/۵۳	۳/۲	۳/۲	۳/۲
کشاورزی، ماشینگری، صید و جنگل	۰/۶	۰/۱	۰/۲	۱	۲/۲	۳/۷	۰/۴	۰/۴
معدان فلزات و گازهای سنگی	۴	۳/۴	۳/۲	۱	۰/۴	۰/۴	۰/۴	۰/۴
حمل و نقل و راتبلاط	۲/۹	۷/۸	۴/۶	۶	۱/۵	۱/۲	۱/۲	۱/۲
افزارستان، کارگران عمل- اوونده، تولیدات و کارگران طبقة بندی شده	۲۲/۲	۱۹/۳	۱۹/۴	۱/۴	۷/۲	۸	۱/۴	۱/۴
سرویسهای وزنش--- و تغذیهات سالم	۰/۶	۰/۸	۱/۶	۶/۷	۳	۲	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۶۰۵۶	۱۴۰۰۶	۴۲۹۷۴	۲۵۹۸۳	۱۴۶۳۰	۱۴۶۳۰	۱۰۰	۱۰۰
تعداد								

طرح کلی، بررسی مهاجرت

کشور ایران از دیر بازمور دتووجه بیگانگان بوده است. علل آن هرچه باشد، خواه موقعیت‌های سیاسی و جاذبه‌های اقتصادی و فرهنگی و یاد رحال حاضر، بعد منطقه‌ای اسلام، واقعیت آن است که همیشه تعدادی از خارجیان در این کشور زندگی کرده و در آینده نیز سهمی از جمعیت کشور اتشکیل خواهد داد. در حال حاضر دلیل اصلی وجود این جمعیت خارجی، که ممکن است بیشتر به صورت مهاجر موقت نیز باشد، تابع اعمال سیاست‌های حاکم در بعضی از کشورهای از جمله دو کشور همسایه است. به هر حال، گذشته از عامل‌اخیر، روند گذشته نیز شان می‌دهد که مثلاً اگر در سال ۱۳۴۵ خارجیان ۲/۰٪ جمعیت کشور اتشکیل می‌دادند، در سال ۱۳۵۵ این نسبت به ۵/۰٪ واکنش تقریباً "الغ بر" ۴٪ شده است. گرچه سازمانهای در مملکت وجود دارند که به امور خارجیان رسیدگی می‌کنند، ولی اکثر آن در موقعیت‌های خاص و بیشتر به صورت موردی عمل می‌کنند، مانند "بنیاد امور افغانستان" و "بنیاد امور معاویین عراقی" و سازمانی که بتواند خارجیان را از ابعاد مختلف بررسی کدو بمهماور آنها بسپردازد و جو دارد. فعالیت‌های وزارت کشور، شهربانی، وزارت کار، وزارت امور خارجه، وزارت ارشاد اسلامی، وزارت راه، وزارت دارایی و نمایندگی‌های دولتی دیگر در ایران، تنها بخشی از اطلاعات مربوط به خارجیان در ایران را دارند که این برای شناخت و نهایتاً "تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی و تنظیم سیاست‌های مرتبه خارجیان در ایران کافی نیست. لذا پیشنهاد می‌شود اداره‌ای به نام "اداره مهاجرت" تشکیل شود تا کلیه امور مربوط به مهاجران را نجام دهد و آمارهای مربوط به خارجیان وبالعکس اطلاعات ایرانیان مهاجر به خارج را گردآوری کند. در این صورت، پژوهندگان می‌توانند با بررسی ویژگی‌های مهاجران، پژوهش‌های لازم را نجام دهند و تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کشور نیز می‌توانند نتایج حاصل از تحقیقات را در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌های خود، با شناخت آگاهی بیشتری ملاحظه کنند و سیاست‌ها را مهاجرت با شناخت کامل تنظیم و اجرایشود. این کار می‌تواند از نظر اقتصادی و اجتماعی رهبری برای کشور و از نظر ابعاد سیاسی و فرهنگی نیز برای کشورهای مبدأ و مقصد سی سودمند باشد.

واحدها ماراداره پيشنهادي مهاجرت، مي تواند كليه اطلاعات و سوابق مهاجران را با طربيع آمارهاي سرشماريهای عمومی سالهای ۳۵، ۴۵ و ۵۵، آمارگيريهای نمونهای موجود، آمارهای گزارشي سازمانها، آمارهای اداره اشتغال اتابع بیگانه، قسمت خجانگردی وزارت ارشاد، قسمت گمرکات وزارت دارایی، اداره گذرنامه شهریاني، ستادها و نیادهای مربوط به امور خارجيان در وزارت کشور، اطلاعات موجود در اداره های مهاجرت کشورهای خارج، اطلاعات موجود در بعضی از سرشماريهای کشورهای دیگر، اطلاعات موجود در نمایندگیهاي کشورهای دیگر در ایران، اطلاعات موجود در نمایندگیهاي ايران در خارج از کشور در موردايرانيان مقيم خارج و بالعكس خارجيان مقيم ايران، و بالاخره تحقیقات و سایر گزارشهاي شتي و اداري دیگر، گردد و ركيند و آن گاه،

برای هر خارجی که بخواهد نابد دلایل روش در ایران مقیم شود، به تهیه شناسنامه اطلاعاتی و کارت اقامت بپردازد، به طوری که دست کم ملیت، جنس، کشور مبدأ، مذهب، زبان، نوع معيشت، نوع فعالیت و سایر پارامترهای لازم در این شناسنامه اطلاعاتی گنجانیده شده باشد. استفاده از این اطلاعات است که می‌توان بررسیهای جامعی از مهاجرت اتحاد داد و تأثیرات متقابل اجتماعی-اقتصادی ناشی از این حابه‌حایی را تجزیه و تحلیل کرد. کمترین اطلاعاتی که در بررسی ضرورت دارد، شناسایی مهاجران است از نظر:

جمعیتی: تعداد، جنس، سن، تعداد خانوار، وضعیت تاًهُل

فرهنگی: میزان سواد، زبان، مذهب

جغرافیایی: مبدأ و مقصد مهاجرت، استقرار در کشور به تفکیک استان

اشغال: نوع فعالیت، شغل، مهارت

زمان: زمان مهاجرت

علل: ریشه‌بایی علل اجتماعی اقتصادی مهاجرت

آن‌گاه می‌توان به بررسیهای تطبیقی از نظر "ترکیب" و "ساخت" مهاجرت پرداخت. مثلاً "از نظر جمعیتی، حجم باروری، مرگ‌ومیر، ساخت و جنس، و باورگیری از فرهنگی و شغلی را مورد بحث قراردادن با شناخت کلی مهاجران و شناخت کم و کیف و علل مهاجرت، سیاستهای مهاجرت را تنظیم و پیشنهاد نمود. کلیات طرح مطالعاتی مهاجرتهای خارجی در ایران را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. تعریفها و مفهومها

۲. هدف پژوهش

۳. شرح عوامل مهاجرت

۴. اشاره به برخی از روشهای محاسبه و کاربرد روشهای نتایج حاصل از روشهای

۵. روش محاسبه در این تحقیق

۶. اشاره به تجارب و سوابق و مطالعات قبلی در مورد مهاجرت

۷. نتایج حاصل از مطالعات و روشهای فوق

۸. گردآوری داده‌های لازم از طریق مراجعت و تماس با دستگاه‌های مربوطه، از جمله گردآوری نظرسنجی‌های اطلاعات از کشورهای دیگر و منابع داخلی

۹. بررسی در ارتباط با پارامترهای انتخابی از طریق نمونه گیری

۱۰. استفاده از منابع و مأخذ موجود داخلی از طریق مراجعت و مکاتبه

۱۱. استفاده از گزارش‌های ثبتی و اداری و احدهای تولید کننده آمارجهت مهاجران

۱۲. استفاده از منابع خارجی در تنظیم و تدوین محتوای گزارش از نظر قابلیت انطباق

۱۳. بررسی مهاجرت بر اساس آمارهای سرشماری سالهای ۳۵، ۴۵ و ۵۵

۱۴. بررسی تکمیلی با استفاده از منابع و مأخذ ادارات مربوط به مهاجرت (آمارهای گزارشی)
۱۵. بررسی تکمیلی با استفاده از منابع و مأخذ اداره های مهاجرت در کشورهای خارج
۱۶. تدوین داده های حاصل ، از نظر موضوع و قابلیت تطبیق
۱۷. تجزیه و تحلیل (شامل بررسی علولوکم و کیف مهاجرت)
۱۸. ارائه نظرات کارشناسی
۱۹. تدوین گزارش مقدماتی
۲۰. تهیه و پیشنهاد طرح مطالعاتی بر اساس نتایج حاصل از گزارش
۲۱. پیش بینی امکانات و تجهیزات لازم برای تهیه گزارش
۲۲. پیش بینی گروه کاری و جدولهای زمانی در اجرای مراحل مختلف تحقیق

امیداست که در آینده، نزدیک، اطلاعاتی از حجم مهاجرت و عمل آن توسط سرشماری آینده به دست آوریم، زیرا " ستاد نظارت و هماهنگی "، بحسب نیاز دستگاههای این گونه اطلاعات علاوه بر آنکه پرسشهای مربوط به تغییر محل سکونت از ۵ سال پیش از زمان سرشماری و تابعیت را در پرسشنامه‌ها گنجانده است، محل تولد مهاجر بر حسب شهرستان یا کشور خارجی نیز در پرسشنامه خانوار تعیین می‌شود. همچنین، اقلام آماری سرشماری آینده جایهای داخلی را دقیقاً از سرشماری ۵۵ پیش بینی کرده است، به طوری که جایه جایی داخل شهرستان نیز مشخص خواهد شد. از نظر دستیابی به علل مهاجرت گرچه معمولاً " می‌توان به آمارگیری نمونه‌ای پرداخت، اما در سرشماری آینده علل مهاجرت نیز از مهاجران پرسیده می‌شود که بیشتر به جنبه‌های سیاسی-اقتصادی-اجتماعی مسئله توجه دارد. از نظر اقتصادی پرسش مربوط به " جستجوی کار یا کاربهتر " خواهد توانست روشگر باشد. از نظر سیاسی، مسئله معاودت و پناهندگی مطرح می‌شود. از نظر اجتماعی، تابعیت از خانوار، رفاه بیشتر و تحصیل مطرح خواهد شد و از همه مهمتر، دلیل وقوع جنگ تحملی است. البته علی نظریازدواج، انتقال هم ممکن است در پرسشنامه‌ها منعکس شود. گرچه پرسش‌های مربوط به علل مهاجرت در حوصله یک سرشماری نیست، مع ذالک به علت موقعیت زمانی خاص کشور، پدیده‌های مختلف جایه جایی (که بسیار هم شدید است) در دسته بندیهای مختلف بخصوص بحسب کشورها (از جمله افغانی، عراقی) و گرایشها و سمت کبری مهاجرتها از دید منطقه‌ای و قاره‌ای به ایران مشخص خواهد شد. در نظر بود سرشماری در سال ۱۳۶۳ آنچه شود که آن گاه تغییرات محل سکونت خیلی شدید می‌شد، اما در صورت انجام سرشماری در سال ۱۳۶۵، شاید ابعاد مختلف مهاجرت در موقعیت عادی‌تری روش شود و قابلیت انطباق با دوره‌هایی که اطلاعات مهاجرتی وجود دارد فراهم گردد.

چنان که پیش از این یاد شد، از سالهای همزمان با افزایش درآمد نفت، ورود سیل آسای کارکنان خارجی به ایران آغاز شد، به طوری که در سال ۶۵ تخمین زده می شد که حدود ۴۰۰ هزار افغانی در ایران مشغول به کار باشند. هر چند نمی شود این جمعیت را جزو مهاجران تلقنی کرد، ولی پیش آمده است که تعدادی از آن‌ان برای همیشه در این کشور بمانند. براساس تحقیقی که در سال ۵۷-۵۶ در دفتر جمعیت و نیروی انسانی صورت گرفته است (ماخذ شماره ۱۹)، نشان داده می شود که تا سال ۱۳۵۶ فعالیت اقتصادی سیر صعودی داشته و حجم سرمایه‌گذاری خصوصی دولتی، سالانه به طور متوسط ۲۳٪ افزایش داشته است. این فعالیت تعدادی از مقاضیان کار را جذب بازار کار می کرد، ولی به علت عدم گسترش کافی آموزش و پرورش نیروی ماهر و متخصص و به علت وجود دو استگیهای صنعتی به خارج، تعدادی از خارجیان نیز جذب بازار کار شدند. وضع آموزش عالی کشور نیز نشان می دهد که سطح آموزش عالی از معیارهای متوسط کشورهای در حال پیشرفت نیز پایین تر بوده است. برای مثال، به رغم نیازهای کشور به توسعه بهداشت و کشاورزی و صنعت، حدود نیمی از تحصیلکردهای سطح عالی کشور در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانش می آموختند در حالی که تنها یک چهارم دانشجویان در رشته‌های فنی و مهندسی و کشاورزی تحصیل می کردند.

در بررسی کارکنان خارجی در ایران، نشان داده می شود که در سال ۱۳۵۳ حدود ۱۶۰۰۰ نفر خارجی در ایران دارای پروانه کار (ماخذ شماره ۱۹) بوده‌اند که این رقم در سال ۵۵ به ۴۳۵۰۰ نفر رسیده و تا مرداد ماه ۵۷ دوباره شده است، بدینطوری که در پایان مرداد ماه ۵۷ تعداد ۸۱۰۰۰ نفر از اتباع ۹۳ کشور دارای پروانه کار در ایران بوده‌اند. این ارقام شامل کارکنان است و افراد خانواده آنان را در بر نمی‌گیرد. در سال ۵۳ می بینیم که نیمی از کارکنان در مشاغل فنی و حرفه‌ای و یک سوم نیز در خط تولید بوده‌اند و بقیه در مشاغل مربوط به امور دولتی و صنعتی اشتغال به کار داشته‌اند. به عبارت دیگر، عرضه نیروی انسانی برای گروه فنی و حرفه‌ای در داخل کشور، رشد کمتری نسبت به تقاضای نیروی انسانی داشته است. بنابراین در سال ۵۸ اگر رقیعی معادل ۵۰۰۰ نفر را که در بخش نظامی یا وابسته نظامی کار می کرده‌اند به رقم کارکنان مجاز و غیر مجاز بیفزاییم، تعداد خارجیان شاغل حدود ۵۳۲ هزار و اکثر اعضای احتمالی خانواده آنان و سایر متولدان خارج از کشور که مقیم ایران هستند نیز به آنها فزوده شوند، تعداد خارجیان مقیم ایران بیش از ۷۰۰۰۰ نفر می‌گردد. یادآوری می شود که در سال ۵۷، حدود $\frac{2}{5}$ کارکنان خارجی در تهران به کار اشتغال داشته‌اند و خوزستان، اصفهان، بوشهر و سیستان و بلوچستان به ترتیب در مقامهای بعدی قرار می‌گیرند، زیرا در بیشتر موارد مشابهی با محیط‌زندگی مهاجران خارجی داشته‌اند. در سال ۵۷ بیش از نیمی از کارکنان، از اتباع کشور کره، هندوستان، پاکستان، انگلیس، آمریکا و ژاپن بوده‌اند و اکثر تعداد کارکنان ایتالیایی، فیلیپینی، آلمانی، شوروی، فرانسوی را به آنان بیفزاییم، به ۸۱٪ می‌رسد.

در ماههای پس از پیروزی انقلاب، حدود ۶۰٪ کارکنان خارجی کشور را ترک کردند و نقل و انتقالات بعدی نیز هم ترکیب شغلی کارکنان خارجی را برهم زد و هم اینکه تغییراتی در کمیت ملیت‌های خارجی مقیم ایران پدید آورد. براساس آخرین آمار، تعداد خارجیان مقیم که پیروانه اقامت گرفته‌اند به حدود ۱۴۰۰۰ نفر می‌رسنده که از همه کشورگوناگون هستند. بیشتر آنان از کشورهای هندوستان، شوروی، ایتالیا، پاکستان، آلمان غربی و کره جنوبی می‌باشند که تقریباً ۷۱٪ کل را تشکیل می‌دهند و اگر اتباع کشورهای ژاپن، بنگلادش، افغانستان، فیلیپین و لهستان را به مجموع اتباع عکشور یاد شده بیفزاییم، نسبت این گروه به ۸۷٪ افراد مقیم می‌رسد که کلا "دو نتیجه می‌توان از آن گرفت:

۱. اتباع بیگانه مقیم در ایران بیشتر از کشورهای آسیایی هستند.

۲. در مجموع از تعداد و گستردگی کشورهای صاحب تبعه در ایران کاسته شده است.

مطلوب قابل ذکر دیگران است که منابع آماری در این زمینه با یکدیگر مطابقت ندارند، معیارهای آمارگیری نیز کاملاً متفاوت است و آمار خارجیان مجاز و غیر مجاز با یکدیگر اختلاف فاحشی دارد. به طوری که می‌دانیم، تنها از ۲ کشور خارجی، به علت وضع خاص کشور و تحولات "منطقه"، حدود ۲ میلیون نفر به گونه غیر مجاز و یا به طور اضطراری در ایران به سرمی برند. اگرچه بعضی از استانهای هم‌جوار مرزی توانسته اند سهم بزرگی از این افراد را جذب کنند و استانهای دیگر نیز، بسته به امکانات اقتصادی خود و با سایر ملاحظات سیاسی، تعداد دیگری را در خود جای داده‌اند.

در حال حاضر افغانستان و سپس عراق و آن گاه به ترتیب پاکستان و هند، حدود ۲ میلیون نفر از اتباع خود را به این کشور گسلی داشته‌اند. حدود ۱/۵ میلیون افغانی در ایران زندگی می‌کنند که تقریباً $\frac{1}{3}$ آنان در خراسان و کمی بیش از $\frac{1}{3}$ دیگر در استانهای سیستان و بلوچستان، تهران، مرکزی، فارس، اصفهان و کرمان و بقیه در سایر امکانات اقتصادی خود و با سایر ملاحظات سیاسی، تعداد دیگری در استان مرکزی $\frac{1}{5}$ در استانهای ایلام و لرستان و $\frac{1}{5}$ در استانهای یزد، اصفهان و فارس، و بقیه در سایر استانهای خصوص در خوزستان و باختراهن ساکن شده‌اند. "معاودان" به جزء استان مرزی غربی، در سایر استانهای مرکزی نهاد، از جمله تعدادی از آنان در خرم آباد در دوره دوگاه به سرمی برند. وبالاخره حدود ۱۵۰۰۰۰ پاکستانی و حدود ۱۰۵۰۰۰ هندی به طور غیر مجاز در کشور مقیم شده‌اند.

اسیران جنگی مقیم ایران که رقم غمده‌ای را تشکیل می‌دهند، باید به این ارقام افزود. اینان چند سالی است که به علت جنگ تحمیلی در نقاط مختلف ایران از جمله نقاط شهری ویا اردوگاههای سرمی برند و اغلب از کشور عراق و بعضًا اردن و مصر دیگر کشورهای هستند. ضمن اینکه نگهداری این عدد هزار زینه‌ای را برداش ملت می‌گذارد، موجبات بروز مشکلات دیگری نیز برای کشور می‌باشد، که امیدا است با پایان گرفتن جنگ تکلیف این عده نیز روشن گردد.

۲۱. آثار مهاجرت‌های خارجی در ایران

وقتی تعادل‌های اقتصادی-اجتماعی در یک منطقه از بین می‌رود، مهاجرت آغاز می‌شود، از نظر اجتماعی، تحولات فرهنگی، روانی و سیاسی نیز عوامل موثری هستند که مهاجرت را تشید می‌کنند. مردم برای گریز از آزارهای نژادی، سیاسی و گاه مذهبی، سرزمینی را ترک می‌کنند و در جای دیگری اقامت می‌گیرند. کمبود زمین‌های کشاورزی و پایین‌آمدن بهره‌وری این بخش نیز در کشاندن روستاییان به نقاط سرما بگذاری شده و یا مراکز خدماتی کمک می‌کند. این جایه‌جا ییها ممکن است به شکل گروهی، خانوادگی و یافردي باشد و در هر حال واستگاه‌هایی پدیده می‌آورده که به مهاجرت زنجیره‌ای می‌انجامد و حرکت مهاجرت شکلی مستمر به خود می‌گیرد. حال باید دید این حرکت‌ها چه پیامدهایی در اقتصاد، جمعیت و اوضاع اجتماعی کشورهای مهاجرت‌فرست و مهاجر پذیردارد.

در جامعه‌هایی که جمعیتشان پیوسته افزایش می‌یابد بی‌آنکه فرصت‌های استغلال هماهنگ باشند توسعه پیدا کند، بیکاری فزونی می‌گیرد و مردم در صدد بر می‌آیند که جامعه دیگری را برای زیست بسیار بند که به کار و مهارت آنان نیاز داشته باشد. بنابراین اگر مهاجرت روی دهد، رشد جمعیت جامعه مبداء تدبیل می‌شود و جمعیت جامعه مقصده علت مهاجرت افزایش می‌یابد. بدین گونه، مهاجرت در رشد جمعیت تاثیر می‌گذارد و غالباً "در تدبیل رشد جمعیت اثرا دارد. البته مهاجران در میزان زاده‌ولدت تاثیر کمتری دارند، چنان که مهاجرت افغانیها به ایران هنوز در زاده‌ولدت تاثیر چندانی نگذاشته است. اما با کذشت زمان، امکاناتی فراهم می‌شود که زناشویی میان مهاجران افغانی با ایرانیان روبه افزایش می‌گذارد که آن گاه در افزایش جمعیت اثرخواهد گذاشت بخصوص که اکثر آنان مرد و در سنین ازدواج هستند.

مهاجرت در سطح اشتغال اثر می‌گذارد. مشکل کمبود اشتغال در کشور مقصد حل می‌شود. بنابراین در زمینه تقاضای نیروی انسانی، کشور مقصد دچار مشکل کمتری خواهد بود، و به همین ترتیب کشور مهاجر فرست از مشکل "افزایش عرضه" رهایی خواهد داشت.

مهاجرت در ترکیب سنی جمعیت اثر می‌گذارد، یعنی جمعیتی را پیروز دیگری را جوان می‌کند. معمولاً "جمعیت کشور مهاجر فرست جوان" و "جمعیت کشور پذیر اپیوت" می‌شود.

مهاجرت در اقتصاد کشور مهاجر نیز اثر می‌گذارد. این اثر بیشتر در رشد اقتصاد و تولید ملی متجلی می‌گردد که نکات زیر مطلب فوق را توجیه می‌نماید:

ا) میزان فعالیت جمعیت مهاجر از جمعیت بومی بیشتر است. تقریباً تمام افغانیهای مقیم ایران فعالند، بنابراین، "میزان فعالیت" جامعه را بیز بالامی بردوبار تکلف کم می‌شود.

کشور مهاجر پذیر از سرما بگذاری کشور مهاجر فرست در مورد جوانهایی که مهاجرت‌های مختلف فیلماندو به لازار

کار عرضه می شوند، استفاده می کنند و به عبارت دیگر، کشورها جریده برای نیروی کار ماهرو متخصص خود در بعضی از مهارت‌هازینه‌ای متحمل نمی شود، نمونه آن کشورهای کانادا و آمریکا هستند که از فرار مفرزها (از جمله ایرانی) به سوی کشورهای خود بالاترین نفع اجتماعی را می بینند، به طوری که بیش از نصف پزشکان ایرانی، باین دو کشور جذب شده‌اند.

مهاجران بیشتر تولید کننده هستند ناصرف کننده. لاقل در مردم افغانیها، هندیها و پاکستانیها و اهالی کشورهایی از این قبیل به راحتی می‌توان فرض فوق را پذیرفت. زیرا علاوه بر میزان بالای فعالیت، الگوی مصرف آنان نیز، بویژه در مردم مصرف کالاهای پرداز، با جمعیت بومی فرق دارد. علت آن است که سطح زندگی آنان پایین است.

اما به هر حال، وجود آنها بر تفاوت ای کالاهای مصرفی، می‌افزاید. در موقعیت کنونی، اگر در ایران بر اساس آمارهای دقیق تعداد این مهاجران، برای تامین ارزاق ایشان برنامه ریزی نشود، به کموداین گونه کالاهای ایجاد بازار سیاه خواهد آمد. می‌دانیم که اکنون نیز این واقعیت کما بیش آشکار است و بیشتر مغازه‌های از دونرخ (دولتی و آزاد) برای فروش کالاهای استفاده می‌کنند.

در میان افراد بومی جویای کار و مهاجران کارجوی، اغلب رقبتهاشان شدیدی پذیده می‌آید که اگاه به برخورد های خشونت بار می‌انجامد. نظیر این گونه برخورد هاچه بسیار مهاجران داخلی نیز پیش می‌آید. مانند کشمکش‌هایی که در گذشته میان زابلیهای مهاجرون و میان منطقه گندگان رخ می‌داد. به هر حال، سارها دیده شده است که حتی در میدانهای محل تجمع کارگران افغانی و ایرانی، میان ایشان در گیری و زد و خورد پیش آمده است.

کشورهای مهاجر فرست معمولاً "از خروج برخی از مهارت‌ها از بازار کار خویش زیان می‌بینند و کشورهای مهاجر در عوض از این گونه مهارت‌ها بهره می‌گیرند. در صورتی که مهاجران، مهارت‌های گوناگون خود را به افراد بومی انتقال دهند، خواه ناخواه تنبیه‌ی در مهارت‌های داخلی و بازار کار پذیده می‌آید و ترکیب شغلی بر حسب کیفیت تحول پیدامی کند.

در ایران پس از انقلاب، کارگران خارجی مقیم ایران در چنان حد مهارت فنی نیستند که بتوانند بر سطح مهارت و تکنولوژی در محیط اطراف خود اثرگذارند. در پیش از انقلاب نیز به علت چیزی که رویه خاص کار فرما، فضایی وجود داشته است که معمولاً "کارگران بیگانه از انتقال مهارت‌های خویش خودداری می‌کردند و مواد قانونی در این زمینه رعایت نمی‌شده است. بدین گونه، کارگران ایرانی بخصوص در بخش دولتی، کمتر می‌توانند از دانش و تجربه کارگران بیگانه بهره بگیرند، و از این رو، شاید بتوان گفت که آن فرهنگ جدیدی را که انتظار می‌رفت مهاجران (در تئوری و عمل) ارائه دهند. همچنان در انحصار خود ایشان باقی ماند.

به هر حال، تردیدی نیست که معمولاً "مهاجران فرهنگ تازه‌ای با خود به کشور می‌پیشان می‌آورند که یا دانش و تجربه فنی (= تکنولوژیک) و یا فرهنگ به معنای اجتماعی و معنوی آن است. پیش از انقلاب،

۱. میدانهایی که کارگران در آنجا منتظر کار فرمایان هستند.

اشاعه‌این فرهنگ مهار نمی‌شد، اما در دوران پس از انقلاب، ضوابطی تعیین شده است که از رخنه فرهنگ‌هایی که زیان بخش دانسته‌می‌شود جلوگیری می‌کنند و اشاعه هرفرهنگی در بیرون از چارچوب مقررات و ضوابط جمهوری اسلامی مجاز نیست. زندگی خارجیان در ایران و یا ایرانیان در خارج، طبعاً "به برخورد های فرهنگی و تاثیر دو جانبه می‌انجامد، و آن فرهنگی که چیره‌می‌گردد و یا از برخورد دو فرهنگ زاییده می‌شود، همچون یک پدیده" جدید اجتماعی پدیده می‌آید و خود سماوی می‌کند.

تایپیش از تاسیس مدارس مختلط ایرانی- خارجی، وجود دانش آموzan بیگانه در ایران، با همه گوناگونی ملیت‌هایشان، تاثیر چندانی در فرهنگ ملی نداشت. اما پس از آنکه احداث مدارس مختلط همچون موجی شیوع یافت، با آمیزش ایرانیهای ایتالیاییها، فرانسویها، آمریکاییها، آلمانیها و ... فضای اجتماعی فرهنگ تازه‌ای در میان ایشان پدید آمد که دانش آموzan این گونه مدارس را از نظر اراده‌نشانی و فتوحات را خصوصیات اخلاقی و نیز ظاهری از بقیه دانش آموzan کشور متبا ایزیمی ساخت. همچنین، دانشگاه‌هایی که با نظامهای آمریکایی، آلمانی و یا فرانسوی اداره می‌شدند، آثار خود را، هم بر محیط آموزشی و هم کتابخانه‌ش در جامعه بر جای می‌گذاشتند. در کنار اینها، از فرنگ برگشتگان و در خارج درس خواندن کان نیز عامل نشر و توسعه فرهنگ کشورهای محل تحصیل خویش گشته‌اند.

به طور کلی می‌توان گفت که مهاجران در جریان جایه‌جایی خود، زبان، مذهب و آداب و رسوم خویش را به همراه می‌آورند و با آنچه در کشور میزبان است در می‌آمیزند.

در زمانه‌دستمزدها، مهاجرت نیروی کار ساده دستمزدها را متعادل نگاه می‌دارد و موجب رقابت در دستمزدهای شود و هزینه‌های اجتماعی دولت را در بعضی از موارد کم می‌کند، بخصوص آنان که به طور غیر مجاز وارد کشور شده‌اند و قوانین کار در مردم شان اعمال نمی‌شود. اما چون اکثر مهاجران در سنین کارهستند و جزو جمعیت فعال به شمار می‌روند، نسبت جمعیت فعال در کل جمعیت فزونی می‌باشد و حاصل کار آنان تولید را افزایش می‌دهد و در آمیزه‌سالی را می‌رساند. مثلاً حدود ۲ میلیون کارکن خارجی در ایران (تحت هر عنوانی که در این کشور به سرمی برند) در تولید و افزایش تولید نقش دارند. اما چون اکثر این گروه به طور غیر مجاز کار می‌کنند و اطلاعاتی از زمانه‌فعالیت آنها در دست نیست و از این رود را مارکری به اینها جزو نیروی کار به شمار نمی‌آیند، بنابراین تولید آنها نیز جزو تولید افراد بومی و غیر بومی مجاز به حساب می‌آید، و در آمیزه‌سالهای حاصل از تولید این تعداد غایب در آمارها است بالای رود. حق این است که لاقل در برآورد ها و محاسبات تولید ملی و در آمد سرانه، به تحویل به حساب آینده موجب تغییراتی در رسمهای مربوطه نباشد.

"عمولاً" مهاجرانی که از کشورهای همسایه وارد ایران شده‌اند، پس از مدت کوتاهی، صاحب پس‌اندازهای نقدی می‌شوند، زیرا هزینه مصرف آنها کمتر از درآمد شان است. باید توجه داشت که این گونه پس‌اندازهای در اقتصاد کشور نقش مفیدی نمی‌توانند داشته باشند و به بول حبس شده‌ای می‌مانند که به خواست مهاجران

کشور خارج می شود و با این انتقال سرمایه، اثر منفی در اقتصاد کشور می گذارند. کل این پساندازها در مجموع رقم مهمی است که به علت بلوکه شدن، محدودیت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری در کشور به وجود می‌آورد، ولذا اثربخشی در تشكیل سرمایه‌بدهی توبه‌خود در اقتصاد کشور دارد، اما در صورت انتقال این پساندازها به کشور اصلی، حجم سرمایه‌در آن کشور افزایش می‌یابد. با این همه، باید گفت که معمولاً (و بویژه در مورد کارگران مهاجری که به ایران می‌آیند) بیشتر پساندازها به مصارف جاری زندگی می‌رسد و در رشته‌های تولیدی به جویان نمی‌افتد و مثلاً "بیشتر کارگران ساده به خاطر رفع نیازهای خود از جمله تهیه مقدمات و مهریه ازدواج به پساندازی پردازند.

مهاجرت، اگر مت متوسط اقامت و نیز مدت پساندازی داشته باشد، گردش پول را زیاد می‌کند. از آثار متقابل دیگر، این است که رشد جمعیت الزاماً " باعث سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود و اگر کشور مهاجر پذیری مثل ایران را در نظر آوریم و مهاجران را نیز در برآوردها به حساب جمعیت کشور منظور کنیم، باید میزان سرمایه‌گذاری ناشی از مهاجرت را افزایش دهیم که قسمتی از آن در ارتباط با هزینه‌های اجتماعی و قسمت دیگر مربوط به رونق دادن به چرخه‌ای اقتصادی کشور است که موجبات اشتغال مهاجران را نیز فراهم می‌آورد.

به طور کلی مهاجرت‌های انسوهه مجازیاً غیر مجاز بیدار و زندگانی مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی است؛ از نظر اقتصادی، افزایش جمعیت از رشد در آمدورانه‌می کاهدوپر مسکن، بهداشت، آموزش و خدمات رفاهی فشار وارد می‌آورد. چنان که عودت ایرانیان مقیم عراق، در شرایطی که کشور دچار تگناهای بود، فشار را در زمینه‌های مختلف نشان داد. این معاودان در مدتی که دولت مشغول برنامه‌ریزی جهت اسکان آنها بود وضع رضایت بخشی نداشتند و تعدادی از آنان پس از مدتی سرگردانی جهت جاومکان، سرانجام در مکانهای نامناسب مسکن گزیدند و بعضًا " به کارهای خرد پاپرداختند که اشتغال مولداست و نه در اقتصاد مملکت نشان مورثی دارد. گذشته از آن، این نوع مشاغل بیکاری را شدمی دهد و برناخشنودی قشرهای از جامعه می‌افزاید. با این همه باید گفت که این گونه نارضایتیها گذراست زیرا پذیرفتن واقعیت‌های جامعه و در نظر گرفتن مسائل انسانی، دیدگاه‌های دیش مزد و رفتار و کردار ایشان را طی زمان تغییر می‌دهد، بخصوص هنگامی که اندیشه یک جامعه، یکانه‌امتی واحد مطرح باشد، برادران و خواهران معاوذهای جهت از جامعه و در نظر گرفتن مسائل زندگی و فعالیت دارند و گذشت متأخری مسلمانان در مورد مهاجران و انصار در زمان صدرالسلام گواه برای بینش است مهاجران غیر قانونی معمولاً " پساز گذشت از مرز در همان نقاط مرزی مستقر می‌شوند و کسانی که آشنازی بیشتر با کشور داشته باشند، به مناطق جاذب نیروی انسانی کشانده‌می‌شوند (شاید خراسان در مورد ورود افغانیها نمونه باشد)، گرچه پس از مدتی آنها بینهای مناطقی می‌روند که دستمزدهای بیشتر باشد. نمونه این امر افغانیها است که در مشهد و حومه آن در بسیاری از فعالیت‌ها خصوص دارند و بالاخره در تهران که در بخش‌های ساختمانی و خدماتی و حتی دوزندگی فعالیت می‌کنند و دستمزدهای بالایی دریافت می‌دارند. به هر حال، ورود مهاجران به اقشار پایین اجتماعی فشار می‌آورد، زیرا در بازار کار مشاغل آنها بموسیله تازه‌واردان اشغال

می شود . نتیجه این امر ، بیکاری کارگران بومی و افزوده شدن آنها به شمار بیکاران پیشین است ، اگر وقوع چنین پدیده ای شدید نیز نباشد ، باز سیاری از مشاغل مطلوب بومیان از دست ایشان خارج می شود . مشلا " مشاغل چاه کنی و مقنی گری را که کارگران بزدی و همدانی اکثرا " در قبضه خود داشتند ، اینک بیشتر افانیها با دست مردم کمتری انجام می دهد و کار فرمایان نیز ترجیحا " افانیها را برمی گزینند . هنوز تحقیقات کافی در این زمینه که آیا مهاجران وضع بهتری نسبت به کشور مبدأ دارندیانه ، انجام نگرفته است ، ولی شواهد موجود نشان می دهد که افانیها از اقامت در ایران رضایت دارند ، در حالی که معاوдан عراقی در کشور مبدأ از امکانات بیشتری در گذشته برخوردار بوده اند . اما در مورد مهاجران ایرانی که اکثرا " بنایه تصمیم فردی به خارج رفتند دور قرن آنها نیز عجلانه بوده و انتقال سرماهی با اشکال رو به رو بوده است ، به نظر می رسد که وضع مطلوبی نداشتند .

همچنین بجاست اگر در مورد محرومیت های جمعیت مهاجر که موجب بروز رفتار ها و گرددار های ناپسند می شود ، مطالعاتی انجام گیردو واکنش های منفی یا مثبت جامعه در مقابل اعمال و رفتار آنان مورد شناسایی قرار گیرد . گذشته از آن ، لازم است که بیماری های واکیری که تازه واردان می توانند ناقل آن باشند پیشگیری شود و بحران روانی حاصل از وجود آنان در جامعه ، بر طرف گردودی گردد و بوجود بلوجهادر گنبد و افانیها در هر جایی مملکت مسئله ساز نباشد .

مهاجرت های گروهی گرچه بر حاشیه نشینی می افزايد ، ولی هنوز مطالعات مستندی درباره میزان حاشیه - نشینی مهاجران خارجی انجام نگرفته است . به هر حال ، اگر مهاجران خارجی احسان کنند که در کشور میزبان وضعی وقت و گذر ادارند ، هر شرطی را برای مسکن خواهند پذیرفت و در این وضع ، مسکن مناسی هم به طور وقت در شهر ها نخواهد داشت .

امیداست که پژوهندگان بیش از پیش با تنهاییاتی که خواهند داشت به روشن کردن علل و مسائل و معضلات ناشی از مهاجرت های داخلی و خارجی بپردازند و حاصل تلاش آنان کمکی به تصمیم های دولت در گزینش سیاست های مهاجرت باشد .

این گزارش کوشش خود را به بررسی وضعی مهاجران خارجی در ایران و عمل مهاجرت‌های داخلی و خارجی و بالاخره آثار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ناشی از مهاجرت‌ها معطوف داشته است و ازانجایی کم‌های جرتهای خارجی از جهات اقتصادی و اجتماعی وجوده مشترکی با مهاجرت‌های داخلی دارد، توانما" به شرح ویژگی‌ها مهاجرت‌های داخلی و خارجی پرداخته است. تلاش مادر این راستابوده است که ویژگی مهاجرت‌های خارجی بیشتر شناسانده شود تا متناسب با هدفهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، درباره سیاست‌گذاری مهاجرت‌ها به بحث پردازد. اما گزارش در این زمینه بانبود اطلاعات جام روبه رو شده است و از این روحیت حل مشکل تائیس "اداره مهاجرت" و انجام مطالعات مربوط به شناسایی ابعاد مهاجرت و مهاجران را پیشنهاد کرده است.

نتایج داده‌های سرشماری، جایه‌جایی‌های داخلی را نشان می‌دهد. در سال ۱۳۴۵ حدود ۱۱٪ جمعیت کشور در محلی غیر از محل تولد خود زندگی می‌کرده اند و این نسبت در سال ۱۳۴۵ به ۱۳٪ رسیده است و آن گاه میزان جایه‌جایی شدیداً "بالاتر رفته، جانچه در سال ۱۳۵۵ نسبت به جایه‌جایی در سطح کشور از ۲۲٪ جمعیت فراتر رفته است. حال اکثر متولدان خارج از کشور را مهاجران خارجی (ونه همه آنها) تلقی کنیم، می‌بینیم که این عدد در سال ۱۳۴۵ معادل ۲۴٪ جمعیت کشور در سال ۱۳۴۵ برابر ۲۲٪ و سرانجام در سال ۱۳۵۵ ۱۵٪ معادل ۱۵٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. این عدد در نقاط شهری، ۹۶٪ جمعیت شهری و در نقاط روستایی، ۱۵٪ جمعیت آن نقاط را شامل می‌شوند. در بررسی مقایسه‌ای گروههای سنی از یک دوره‌ده ساله نسبت به دوره ده ساله قبل، نشان داده می‌شود که این جمعیت "مصنوعاً" "افزایش یافته است، به طوری که تعداد آن از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ در افزاییده مهاجرت به داخل کشور به ۴ برابر رسیده است. رقم بالای نسبت جنسی (یعنی ۱۱۹) برای این عدد، معلوم می‌دارد که تعداد افراد ذکور به طور محسوس میان آنان زیادتر بوده است و با توجه به گروههای سنی، آشکار می‌شود که اکثر "درسنین کاری قرار دارند. نسبت جنسی در شهر روزتا متفاوت است و برابر ۱۱۲ در مقابل ۱۷۴ می‌باشد. این عدد بیشتر جذب مناطق شهری و استانهای شده‌اند که به نحوی، از بازار کار بهتر و امکانات اقتصادی بالاتری برخوردار بوده‌اند. بخصوص درسنین ۱۵ تا ۴ عسالگی بیشتر در شهرهای بزرگ متعرک شده‌اند که در نقاط شهری نسبت جنسی در فاصله ذکر شده بالاتر از سایر نقاط سنی است و برای نقاط روستایی بجز گروه صفتانه ۴ ساله، نسبت جنسی خیلی بالاست و گاهی از ۲۵٪ نیز فراتر می‌رود. ترکیب این جمعیت از نظر ترکیب سنی متفاوت از جمعیت کشور پیر تراز آن است.

نقش شهرهای بزرگ در جذب مهاجران خارجی بسیار مهم است، به طوری که تنها شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز و کرج، دونفر از هر ۵ نفر مهاجر از خود پذیرفته‌اند. یعنی در اصفهان از هر ۵ نفر، اهواز از هر ۹ نفر، تهران از هر ۵ نفر و خرم‌شهر از هر ۴ نفر، یک نفر مهاجر بوده است. کلا "۱۲ شهر بزرگ ایران، $\frac{2}{3}$ مهاجران خارجی را در خود جای داده‌اند، یعنی نقاط جاذب نیروی کار خارجی، بیشتر جاها بی‌هستند که به نحوی سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و خدمات انجام گرفته و نیاز به نیروی کار خارجی وجود دارد.

بیش از نصف "مهاجران خارجی" در استان مرکزی سکونت دارند و آن گاه در خوزستان، خراسان و اصفهان و برای بقیه استانها، توزیع حجم مهاجران افت محاسبه شده است. بنابراین، بر حسب استقرار واحدهای تولیدی در استانها و یا بر حسب اجرای بروزهای اقتصادی و بالاخره به دلیل مرزی بودن بعضی استانها، تفاوت هایی در توزیع مهاجران بخصوص بر حسب جنسیت مشاهده می شود. یعنی امکانات اسکان در بعضی از استانها برای مردان دو برابر همین امکانات برای زنان است. به حال جذب مهاجران مستقیماً "با میزان درجات جذب و دفع استانها بستگی دارد. ریشه های تاریخی سیاسی هم در مواردی جاذب و دافع مهاجر بوده اند، از قبیل: حرکات جمعیت در مرزهای شمالی کشور در گذشته و خروج عده ای از اهالی از ایران در سالهای اخیر و بالاخره ورود افغانیها، پاکستانیها، عراقی های ایران و عزیمت ایرانیان به کشورهای خلیج فارس و آمریکا و اروپا و استرالیا.

نیروی دفع از مبدأ و جذب مقصد، از گرایش های عده مهاجرت است که حرکت های جمعیتی را به شکلها م مختلف (مانند مهاجرت روستاییان به سوی مناطق صنعتی و شهری و مهاجرت های گروهی متاثر از تصمیمهای سیاسی و مهاجرت های بین کشورهای خارجی) شامل می شود. این حرکت ها از دیر باز در تاریخ وجود داشته و تهمه از دوره های مختلف شدت و ضعف یافته است که در بیشتر موارد مشکلاتی در نقاط مبدأ و مقصد پیدا وردند و مهاجرت های ای روشی، تنگی های اقتصادی و اجتماعی و امنیتی را نیز سبب شده است. بنابراین باید پدیده مهاجرت را از لحاظ کمی و کیفی شناخت، تا سیاست گذاری "شکل مطلوب مهاجرت" متناسب با حرکت های اقتصادی و اجتماعی کشور انجام پذیرد. در این رابطه، از اهمیت و نقش ابزارهای شناخت جریان های مهاجرت، از جمله سرشماریها، آمار گیریها و فعالیت اداره های مهاجرت که لا اقل آمارهای گزارشی تهیه می کنند، می توان نام برد.

در ایران، درباره نیروی دافعه روستا که موجب مهاجرت روستاییان به شهرها شده است، به عواملی مانند: اصلاحات ارضی، اسکان عشاپر، تاسیس شرکت های کشت و صنعت و آبیاری، و شرکت های سهامی زراعی و تعاونی تولید، می توان اشاره کرد. همچنین عواملی مانند: وجود پول و ثروت ناشی از توزیع نامتعادل درآمد نفت و درنتیجه فاصله درآمدی شهر و روستا، اشتغال کاذب شهری، حمایت اقتصاد شهری در بخش صنعت و خدمات، و مسئله زمینهای شهری و ساختمان سازی، در کش مهاجران موثر بوده اند. این عوامل، حجم جا به جایی جمعیت داخلی و جمعیت خارجی به ایران و بالعکسر ادراستهای اخیر تشید کرده اند. به طوری که در سال ۵۵، یک نفر از هر ۵ نفر جمعیت کشور جایه جا شده است و پایا اکن در سال ۶۵ تا اوایل ۷۵ حدود ۴۰۰ هزار افغانی در ایران وجود داشته اند، اکنون تعداد آنان به ۴ برابر رسیده است که البته علاوه بر عوامل اقتصادی، بروز تحولات سیاسی درون مرزی نیز در تشید این حرکت موثر بوده است. همچنین، ورود معاوдан عراقی به کشور نیز ناشی از این نوع تصمیم گیری هاست. نتیجه آنکه، کشوری مانند افغانستان، سهم عظیمی از نیروی کار

۱. در سال ۱۳۵۵ تهران جزء استان مرکزی بوده است.

خود را از دست می‌دهد و به کشوری مانند ایران انبوی عظیمی از جمعیت تحمیل می‌شود و بدنبال آن مسائل و مشکلاتی در زمینه بیکاری نیروی کار داخلی پدیده می‌آید و چون حجم مهاجرت، چه خارجی و چه داخلیست، بالاتر از ظرفیت‌های اقتصادی کشور است (نقش سازمان ملل نیز در مورد پناهندگان به ایران، فعال نیست) ، لذا کشور گرفتاریها بی‌درز مینه‌اقتصادی و اجتماعی پیدا کرده است.

در داخل کشور، از هر ۵ نفر مهاجر، ۴ نفر شهر و یک نفر روستا به عنوان مقصد بزرگریده است. اما اطلاعات دقیقی از مقصد ایرانیان خارج شده از کشور، در دست نیست. در مورد مهاجران خارجی در ایران، با وجود اطلاعات پراکنده و ناقص فعلی، آنچه ازداده‌های سرشماری سال ۱۳۳۵ بر می‌آید حاکی از آن است که بیشترین آنها از کشورهای سوری، عراق، ترکیه، آمریکا، هند، آلمان، پاکستان، فرانسه و افغانستان به ایران آمدند. و در حال حاضر، اکثریت مهاجران خارجی در ایران شامل ملیت‌های افغانی، پاکستانی، هندی و عراقی هستند. جابه‌جایی‌های داخلی بیشتر در استان‌های تهران، مرکزی، خوزستان، مازندران، اصفهان و خراسان صورت گرفته است و استقرار مهاجران خارجی نیز بیشتر در این استان‌ها، و بخصوص در استان‌هایی که جمعیت شهری آنها بر جمعیت روستایی فزونی دارد و بنابراین رشد سرماهی‌گذاری نیز بیشتر بوده است، انجام گرفته است. به علاوه، چه برای مهاجرت‌های داخلی و چه خارجی، علت مهاجرت پایین‌بودن در آمده‌اند در مبدأ مهاجرت بوده است که موجب انتقال نیروی کار به محل مقصد شده است.

انگیزه‌اصلی مهاجرت‌های اقتصادی بوده است. یعنی بیکارانی که برای جستجوی کار به محیط‌های شهری رفتند، پس از اشتغال در آن نقاط ماندگار شدند. یا مهاجرت به منظور "کار دیگر" و "کار بهتر" و بالاخره "ازدواج" صورت گرفته است. برای عده‌ای دیگر نیز مهاجرت به "تبیعت از خانوار" روی داده است که مهاجرت را به شکل پدیده‌ای خانوادگی (با توجه به سهم انگیزه‌های مالی برای هر خانوار) جلوه می‌دهد. عامل "تحصیل" و "انتقال" نیز سهم کمی از مهاجرت‌هارا موجب شده است.

در کل اقتصاد نیز می‌بینیم که بیشتر سرماهی‌گذاریها در بخش صنعت و خدمات است و بالاترین ارزش افزوده نیز متعلق به این بخشهاست. بنابراین، سهم بخش کشاورزی چه در سرماهی‌گذاری و چه در ارزش افزوده نمود چندانی ندارد و شدی منفی نسبی آن شده است. سهم آشتغال در صنعت و خدمات چشمگیر، ولی بخش کشاورزی متناسب با سرماهی‌گذاری و افزایش نیروی کار بالقوه، اشتغال زایی نداشت و نیروی کار را دفع کرده است که خود موجب حجمی شدن بخش جمعیت شهری از طریق مهاجرت گشته است.

در بعضی از استان‌های تراکم زیستی جنوب بالارفته است که ناگزیر فرار نیروی کار از این کشاورزی به بخش صنعت و خدمات را چکشته است. رونق بازار کار در صنعت و خدمات بختی بوده است برای کارکنان نیمه ماهر و حتی غیر ماهر خارجی که بین کشور روازدند و در چند سال اخیر نیز بر شمارشان افزوده شده است. بنابراین فاصله‌درآمدی چه برای مهاجران داخلی و چه برای مهاجران خارجی در ایران، یکی از عوامل مهاجرت است

که با کسب درآمد بیشتر منجر به تغییر "طبقه اجتماعی" نیز می شود.

به وجود آمدن شرکتهای چندملیتی بازمیمه کارهای تخصصی که عرضه نیروی کار داخلی در سالهای ۵۰ به بعد، نیروی انسانی آنها را مینمی کرد، و همچنین افزایش حجم سرمایه گذاریهای عمومی و خصوصی و سیر صعودی فعالیتهای اقتصادی وجود و استگاهی صنعتی به خارج، یاتوجه به سیاستهای اشتغال دولت و سیاست اشتغال بخش خصوصی، بخصوص خواست کارفرمایان در به کارگیری کارکنان خارجی، همه اینها موجب ورود خیل عظیمی از خارجیان به کشور شده است و از سالهای ۵۵ به بعد، به جهاتی از قبیل دستمزد کمتر و کار بیشتر و در درست کمتر از نظر قوانین کار و بیمه کار فرمایان برای استفاده از نیروی کار ساده خارجی اشتیاق بیشتری از خودنشان داده اند. در بیان آن، عده زیادی از کشورهای افغانستان، پاکستان، هندوستان و ... و بیشتر به صورت غیر مجاز، به کشور آمدند و مشغول به کار شدند، به طوری که تنها در سال ۶۵ تعداد افغانیهای مقیم ایران ۴۰۰ هزار نفر تخمین زده می شد. این نیروی کار ساده، بیشتر ماندگاری را در ایران برگزیده است و بر تعداد آن افزوده شده است، به طوری که در حال حاضر به حدود ۴۰٪ جمعیت کشور رسیده است که سهم آسیایی هارقم عده را تشکیل می دهد. از ترکیب شغلی آنان، به جزء مردم گروهی که دارای پرونده کار هستند، اطلاع درستی در دست نیست، ولی $\frac{2}{3}$ کارکنان دارای پرونده کار در گروههای تخصصی و فنی ارائه خدمت می نمایند. بدین ترتیب، روشن است که عرضه نیروی کار کشور در این گروه شغلی کافی نبوده است که بمناکری موجب استفاده از نیروی کار خارجی شده است. بجایست که "آموزش عالی" برای تامین نیروی انسانی این گونه مشاغل، با برنامه ریزی به کوشش بپردازد... یاد آور می شود که در گذشته آموزش عالی گسترش کافی جهت تربیت نیروی ماهر و متخصص نداشته و سطح آموزش عالی از استانداردهای متوسط کشورهای در حال پیشرفت نیز پایین تر بوده است. برای مثال، به رغم نیازهای کشور به توسعه بهداشت و کشاورزی و صنعت، حدود نیمی از تحصیل کرده های سطح عالی کشور از رشته های علوم انسانی و اجتماعی بوده اند که بازار کار توانایی جذب آنها را نداشته است، در حالی که تنها $\frac{1}{4}$ دانشجویان در رشته های فنی و مهندسی و کشاورزی تحصیل می کرده اند. سهم کارکنان خارجی دارای پرونده کار، در امور دولتی و صنعتی زیاد نیست. اگر دلیل این امر خود کفای نیروی انسانی در تولیدات کشاورزی و صنعتی باشد، جای نگرانی نیست، ولی اگر سطح تولید آن قدر پایین آمده است که بازار کاری برای متخصصان خارجی وجود ندارد، باید ترتیبی داده شود که از همکاری آنان به منظور افزایش تولید با کیفیت مرغوب و بهره وری بالا و انتقال تکنولوژی استفاده شود. ترجمه کمودا بازار تولید و عدم تامین کافی آنها از خارج موجب پایین آمدن ظرفیت تولید شده است. مع هذا سیاستهای جذب نیروی انسانی را به عنوان یکی از عوامل تولید، می توان درجه تی تنظیم و اجرای کرد که هم تولید و هم کیفیت تولید بالا رود. بخصوص در سالهای اخیر که ظرفیت عرضه نیروی کار متخصص توسط دانشگاه ها و ارگانهای داخلی پایین آمده است و روند برگشت دانشجویان خارج نیز ترکیب سابق خود را ندارد. گذشته از این، دانش آموختگانی

که کشور به فعالیت‌شان نیاز دارد به ایران بازنمی‌گردد و گروهی که بازمی‌گردند اغلب دارای تحصیلات نیمی‌ساله هستند و تجربیات ناکافی هستند. به علاوه، نیروی کار خارجی فعلی در ایران نیز بیشتر از کشورهای آسیایی هستند که میزان کارآبی آنان نسبت به اتباع کشورهای اروپایی و آمریکایی موردن تردید است. این گروه بیشتر به علت عدم جذب خود در بازار کار بین‌المللی از جمله آمریکا و اروپا، به کشورهای جهان سوم رومی آورند و شرایط کار و درآمد و موقعیت‌های شغلی موجب ماندگاری آنان در ایران شده است. نتیجه آنکه، یک سیاست منسجم نیروی انسانی می‌تواند حرکتهای نیروی انسانی را در جهت منافع و مصالح کشور به کار گیرد.

مهاجرت به منظور دستیابی به ارزش‌های معنوی و یا مالی بر حسب هدفهای مهاجر قابل نفوذ نیست و در دین مبین اسلام، مهاجرت جهت تعقیب هدفهای والا ناکید شده ولاقل این نقل و انتقال‌های میان مسلمین در بلاد اسلامی و یا غیر اسلامی همچنان وجود خواهد داشت. چنان که کشور ماضی از تحولات کشور افغانستان پذیرای گروه کشی‌ای افغانی‌هاشد و با برآثر اعمال سیاست‌های کشور عراق، عده‌ای دیگر از مسلمانان، چه ایرانی‌الاصل و چه عراقي، به کشور ماروی آورده‌اند. همچنین، به علت تحولات خاور نزدیک، افرادی حتی از لبنان و سایر کشورهای عربی به ایران مهاجرت کرده‌اند که لازم است با یک برنامه ریزی جامع از این نیرو به نفع جامعه و تولید ملی بهره گرفت. یاد آورمی شود که تنها از ۴ کشور افغانستان، عراق، پاکستان و هند، حدود ۲ میلیون نفر به شکل غیر مجاز و یا به طور اضطراری در ایران زندگی می‌کنند (۱/۵ میلیون افغانی، ۲۵۰۰۰۰ عراقي، ۱۵۰۰۰۰ نفر پاکستانی و ۱۰۰۰۰۰ نفر هندی). اسیران جنگی مقیم ایران نیز رقم عمده‌ای را تشکیل می‌دهند که بیشتر عراقی، مصری و اردنی هستند که امید است پس از پایان جنگ تکلیف آنان روش نشود.

مسئله بعدی در علل مهاجرتها، وجود بیکاری فصلی است که بیکاران را به شهری کشاند و با کسب درآمد های بالا آشنا می‌سازد و موجب کوچ از روستا به شهری شود.

تغییر محیط زیست از نظر فرهنگی و اجتماعی موجب ترغیب مهاجران در کندن از روستا و روی آوردن به شهرها و شهرهای کوچک به سوی شهرهای بزرگ و بالاخره به خارج از کشور می‌گردد. شاخصهای اجتماعی توسعه برای مناطق روستایی ایران، نشانگر حد پایینی از معیارهای لازم برای حداقل زندگی است. بنابراین طبعاً این نواحی که دافع جمعیت روستایی خوبیش هستند، نمی‌توانند برای مهاجران خارجی جاذبه‌ای داشته باشند.

وقوع انقلاب اسلامی از سال ۵۷ به بعد، موجب مهاجرتهای انتخابی و یا اضطراری گردید. از این جایه‌جاییها آمار صحیحی در دست نیست و علل آن بیشتر گرینش محل امن، فرار سرمایه و سرمایه‌دار، تغییر محیط فرهنگی، تغییر محیط شغلی و بالاخره استقرار ایثارگران در محله‌ای مختلف جهت خدمت به مملکت و همچنین رفت و برگشت جوانان جهت تحصیل و کار از کشور و یا بالعکس می‌باشد.

از شهریور ماه ۵۹ با شروع جنگ تحمیلی، جایه‌جایی جمعیت چه در مناطق درگیر جنگ و چه در بی

آن در سایر مناطق داخل کشور و نیز به سوی خارج وکم و بیش در سراسر "منطقه" شدت گرفت وارد و گاهی جدید مسکونی پیدا شد و بعضی از مکانهای استقرار جمعیت نیز خالی از سکنه گردید. این جایه‌جایها مسائل و دشواری‌های تازه‌ای برای مهاجران و مناطق استقرارشان، از جهت نظام معيشی، سیستم تولید و توزیع و سطح قیمت‌ها پدید آورد. استقرار مجدد این عده، پس از پایان جنگ ترکیب سابق خود را انخواهد داشت. چه بسا فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، مانند موقعیت‌های شغلی و ازدواج و جاذبه‌های فرهنگی و زفافی، تعدادی از این مهاجران وقت را به مهاجران دائم تبدیل کند. به هر حال، بیش از یک میلیون ایرانی برآزو قوع جنگ محل اقامت خود را ترک کرده و به نقاط مختلف کشور و پایا خارج پناه برده‌اند که حدود ۹۵۵ هزار نفر از آنان زیر پوشش خدمات بنیاد امور مهاجرین جنگ تحملی هستند.

اما در مورد ایرانیان مقیم خارج اطلاعات دقیقی در دست نیست. با این‌همه، جلای وطن در ابعاد کار و تجارت و تحصیل و یا گرینش محیط زندگی رواج داشته است. تنشادرد 13455 تا 1355 ، حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر کشور را ترک کرده‌اند و از سالهای ۱۴۵۰ به بعد نیز ترک‌وطن، چه به صورت مجاز و چه غیر مجاز، در سطح وسیعی رواج یافته است. از آنجایی که کیفیت نیروی کار تعدادی از خارج شدگان در سطح بالایی بوده است و صادرات نیروی انسانی، هزینه اجتماعی فراوانی برای کشور دارد، توجه دولت به این مسئله ضرورت دارد و باید سیاستی به منظور بازگردانی ویا استفاده از نیروی کار آنان به کار گرفته شود. گفته می‌شود که در آمریکا حدود ۲ میلیون ایرانی زندگی می‌کنند و بعضی "سالهای است که ایران رفت و آمد و علاوه، خانوارهای زیادی از ایرانیان از سالهای پیش در انگلستان، آلمان، فرانسه، ایتالیا، سوئیس و سایر کشورها از جمله هند و عراق اقامت گردیده‌اند. همچنین بخش قابل توجهی از جمعیت واکتر "به عنوان نیروی کار، در کشورهای اطراف خلیج فارس مقیم شده‌اند که از کم و کیف آن اطلاعی در دست نیست و تنها رقم تقریبی ۵۰۰۰۰ نفری ایرانیان مقیم کشورهای خارجی (به جز آمریکا) برای شناخت کمی و کیفی مهاجران ایرانی به خارج کفا است نمی‌کند. به طور کلی، جذب ایرانیها به بازار کار کشورهای آسیایی، و بیویژه کشورهای خلیج فارس، جنبه کار و برای کشورهای دیگر جنبه کار و تحصیل را دارد و البته تعدادی از برادران ایرانی نیز اضطرارا" در کشور عراق به سرمی برنده و گروه دیگری از ایرانیان به دلایلی در سایر کشورهای اروپایی و ترکیه مقیم شده‌اند.

کشور ایران از دیر باز مورد توجه بیکانگان بوده است. خواه به علت موقعیت‌های سیاسی و جاذبه‌های اقتصادی و فرهنگی و خواه به سبب بعد مطلقه‌ای اسلام، همیشه تعدادی از خارجیان مسلمان و غیر مسلمان در این کشور زندگی کرده‌اند و در آینده نیز سهمی از جمعیت کشور را تشکیل خواهند داد. با توجه به اعمال سیاستهای حاکم در بعضی از کشورها واستعداد پذیرش کشور، تاجایی که مصالح عمومی مملکت اجازه دهد، هم‌واره تعدادی خارجی در این کشور خواهد بود. شواهد آماری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۴۵ معادل ۲/۰٪ در سال ۱۳۵۵ برابر ۵٪ و در حال حاضر معادل ۴٪ جمعیت کشور اخراجیان تشکیل می‌دهند. فعالیت سازمانهای "بنیاد امور افغانستان" و "بنیاد امور معاویین عراقی" وزارت کشور و وزارت خارجه و... توانند

بخشی از اطلاعات مربوط به خارجیان را در ایران تامین کنند و به امور آنها بپردازند که این برای شناخت و نهایتاً "تصمیمگیری در برنامه‌ریزی و تنظیم سیاستهای مربوط به خارجیان در ایران" بسند است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود اداره‌ای به نام "اداره مهاجرت" تشکیل شود تا کلیه امور مربوط به مهاجران را انجام دهد، و در آغاز کار لاقلبه گردآوری آمارها و پژوهیهای مربوط به خارجیان ساکن در ایران و ایرانیان مقیم خارج بپردازد تا ضمن بررسیهای موضوعی، تصمیمگیران و برنامه‌ریزان مملکت با شناخت و آگاهی بیشتری به تنظیم و اجرای سیاستهای مهاجرتی بپردازند. این اقدام، می‌تواند از نظر اقتصادی گشاویشی برای کشور، از نظر اجتماعی ره‌آوردی برای کشور، و از دید سیاسی و فرهنگی حامل پیامی برای سازندگی کشورهای مبدأ و مقصد باشد.

آثاری که مهاجرت به صورت یک جانبه یا دو جانبه در کشورهای مبدأ و مقصد می‌گذارد، به طور خلاصه به شرح زیر است: وقتی تعادل‌های اقتصادی - اجتماعی در یک منطقه ازین می‌رود، مهاجرت آغاز می‌گردد. از نظر اجتماعی، غالباً "بروز تحولات فرهنگی، روانی، سیاسی و گاه مذهبی باعث می‌شود که مهاجران سرزمینی را ترک کنند و در جای دیگر مسکن گزینند. کمودیت‌های کشاورزی، بالارفتن تراکم زیستی و پایین آمدن سهروزی در بخش کشاورزی نیز در کشادن روستا ییان به نقاط سرما یه‌گذاری شده و یا مراکز خدماتی موثر است. این حرکتهای جمعیتی به شکل‌های مختلف، از جمله به صورت "گروهی"، "خویشاوندی" و فردی انجام می‌گیرد. که در پی آن منجر به مهاجرت "زنگیره‌ای" می‌شود و مهاجرت را به حالت مستمر در می‌آورد و بیامدهای در اقتصاد، جمعیت واوضاع اجتماعی کشور مهاجر فرست و مهاجر پذیر برجای می‌گذارد.

در کشور مهاجر پذیری مانند ایران، مهاجرت بر رشد جمعیت می‌افزاید، گرچه در زاده و ولد تاثیر مستقیم چندانی نمی‌گذارد ولی ترکیب سنی را تغییر می‌دهد، یعنی جمعیت کشور مقصداً پیرتر می‌کند، سطح استغال را گسترشده ترمی سازد، کمودیت‌های انسانی را جبران می‌کند و به علت اختلاف دستمزد، نوع و کیفیت کار، بیکاری و حجم نیروی کار کشور مقصداً بالا می‌برد. به عبارت دیگر، در برآوردهای استغال در ایران نیروی کار خارجی رانیز باید به سطح استغال افزود.

ورود مهاجران به عنوان نیروی کار به کشور، رشد اقتصاد و تولید ملی را بالا می‌برد، و از آنجایی که نرخ فعالیت اقتصادی مهاجران در ایران از "میزان فعالیت" جامعه بالاتر است، "بارتکفل" در کل پایین‌تر می‌آید. دستمزدها به علت قاب قابل نگهداشت می‌شود و هزینه اجتماعی به علت وضع خاص، کاهش می‌یابد و تولید ملی و تولید سرانه بالا می‌رود و از سرما یه‌گذاری کشور مهاجر پذیر برای تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص کاسته می‌شود. اما متأسفانه در ایران، به علت خروج نیروی ماهر و متخصص و ورود نیروی کار ساده، نه تنها حاصل سرما یه‌گذاری ذکر شده به هدرفته است، بلکه بر هزینه اجتماعی نیز افزوده شده است.

کشور مهاجر پذیر برازور و بعضی از مهارت‌ها و انتقال این مهارت‌ها به کارکن داخلی استفاده می‌کند که این عمل در ترکیب شغلی اثر می‌گذارد. در ایران چنین کاری در قبل از انقلاب چندان به جد گرفته نشده است و بعد از انقلاب نیز به علت کیفیت پایین مهاجران، تاثیری در افزایش میزان مهارت و تغییر تکنولوژی نداشته است.

پساند از مهاجران به نحوی از کشور خارج می شود که اثر منفی در اقتصاد کشور بر جای می گذارد . به علاوه پساند از راکدان موجب محدودیت هایی در " تشکیل سرمایه " می شود و بالعکس ورود سرمایه ، کشاورزی مالی برای کشور مقصد به وجود می آورد ..

مهاجران بیشتر تولید کننده هستند تا مصرف کننده ، والگوی مصرف آنان نیز با الگوی مصرف محلی فرق می کند . در سیستم توزیع فعلی ، لاقل در مردم کالاهای مصرفی ، چنانچه جهت تامین ارزاق مهاجران برنامه - ریزی نشود ، به ایجاد بازار سیاه و دونرخی بودن (آزاد - دولتی) کالاهای در مقاومت های انجام داده مصرف کننده از آن زیان می برد .

در انتقال و آمیزش فرهنگ مبدأ و مقصد ، مهاجرت قانون مندی خود را اعمال می کند که در شکل های فرهنگ تکنولوژیک ، فرهنگ معیشتی و معنوی خلاصه می شود . این فرهنگ ، گاه ذر جریان برخورد با فرهنگ های محلی به صورت غالب و یا مغلوب و یا آمیزه ای از هر دو در می آید که حاصل آن ، همچون یک پدیده جدید اجتماعی بروز می کند (زبان ، مذهب ، آداب و رسوم ، مهارت و ...) .

ورود مهاجران بر مسکن ، بهداشت ، آموزش و پرورش ، خدمات رفاهی فشار می آورد . کمترین تاثیر مهاجرت های انبیوه داخلی و خارجی آن است که بر حاشیه نشینی هی افزاید و از این رو مهاجران از وضع مناسبی از نظر مسکن برخوردار نیستند .

ورود رانده شدگان عراقی به ایران در زمانی انجام گرفته است که کشور دچار مضیقه های بوده است و مهاجران از وضع مناسبی برخوردار نشده اند و اکثر آنها شغل های غیر مولد کننگی در اقتصاد ندارد پرداخته اند و از این رو بوجبر شد بیکاری و بیکاری پنهان شده اند . با توجه به جنبه های انسانی این امر که مشابه آن را در صدر اسلام به صورت پدیده مهاجران و انصار داشت ایم ، و با عنایت به تاثیر " مکتب " ، باید گفت که چه بسا ناخشنودی های رفتاری ناشی از این امر نیز پدیده ای گذرا باشد .

مهاجران غیر قانونی پس از استقرار در نقاط مرزی ، به مناطق جاذب نیروی انسانی رومی آورند که دستمزدها بیشتر و کار دایمی تر باشد . ورود آنان به اقشار پا بین اجتماعی فشار می آورد و موجب بیکاری و کم کاری کارگران بومی می شود بخصوص که مهاجران بسیاری از مشاغل مطلوب و موردن علاقه بومی هارا از دست آنها می گیرند .

مهاجران محرومیت هایی دارند که موجب بروز رفتار ها و کردار های ناپسند می شود در جامعه بحران روانی ایجاد می کند که باید برای این معضل اجتماعی نیز چاره ای اندیشید .

امید است در صورت روشن شدن علل و مسائل و معضلات ناشی از مهاجرت های داخلی و خارجی ، کمکی به تصمیم های دولت در گزینش سیاست های مهاجرت شده باشد ..

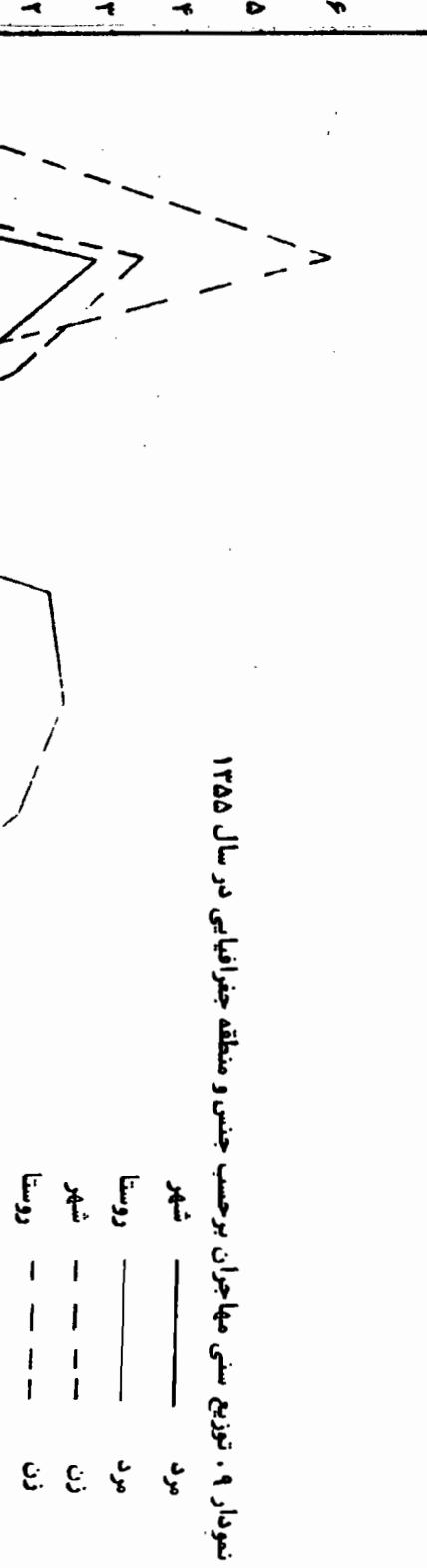
جدول ۳۷. نتیجه استخراج برگهای سرشماری شهرستانهایی که در سال ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ سرشماری شده‌اند

نام شهرستان	تابعیت ایرانی	بیکار
کاشان	۴۴۹۶۷	۲۷
تهران	۵۳۳۵۱۴	۶۵۷۳۵
تبریز	۲۱۳۱۹۲	۳۵۰
مشهد	۱۷۵۰۶۳	۱۳۰۸
اردبیل	۶۳۳۶۴	۴۲
اصفهان	۲۰۴۴۶۹	۱۲۹
همدان	۱۰۳۷۵۳	۱۲۱
شیراز	۱۲۸۹۰۶	۱۱۷
بکرمانشاه	۸۸۲۶۱	۳۶۱
کرمان	۵۰۰۰۸	۴۰
بزد	۶۰۰۳۸	۲۸
جمع	۱۶۶۵۵۳۵	۶۸۲۵۸
جمع	۱۷۳۳۷۹۳	

جدول ۳۸ . نسبت جمعیت مهاجر به جمعیت کل کشور بر حسب گروههای سنی و جنسی
در سال ۱۳۴۵

زن	مرد	مردوزن	جنس	
			کلیه سنین	گروه سنی
۰/۲۲	۰/۲۱	۰/۲۲		
۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۰۹	۴-۵	
۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۱۰	۹-۱۰	
۰/۱۰	۰/۰۸	۰/۰۹	۱۴-۱۵	
۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۰۹	۱۹-۲۰	
۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۱۷	۲۴-۲۰	
۰/۲۹	۰/۲۰	۰/۲۵	۲۹-۲۵	
۰/۳۹	۰/۳۳	۰/۳۶	۳۴-۳۰	
۰/۴۴	۰/۴۸	۰/۵۱	۳۹-۳۵	
۰/۴۹	۰/۴۹	۰/۴۹	۴۴-۴۰	
۰/۵۲	۰/۲۹	۰/۴۸	۴۹-۴۵	
۰/۴۷	۰/۴۳	۰/۴۵	۵۴-۵۰	
۰/۶۲	۰/۴۶	۰/۵۳	۵۹-۵۵	
۰/۴۵	۰/۴۰	۰/۴۳	۶۴-۶۰	
۰/۴۴	۰/۴۳	۰/۴۳	۶۶ به بالا	

نمودار ۹. توزیع سنی مهاجران بر حسب جنس و منطقه جغرافیایی در سال ۱۳۵۵



فهرست مأخذ

۱. اداره‌اشتغال اتباع بیگانه . آمارهای گزارش گارکنان خارجی دارای پروانه‌گذار . تهران : سالهای ۱۳۵۷ - ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ - ۱۳۵۳ .
۲. بنیاد امور مهاجرین جنگ تحملی . آمار گزارشی . تهران : ۱۳۶۱ .
۳. پیمان، حبیب . مهاجرت‌های خارجی در ایران . موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی . تهران : ۱۳۴۹ .
۴. سادات دربندی، ابوالقاسم . ویژگی‌های مهاجرت در ایران . مرکز آمار ایران . تهران : ۱۳۵۶ .
۵. سازمان برنامه و بودجه (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی) . نشریه توزیع درآمد . تهران : ۱۳۶۰ .
۶. شورای مشترک برنامه‌ریزی . اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های نیروی انسانی و اشتغال (۱۳۶۱-۱۳۶۶) . تهران : ۱۳۶۱ .
۷. فرید، یدا . . . جغرافیای جمعیت . دانشگاه آذربادگان . تبریز : ۱۳۵۳ .
۸. کازرونی، کاظم . بررسی مهاجرت داخلی در ایران . سازمان برنامه و بودجه (دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و نیروی انسانی) . تهران : ۱۳۶۰ .
۹. مرکز آمار ایران . تازه‌های آمار . تهران : ۱۳۶۳ .
۱۰. ——— . سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۹بان ماه ۱۳۵۵) . تهران : ۱۳۵۸ .
۱۱. ——— . نتایج آمارگیری تهران . تهران : ۱۳۵۹ .
۱۲. ——— . (همراه با اداره نیروی انسانی وزارت کار) . نتایج آمارگیری نیروی انسانی . تهران : ۱۳۵۱ .
۱۳. ——— . نشریه آمارگیری صنعتی تهران : ۱۳۶۱ .
۱۴. مسو سسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی . ارزشیابی توزیع جمعیت بر حسب سن و جنس در سر بر شماری‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ . تهران : ۱۳۴۹ .
۱۵. وزارت امور خارجه . آمار گزارش ایرانیان مقیم خارج . تهران : ۱۳۶۰ .
۱۶. وزارت کار و امور اجتماعی (اداره کل مطالعات نیروی انسانی) . بررسی مسائل نیروی انسانی . تهران . ۱۳۴۳ .
۱۷. وزارت کشاورزی و منابع طبیعی (دفتر برنامه‌ریزی) . نشریه علل مهاجرت‌های روستایی . تهران : بی‌نا .
۱۸. وزارت کشور (اداره کل آمار عمومی) . سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۹بان ماه ۱۳۳۵) . تهران : ۱۳۳۸ .
۱۹. هدایت، محمود . کازرونی، کاظم . گارکنان خارجی در ایران . سازمان برنامه و بودجه (دفتر جمعیت و نیروی انسانی) . تهران : ۱۳۵۶ .

4.85